

امانت داران جان و سرمایه ملی

این شماره ماهنامه مشعل
به آتش نشانان صنعت نفت تقدیم می شود



به یاد دانش آموزان
میناب که
مظلومانه پرکشیدند

آغاز سال تحصیلی جدید مبارک باد



در میان ۳۱ استانی که مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت خیز به نمایندگی از شرکت ملی نفت ایران، بیشترین طرح‌های آموزشی را تکمیل کرده و به بهره‌برداری رسانده است، استان‌های خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب در جایگاه‌های اول تا سوم قرار دارند.

۵۶۱ پروژه آموزشی

در ۳۱ استان به همت

شرکت ملی نفت ایران تکمیل شده است

- مدیر مسئول
سامان قدوسی
- رئیس امور انتشارات و مستندنگاری
جعفر پورفرجودی
- سردبیر
مهناز محمد قلی
- دبیر تحریریه
سعید محمدبگی
- همکاران تحریریه
فاطمه دهقان نیری،
یونس صادقی، حمیدرضا زینلی،
علیرضا عبدی
- همکاران فنی
طراح گرافیک: بهاره افتخاری
محمود محرابی
ویراستاری: زهرا شهبازی
مرضیه بیکی فرانی
حروفچین: رقیه مصطفوی
- عکس
واحد عکس اداره کل روابط عمومی
وزارت نفت
- خدمات IT
مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات
روابط عمومی وزارت نفت

مهر ۱۴۰۵



عکس جلد: سید حسن حسینی

با تغذیه مناسب به جنگ آلزایمر برویم

بشقاب سلامت برای مغز ماندگار

۵۴



مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران:

برنامه جهش تولید در مناطق نفت خیز جنوب تدوین می شود

۶

۲ سال با وزیر نفت در دولت

چهاردهم:

صادرات نفت خام
ایران در جنگ ۴۰
روزه یک ساعت هم
متوقف نشد

۴

خبر خوش اکتشافی مردم را دلشاد کرد

تخته روی گاز

۲۴



۵۶۱ پروژه آموزشی در ۳۱ استان به همت شرکت ملی نفت ایران
تکمیل شده است

کوله پشتهایی پر از فردا

۴۰



رزمنده خرمشهری

از روزهای جنگ و اسارت در دوران دفاع مقدس
روایت می کند

قصه یک غیرت پشت هر خط لوله

۲۸

خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان
«از دل تلاش تا اوج پایداری» می درخشد

بر فراز بلوط های زاگرس

۳۲



آتش نشانان صنعت نفت

از ثایه های نفسگیر مه‌ار

آتش در قلب تأسیسات

می گویند

امانت داران جان و سرمایه ملی

۱۰

نشریه مشعل را در

WWW.MASHAL.IR

دنبال کنید

نشانی

تهران، خیابان طالقانی،

رو به روی ساختمان مرکزی وزارت نفت

ساختمان شماره ۳۴ نفت- طبقه چهارم

تلفن: ۶۱۶۲۶۰۸۴

فکس: ۶۶۴۹۱۳۰۹

اداره کل روابط عمومی وزارت نفت

جمهوری اسلامی ایران

Email: mashal@mop.ir



از طریق
اسکن بارکد
«کیو آر»
وارد سایت
مشعل
شوید.





۲ سال با وزیر نفت دولت چهاردهم

صادرات نفت خام ایران در جنگ ۴۰ روزه یک ساعت هم متوقف نشد

وزیر نفت از افزایش تولید نفت و گاز، شتاب‌گرفتن جمع‌آوری گازهای مشعل، اجرای طرح‌های فشارافزایی پارس جنوبی، افزایش ظرفیت فراورش نفت خام در میدان‌های مشترک و توقف واردات گازوییل طی فعالیت دو ساله وزارت نفت در دولت چهاردهم خبر داد و گفت: صادرات نفت خام کشور در طول جنگ ۴۰ روزه حتی یک ساعت هم متوقف نشد.

محسن پاک‌نژاد در تشریح عملکرد دو ساله صنعت نفت طی دوران فعالیت دولت چهاردهم، گفت: یکم شهریور ۱۴۰۳ که وارد وزارت نفت شد، موضوع ذخیره‌سازی‌های سوخت کشور نخستین موضوعی بود که در نشست با مدیران ارشد صنعت نفت به بحث و بررسی گذاشته شد، متأسفانه در آن زمان گزارش‌ها در زمینه ذخیره‌سازی‌های بنزین و گازوییل نیروگاهی تا حدودی نگران‌کننده بود.

وی افزود: شهریور، ماه سفرهاست و به‌طور طبیعی نسبت به دیگر ماه‌های سال، مصرف بنزین افزایش می‌یابد، درباره گازوییل ذخیره‌شده در نیروگاه‌ها هم پس از دو تا سه ماه با فصل سرد روبه‌رو خواهیم بود و سازوکار تأمین گاز نیروگاه‌ها به دلیل افزایش مصرف در بخش‌های خانگی و تجاری تا اندازه‌ای محدود می‌شود، بنابراین نیروگاه‌ها باید گازوییل را جایگزین گاز طبیعی کنند.

نخستین گزارش به رئیس جمهوری

وزیر نفت گفت: در نخستین ملاقات با رئیس جمهوری گزارش نخست‌بنده به ایشان درباره وضع ذخیره‌سازی‌های سوخت بود. در زمان ارائه گزارش، با استناد به اعداد و ارقام، واکنش ایشان بسیار جالب بود؛ ضمن نگرانی و دغدغه‌مندی با

خونسردی پرسید: «برنامه شما چیست؟»

پاک‌نژاد با اشاره به اینکه از آن پس رئیس‌جمهوری به‌طور مستمر در مقاطع زمانی سه تا چهار روز یک بار پیگیر این موضوع بود، تصریح کرد: هفته‌ای یک بار با برگزاری نشست، وضع ذخیره‌سازی گاز و گازوییل نیروگاه‌ها بررسی و تعادلی میان وزارتخانه‌های نفت، صنعت، معدن و تجارت (صمت) و نیرو برقرار شد تا بتوانیم با همکاری و هم‌افزایی حرکت کنیم و کشور در این حوزه با مشکل تأمین سوخت روبه‌رو نشود.

امضای قرارداد فشارافزایی میدان مشترک گازی پارس جنوبی

وی گفت: طرح فشارافزایی میدان گازی پارس جنوبی تا حدودی عقب‌ماندگی داشت و شاید سال‌ها پیش باید آغاز می‌شد، هم‌زمان در طول ۶ ماه از زمان آغاز فعالیت در دولت چهاردهم گروه‌های کارشناسی متمرکز بر آماده‌کردن قرارداد این طرح توسعه‌ای بودند.

وزیر نفت گفت: قرارداد فشارافزایی پارس جنوبی از این نظر اهمیت دارد که به هر حال گام نخست برای آغاز عملیات اجرایی است. دغدغه و نگرانی درباره افت فشار در این میدان مشترک گازی از سال‌ها پیش وجود داشته است، افت فشار به معنای کاهش برداشت از این میدان است و کاهش برداشت هم به ناترازی‌هایی که از گذشته وجود داشته است، دامن می‌زند؛ ناترازی‌هایی که از ۱۵ تا ۲۰ سال پیش به تدریج به آن اضافه شده و در سال ۱۴۰۳ به اوج خود رسیده بود.

پاک‌نژاد تصریح کرد: اعداد و ارقامی که در حوزه گاز با آن روبه‌رو بودیم، برای ناترازی قابل توجه بود و باید برای آن تدبیری می‌اندیشیدیم، بنابراین نخستین قرارداد بزرگ صنعت نفت در اسفند ۱۴۰۳ با حضور رئیس‌جمهوری امضا شد.

حفظ پایداری تأمین سوخت با وجود اصابت به تأسیسات نفتی

وی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه افزود: در جنگ ۱۲ روزه یکی از انبارهای نفت تهران هدف قرار گرفت که نقشی تعیین‌کننده در تأمین و توزیع سوخت داشت. در ادامه، پالایشگاه‌های گازی فجر جم و فاز ۱۴ پارس جنوبی هم مورد اصابت قرار گرفتند.

وزیر نفت ادامه داد: با وجود این اصابت‌ها و جهش مصرف بنزین در روزهای نخست جنگ ۱۲ روزه که مصرف را به آستانه روزه ۲۰۰ میلیون لیتر رساند، در حوزه ذخیره‌سازی‌ها و انبارهای بنزین و سوخت شهر تهران خوشبختانه با مشکل جدی روبه‌رو نشدیم. در حوزه گاز هم با وجود اصابت به پالایشگاه‌های فجرجم و فاز ۱۴ پارس جنوبی، کمبودی نداشتیم.

نقش مردم در مدیریت مصرف گاز زمستان ۱۴۰۳

پاک‌نژاد با اشاره به اقدام‌ها برای افزایش تولید گاز در سال ۱۴۰۳ گفت: در کنار تلاش همکاران برای افزایش

تولید گاز، اقدام دیگری که اهمیت داشت، مدیریت تعمیرات اساسی پالایشگاه‌های گاز بود. این تعمیرات باید تا شهریور به پایان می‌رسید، اگر می‌خواستیم تعمیرات اساسی را در آن مقطع انجام دهیم، به ماه‌های آبان و آذر می‌رسیدیم که بخشی از ظرفیت تولید گاز در دسترس قرار نمی‌گرفت و شرایط را دشوارتر می‌کرد.

وی افزود: بنابراین تلاش کردیم تولید را افزایش دهیم و یکی از عوامل بسیار مؤثر در مدیریت مصرف گاز طی زمستان ۱۴۰۳، نقشی بود که بخش‌های مختلف جامعه و مردم ایفا کردند. این پیشنهاد به صورت مستقیم از سوی رئیس‌جمهوری مطرح و با عنوان «پوشش دودرجه کمتر» اجرا شد. این پوشش، براساس اعداد و ارقام، بسیار مؤثر بود. شخص رئیس‌جمهوری مطرح‌کننده این پوشش بود و بر اجرا و نقش‌آفرینی بخش‌های مختلف کشور در آن، اصرار ورزید.

جمع‌آوری روزانه ۱۱.۵ میلیون مترمکعب گازهای مشعل در دولت چهاردهم

وزیر نفت با بیان اینکه پس از جنگ ۱۲ روزه، کشور شرایط خاصی داشت، اما هم‌زمان مباحث مربوط به طرح‌های افزایش تولید نفت و گاز را ادامه دادیم، گفت: در حوزه افزایش تولید نفت، قراردادی برای افزایش روزانه ۲۵۰ هزار بشکه تولید نفت داشتیم که سازوکارهای مرتبط با آن نیازمند مطالعه، بررسی و دریافت مصوبه‌هایی بود. این مصوبه‌ها را در فاصله پس از جنگ ۱۲ روزه دریافت کردیم و در عمل وارد مرحله اجرا شدیم. خوشبختانه توانستیم تولید روزانه حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار بشکه از این ۲۵۰ هزار بشکه را محقق کنیم.

پاک‌نژاد جمع‌آوری گازهای مشعل را از محورهای مورد تأکید رئیس‌جمهوری دانست و بیان کرد: پیگیری‌ها در این زمینه به‌گونه‌ای بود که تقریباً در هر تماس تلفنی با رئیس‌جمهوری، حتی اگر موضوع دیگری مطرح بود، در پایان گفت‌وگو ایشان درباره سازوکار اجرای طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل می‌پرسید.

وی ادامه داد: رئیس‌جمهوری به‌درستی اهمیت این پروژه‌ها را متوجه شده بود و مصرانه پیگیری می‌کرد و چند بار در نشست‌های مختلف تأکید کرد «هر مشکلی در این باره وجود دارد، اشاره کنید، بنده حل می‌کنم»، تا اجرای این پروژه به دلیل نبود هماهنگی احتمالی میان دستگاه‌ها سبب تأخیر نشوند.

وزیر نفت افزود: با پیگیری‌های مستمر رئیس‌جمهوری، از ابتدای دولت چهاردهم تا امروز حدود ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار مترمکعب در روز گازهای مشعل را در قالب پروژه‌های مختلف جمع‌آوری کردیم. این پروژه یکی از مصادیق روشن جلوگیری از هدررفت انرژی و منابع کشور به شمار می‌رود که باید تا رسیدن به نتیجه با جدیت دنبال شود.

حفاری پیش از ۳۰ حلقه چاه درون‌میدانی در پارس جنوبی

پاک‌نژاد با اشاره به آغاز حفاری درون‌میدانی در پارس جنوبی در سال ۱۴۰۴ گفت: این طرح با شتاب ورشد مناسبی ادامه یافت. بیش از ۳۰ حلقه چاه برنامه‌ریزی شده بود که در حوزه پارس جنوبی در قالب چند پیمان حفاری شود. این طرح نیز ادامه یافت و تعدادی از این چاه‌ها به نتیجه رسیده‌اند. به نتیجه رسیدن چاه‌های حفاری و درون‌میدانی پارس جنوبی به افزایش تولید گاز کشور کمک کرده است.

وی با بیان اینکه سال ۱۴۰۴ را با تمرکز بر طرح‌های راهبردی ادامه می‌دادیم که به ۹ اسفند رسیدیم و بار دیگر کشور هدف حمله دشمن آمریکایی- صهیونیستی قرار گرفت، تصریح کرد: تعدادی از همکاران عزیز ما در جریان حمله‌های دشمن به شهادت رسیدند؛ همکارانی که در آن لحظات سخت پای کار ایستاده بودند و برای ایران تلاش کردند. یاد و خاطره همه این همکاران عزیز را در کنار دیگر شهدای گرانقدر صنعت نفت در طول جنگ ۴۰ روزه گرامی می‌داریم.

حمله به انبارهای نفت تهران و مدیریت سوخت‌رسانی به شمال کشور

وزیر نفت با اشاره به اینکه در طول جنگ ۴۰ روزه شاهد آسیب‌های بیشتری بودیم، بیان کرد: شانزدهم یا هفدهم اسفند بود که بار دیگر انبارهای نفت تهران مورد هجوم قرار گرفت. زمانی که یکی از این تأسیسات هدف قرار گرفت، از محلی دور و روی ساختمانی ایستاد و شراره‌های آتش را دیدم. شرایط بسیار نگران‌کننده بود. پاک‌نژاد ادامه داد: انبارهای نفت ری، شهران و قوچک هدف قرار گرفتند. تأسیسات بارگیری انبار نفت ری هم آسیب دید. هم‌زمان، یکی از انبارهای نفت استان البرز هدف قرار گرفت و شرایط بسیار نگران‌کننده شد. تأسیسات بارگیری از این جهت اهمیت داشت که با آسیب دیدن آن، امکان سوخت‌رسانی به استان‌های شمالی کشور می‌توانست مختل شود. طبق قاعده، چنین اتفاقی باید سوخت‌رسانی را با مشکل روبه‌رو می‌کرد و هدف دشمن نیز ایجاد همین اختلال بود.

وی افزود: همان شب گرد هم آمدیم و درباره راهکارها بحث کردیم. برنامه‌ریزی‌هایی انجام شد و چهارچوب‌هایی تعریف کردیم تا کمترین اختلال در حوزه سوخت‌رسانی استان تهران و استان‌های شمالی کشور ایجاد شود.

وزیر نفت ادامه داد: بخشی از لجستیک را که در جنوب کشور قرار داشت به شمال منتقل کردیم و بخشی از امکانات نواحی مرکزی کشور را به تهران انتقال دادیم تا امکان انتقال سوخت از مسیرهای جاده‌ای فراهم شود. تدابیر دیگری اندیشیده شد که اکنون به آن‌ها اشاره نمی‌کنم و در زمان دیگری روایت خواهیم کرد.



در حوزه افزایش تولید نفت، قراردادی برای افزایش روزانه ۲۵۰ هزار بشکه تولید نفت داشتیم که سازوکارهای مرتبط با آن نیازمند مطالعه، بررسی و دریافت مصوبه‌هایی بود. این مصوبه‌ها را در فاصله پس از جنگ ۱۲ روزه دریافت کردیم و در عمل وارد مرحله اجرا شدیم. خوشبختانه توانستیم روزانه حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار بشکه از این ۲۵۰ هزار بشکه را محقق کنیم

پاک‌نژاد گفت: همکاران ما کارهای بسیار ارزشمندی انجام دادند و خوشبختانه پس از چند روز، اوضاع از حالت نگرانی به پایداری نسبی رسید و مدیریت سوخت‌رسانی در شمال کشور به نحو مطلوب انجام شد.

بازسازی پالایشگاه‌های گازی آسیب‌دیده عسلویه

وی بیان کرد: ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ حادثه تلخی رخ داد و دشمن پالایشگاه‌های سوم تا ششم عسلویه را هدف قرار داد. در دقایق نخست که گزارش این حادثه به دستم رسید، حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بعد توانستم موضوع را به رئیس‌جمهوری منتقل کنم. در ساعات اولیه بسیار نگران بودیم که اوضاع چگونه پیش خواهد رفت.

وزیر نفت با بیان اینکه مجبور شدیم بخش مهمی از تولید را کاهش دهیم، گفت: خوشبختانه با تسلط تخصصی و فنی همکاران شرکت‌های ملی نفت و گاز، توانستیم ظرف چند ساعت بخش‌هایی از ظرفیت به چرخه عملیات بازگردانیم. بخش قابل توجهی از ظرفیت ازدست‌رفته را بازگردانده‌ایم و این فرایند همچنان ادامه دارد. یک تا سه روز پس از اصابت، عملیات بازسازی آغاز، نشست‌های هماهنگی برگزار و مسئولیت‌های مشخص و تفکیک شد و برای هر بخش از پروژه وظایف مشخصی تعریف کردیم. پاک‌نژاد افزود: فرایند بازسازی پالایشگاه‌ها به‌طور معمول پس

از وقوع چنین حوادثی با آواربرداری آغاز می‌شود. این فرایند حدود دو تا سه روز پس از حادثه آغاز شد و امروز بخش قابل توجهی از بازسازی انجام شده است. امیدواریم ظرف چند ماه آینده نتایج این بازسازی را شاهد باشیم و افزایش تولید گاز کشور محقق شود.

حضور سرزده رئیس‌جمهوری در وزارت نفت در روزهای جنگ

وی درباره حضور رئیس‌جمهوری در وزارت نفت در روزهای جنگ گفت: در طول روزهای جنگ که بخش عمده‌ای از آن وارد سال ۱۴۰۵ شده بود، رئیس‌جمهوری با وجود محدودیت‌های حفاظتی، چندنوبت به‌صورت سرزده برای دیدار با ما به وزارت نفت آمد. مادر بعضی از روزها در این ساختمان مستقر نبودیم و مجبور بودیم در ساختمان‌های دیگری

فعالیت کنیم. حضور رئیس‌جمهوری باتوجه به روحیه مردم‌داری، صداقت وشجاعت ایشان بسیار قابل توجه بود.

وزیر نفت ادامه داد: همه ما شاهد این شجاعت در عرصه‌های مختلف بودیم واین ویژگی به‌عنوان یکی از صفات بارز رئیس‌جمهوری بروز و ظهور داشت. ایشان هنگام حضور نگرانی‌ها و دغدغه‌ها را می‌شنید و رهنمودهایی ارائه می‌داد. بعضی موارد برای من بسیار جالب‌بود؛ باوجوداینکه انتظار می‌رفت ایشان تخصص مستقیم در این زمینه نداشته باشد، نکاتی را مطرح می‌کردکه بسیار کارگشا بود.

پاک‌نژاد تأکید کرد: بی‌تعارف و مبالغه عرض می‌کنم. همکاران ما هم شاهد بودند و برایمان جالب بود که رئیس‌جمهوری تااین اندازه به‌این مسائل توجه داشت و دقیق به نکاتی اشاره می‌کرد که می‌توانست در حل مسائل بسیار مؤثر باشد.

وی با بیان اینکه حضور ایشان را فراموش نمی‌کنم، افزود: در شرایط خاص آن روزها، چهره رئیس‌جمهوری و صلابت و شجاعت ایشان را مشاهده می‌کردیم و می‌دیدیم که محدودیت‌ها را پشت‌سر می‌گذارند. البته یکی از گلایه‌ها وتوصیه‌هایی که به‌عنوان برادر کوچک‌تر ایشان همیشه مطرح می‌کردم، این بود که «آقای رئیس‌جمهور، انصاف‌مراقب خودتان باشید. به‌هر حال چشم این مردم به‌عنوان رئیس‌جمهوری به‌شماست و خدای نکرده اتفاقی در این حوزه نیفتد.»

حمله به واحدهای بیوتیلیتی پتروشیمی ها

وزیر نفت با اشاره به اینکه در سال ۱۴۰۵ با حمله دشمن به عرصه پتروشیمی‌ها در ماهشهر و عسلویه روبه‌رو شدیم، گفت: این حمله‌ها حساب‌شده بود و بخشی از واحدهای بیوتیلیتی ما که وظیفه تأمین بخار، برق، نیروژن و دیگر خدمات مورد نیاز واحدهای فرایندی را به عهده دارند، مورد اصابت قرار گرفتند. در روزهای نخست، ظرفیت قابل توجهی از تولیدصنعت پتروشیمی را از دست دادیم. از دست رفتن این ظرفیت به‌طور مستقیم بر تأمین بعضی از کالاها تأثیر می‌گذارد، زیرا زنجیره ارزش تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد و ممکن است مردم در تأمین برخی کالاها با مضیقه روبه‌رو شوند.

پاک‌نژاد ادامه داد: در این زمینه نیز برنامه‌ریزی‌هایی انجام شد و باهمکاری دیگر دستگاه‌های اجرایی کشور، وزارتخانه‌های صمت و نیرو، اقدام‌های لازم در همان روزهای جنگ و در چهارچوب نشست‌های مختلف انجام و شرایط تا حدود زیادی مدیریت شد. آیندگان بی‌شک قضاوت خواهند کرد که مردم و نیروهای مسلح ما چگونه در برابر این اوضاع مقاومت کردند.

تأمین معیشت مردم؛ دغدغه همیشگی رئیس‌جمهوری

وی با بیان اینکه یکی از دغدغه‌های همیشگی رئیس‌جمهوری، تأمین معیشت و نیاز مردم به بهترین نحو ممکن بوده است، بیان کرد: ایشان در این حوزه مرتب تأکید می‌کرد و نکات و رهنمودهای خود را ارائه می‌داد. این موضوع به‌عنوان خط‌مشی دائمی مطرح بود؛ با توجه به مسیرهای تخصصی گوناگون که در دستگاه‌های دولتی وجود دارد، هر دستگاه وظیفه

مشخصی داشت که همسو با این هدف و پیگیری مستمر رئیس‌جمهوری، مأموریت را دنبال کند.

صادرات بی‌وقفه نفت خام ایران در جنگ ۴۰ روزه

وزیر نفت یکی از اقدام‌های ماندگار صنعت نفت ایران را صادرات نفت در جریان جنگ ۴۰ روزه دانست و گفت: یکی از نکاتی که علاقه‌مندم به آن اشاره کنم و جزو کارهای ماندگار صنعت نفت ایران است، از صادرات نفت خام در فاصله جنگ ۴۰ روزه است. از ۹ اسفند تا زمانی که در اواخر فروردین در عمل وارد آتش‌بس موقت شدیم که پس از آن به محاصره منتهی شد، صادرات نفت خام کشور حتی یک ساعت هم متوقف نشد.

پاک‌نژاد با اشاره به حمله‌ها به جزیره خارگ افزود: این جزیره با وسعت ۲۳ تا ۲۴ کیلومتر، بیش از ۵۵۰ بار هدف حمله قرار گرفت، اما حتی زیر بمباران، همکاران ما نفتکش‌ها را باگرفری می‌کردند. این اقدام‌هایی است که تاریخ باید درباره آن قضاوت کند و من وظیفه خود می‌دانم در برابر این کار ارزشمند همکارانمان در سراسر صنعت نفت، به‌ویژه در زمینه صادرات نفت، سر تعظیم فرود آورم.

وی ادامه داد: در آن فاصله، صادرات اوضاع خوبی داشت و با محدودیتی روبه‌رو نبودیم. حتی قیمت نفت نیز افزایش یافته بود و این بخش از مأموریت صنعت نفت در طول ۴۰ روز بدون توقف انجام شد.

وزیر نفت با بیان اینکه در سال ۱۴۰۵ محاصره نخست، خطی بین رأس‌الحد و بندر گوادر پاکستان تعریف‌شده بود، گفت: تدابیر زیادی اتخاذ شد که اکنون نمی‌خواهم به آنها اشاره کنم، اما تلاش کردیم این محاصره را پشت‌سر بگذاریم. در نتیجه، فرایند فروش وتحویل نفت به مشتری در هزاران کیلومتر دورتر از منطقه خلیج فارس و دریای عمان عملیاتی و اجرایی شد.

پاک‌نژاد با اشاره به اینکه در انتقال نفت به خارج از خط محاصره محدودیت‌هایی داشتیم که در برخی موارد از آن عبور می‌کردیم و در بعضی از موارد نیز این امکان وجود نداشت، تصریح کرد: از ۲۴ تا ۲۵ فروردین تا ۲۷ یا ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ این محاصره ادامه داشت. پس از آن وقفه‌ای ایجاد شد و از ۲۷ تا ۲۸ خرداد، حداکثر استفاده را از این فرصت بردیم و بخشی قابل ملاحظه از نفت را به خارج از حوزه دریای عمان و خلیج فارس منتقل کردیم و به مناطقی رساندیم که امکان تحویل آن به مشتری وجود داشته باشد تا اینکه ۲۴ تیر محاصره بعدی آغاز شد.

ادامه تلاش صنعت نفت برای دور زدن محاصره

وی با بیان اینکه محاصره اوضاع دشواری دارد و در بخش تحویل نفت به مشتری اثرگذار است، گفت: محاصره همچنان ادامه دارد، اما صنعت نفت در زمینه تحویل نفت به مشتریان متوقف نشده است.

وزیر نفت افزود: راهکارهای مختلفی را دنبال می‌کنیم و برای پشت‌سر گذاشتن محاصره تدابیری اتخاذ کرده‌ایم. پاک‌نژاد با اشاره به عملکرد دو ساله دولت چهاردهم گفت: در طول دو سال دولت چهاردهم، بیش از دو برابر آنچه پیش از آن جمع‌آوری شده بود، پروژه اجرا شد. تولید نفت خام با اجرای طرح‌های مختلف افزایش

یافت و بخشی از طرح افزایش ۲۵۰ هزار بشکه‌ای هم به نتیجه رسید که حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار بشکه از این افزایش مربوط به همان طرح است.

وی رکوردزنی در برداشت گاز خام را یکی دیگر از دستاوردها برشمرد و افزود: همکاران مادر حوزه بالادست نفت توانستند در زمینه برداشت گاز خام از سکوهای نفتی ومیدان‌های گازی رکوردی به‌یادماندنی ثبت کنند.

افزایش بیش از ۳۰۰ هزار بشکه‌ای ظرفیت فراورش در میدان‌های مشترک

وزیر نفت تصریح کرد: در ارتباط با افزایش ظرفیت فراورش نفت خام نیز اقدام‌هایی انجام شد و در میدان‌های مشترک ظرفیت فراورش نفت خام بیش از ۳۰۰ هزار بشکه افزایش یافت.

پاک‌نژاد گفت: برای مدیریت فاصله بین تولید و مصرف دو مؤلفه داریم، نخست افزایش تولید که تلاش‌ها برای انجام این مأموریت مستقیم صنعت نفت ادامه دارد، به‌طور طبیعی افزایش تولید مستلزم رشد سرمایه‌گذاری و اقدام‌های اجرایی خاص خود است که زمانبر خواهد بود.

وی ادامه داد: زمانبر بودن این فرایند از این رو اهمیت دارد که وقتی به افزایش تولید می‌رسیم، به دلیل رشد شتابان مصرف، ممکن است این مقدار حتی نتواند بخشی از رشد مصرف را پوشش دهد. با این حال، مأموریت و وظیفه اصلی خودمان را دنبال می‌کنیم.

وزیر نفت تأکید کرد: مؤلفه دوم و مهم‌تر بهینه‌سازی یعنی مصرف متناسب است. من هیچ‌وقت نمی‌گویم مصرف کم، می‌گویم مصرف متناسب. اگر مطابق الگوهای بهینه‌سازی، مصرف کنیم به‌طور طبیعی مصرف کاهش می‌یابد. یکی از آثار بهینه‌سازی، کاهش مصرف است و با این شیوه بهتر می‌توانیم مصرف را مدیریت کنیم و فاصله بین تولید و مصرف را به حداقل ممکن برسانیم.

پویش «۲ درجه کمتر» الگوسازی رفتاری برای مصرف انرژی بود

پاک‌نژاد با اشاره به اینکه بهینه‌سازی مصرف طی دو سال گذشته به‌طور خاص از سوی رئیس‌جمهوری مورد تأکید بوده است، گفت: در محل کار رئیس‌جمهوری به‌طور معمول حداقل روشنایی وجود دارد. وقتی در تابستان به اتاق ایشان می‌روم، گاهی به دلیل گرمای اتاق اعتراض می‌کنم، اما ایشان دستگاه‌های خنک‌کننده را روشن نمی‌کنند. نه اینکه روشن نکردن دو دستگاه سردکننده در اتاق رئیس‌جمهوری تأثیری قابل توجه بر مصرف انرژی کشور داشته باشد، بلکه این اقدام نوعی الگوسازی رفتاری است.

وی ادامه داد: گاهی نیز اتاق ایشان آنقدر تاریک است که می‌گویم «آقای رئیس، ما جلو پایمان را هم نمی‌بینیم.» ایشان این موارد را رعایت می‌کند و در حوزه زندگی شخصی نیز تأکید دارد که «من

این کار را انجام می‌دهم تا مردم عزیزمان هم بدانند که بهینه‌سازی مصرف و صرفه‌جویی باید از خود ما شروع شود.» این یکی از کارهای ارزشمندی است که ایشان انجام می‌دهد و بر آن تأکید دارد.

وزیر نفت بیان کرد: ایشان چند نوبت به وزارت نفت آمد، به‌طور معمول ما ملاحظه‌هایی داریم، اما وقتی ایشان می‌آید، حساسیت بیشتری به مصرف انرژی نشان می‌دهیم.

پاک‌نژاد افزود: در یکی از همین دیدارها، با اینکه حداکثر مقدار روشنایی را کاهش داده بودیم، چراغ راهرو روشن بود. ایشان به من تأکید کرد: «این چراغ راهرو چرا روشن است؟» و من بلند شدم و آن را خاموش کردم. این حجم از حساسیت، همان الگوسازی رفتاری در مصرف انرژی است که باید در همه زمینه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

ناترازی انرژی حاصل یک یا دو سال نیست

وی با بیان اینکه در حوزه حامل‌های انرژی با ناترازی روبه‌رو هستیم، تأکید کرد: این ناترازی در یک یا دو سال گذشته ایجاد نشده، بلکه حاصل حدود ۲۰ سال است که به‌تدریج انباشته شده و امروز در احجام بزرگی خود را نشان می‌دهد و همین موضوع کار را دشوار کرده است.

وزیر نفت افزود: موضوع بهینه‌سازی مصرف باید به‌طور جدی مورد توجه همه ما قرار گیرد. همین‌ج‌از مردم عزیزمان درخواست می‌کنم که در این زمینه نیز مانند همیشه به دولت کمک کنند.

کاهش واردات بنزین با همراهی مردم امکان‌پذیر است

پاک‌نژاد با اشاره به اینکه در ارتباط با بنزین با این مسئله روبه‌رو هستیم که این روزها بحث آن بسیار مطرح است و در محافل کارشناسی بررسی می‌شود، گفت: واقعیت غیرقابل‌کنمان این است که بخشی از منابع ارزی کشور بابت واردات بنزین هزینه می‌شود و حجم آن قابل ملاحظه است.

وی ادامه داد: این امکان وجود دارد که با اتخاذ تدابیری، حجم واردات و منابع ارزی تخصیص‌یافته را به حداقل برسانیم و این هدف دست‌یافتنی است.

وزیر نفت تصریح کرد: رمز موفقیت طرح‌های صرفه‌جویی، همراهی مردم است. البته ابتدا باید اطلاع‌رسانی به‌موقع انجام شود و توضیحات کامل واقعا‌کننده به مردم ارائه کنیم. مردم وقتی توجیه شوند، همراهی می‌کنند. این ویژگی مردم نجیب و اصیل ایران است و در این حوزه باور دارم که مردم عزیزمان همراهی خواهند کرد.

رئیس‌جمهوری حتی در روزهای جنگ پیگیر جمع‌آوری گازهای مشعل بود

پاک‌نژاد درباره پیگیری‌های رئیس‌جمهوری در روزهای جنگ گفت: در همان روزهای جنگ که

ایشان برای حل مسائل به وزارتخانه‌ها سرکشی می‌کرد، مشکلاتی وجود داشت که در پایان یکی از همین سرکشی‌ها، زمانی که ایشان قصد ترک‌محل را داشت، به بنده گفت «طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به جمع‌آوری گازهای مشعل را فراموش نکن.» در آن شرایط جنگی و با وجود همه گرفتاری‌ها، این موضوع از نظر اخلاق مداری بسیار ویژه و کم‌نظیر بود.

وزیر نفت با اشاره به اینکه توصیه‌ها و نحوه انتقاد رئیس‌جمهوری جذاب است، افزود: به‌طور معمول انسان‌ها وقتی مورد انتقاد قرار می‌گیرند، چندان خوشحال نمی‌شوند. درباره عملکرد و ضعف‌های موجود در یک حوزه نیز ایشان موضوع مدنظر خود را به‌گونه‌ای مطرح و نقد می‌کنند که برای مخاطب جذاب است.

پاک‌نژاد با بیان اینکه من هیچ‌گاه انتقادهایی را که ایشان از وزیران مختلف در مسائل و نشست‌های گوناگون داشته‌اند، آزاد‌هنده ندیده‌ام، گفت: افزون بر اینکه طی هفت یا هشت ماه گذشته برای جبران بخشی از ظرفیت‌های از دست‌رفته قابلیت‌هایی داریم و تلاش همکاران برای اجرای هرچه سریع‌تر و شتابان پروژه‌ها ادامه دارد، تمرکزمان بر افزایش تولید خواهد بود.

تمرکز صنعت نفت بر اجرای پروژه‌های بزرگ

وزیر نفت گفت: به دنبال اجرای طرح‌های بزرگی هستیم که برنام‌ریزی آن‌ها انجام شده است. تعدادی سازوکار نیز وجود دارد که فرایند اجرایی پروژه‌ها به آن‌ها وابسته است و ما در حال پیگیری‌شان هستیم.

پاک‌نژاد افزود: برای تمرکز بر اجرای پروژه‌های بزرگ کشور به مصوبه‌هایی نیاز داریم، یکی از این پروژه‌ها میدان آزادگان است؛ توسعه یکپارچه میدان آزادگان، یعنی آزادگان شمالی و جنوبی که پیش از این به‌عنوان دو طرح جداگانه تفکیک می‌شدند، درحالی‌که یک مخزن هستند.

کشف حدود ۱۷ تریلیون فوت مکعب گاز درچا

وزیر نفت کشف ذخایر قابل توجه درجای گاز طبیعی را یکی دیگر از دستاوردهای قابل توجه دولت چهاردهم برشمرد و گفت: کشف حدود ۱۷ تریلیون فوت مکعب ذخیره گاز درچا در میدان‌های پازن و تخته در حوزه جنوب استان فارس از دستاوردهای وزارت نفت در دوران فعالیت دولت چهاردهم است.

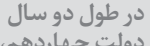
توقف واردات گازوئیل پس از سال‌ها

پاک‌نژاد یکی دیگر از دستاوردهای قابل ملاحظه را توقف واردات گازوئیل اعلام و تصریح کرد: توقف واردات گازوئیل دستاوردی قابل ملاحظه است؛ زیرا ما تا سال ۱۴۰۴ و اوایل این سال واردکننده گازوئیل بودیم.

وی افزود: افزون بر واردات بنزین، واردکننده گازوئیل هم بودیم، اما با اجرای اقدام‌هایی در

زمینه مسائل فنی پالایشگاه‌ها و بخشی هم مربوط به افزایش خوراک آنها، چندماهی است که واردات گازوئیل نداریم.

وزیر نفت ادامه داد: حتی در شرایطی قرار گرفتیم که نه‌تنها ذخیره‌سازی گازوئیل مورد نیاز نیروگاه‌ها را نسبت به زمان مشابه پارسال افزایش دادیم، بلکه مقداری هم مازاد داریم، به‌طوری که برای صادرات مقدار مازاد با یکی از وزیران کشورهای همسایه گفت‌وگو داشتیم. بی‌نیازی از واردات گازوئیل از دستاوردهای قابل توجه است؛ امیدواریم روزی برسد که درمورد بنزین هم با اتخاذ تدابیر مناسب به نقطه‌ای برسیم که واردات نداشته باشیم.



در طول دو سال دولت چهاردهم، بیش از دو برابر آنچه پیش از آن جمع‌آوری شده بود، پروژه اجرا شد. تولید نفت خام با

اجرای طرح‌های مختلف افزایش یافت و بخشی از طرح افزایش ۲۵۰ هزار بشکه‌ای هم به نتیجه رسید که حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار بشکه از این افزایش مربوط به همان طرح است

وی ادامه داد: ایشان گفتند: «بابا، ولش کن» و پس از اندکی گفت‌وگو، دید ممکن است این موضوع همچنان در ذهن من باقی مانده باشد؛ بنابراین خلاصه‌ای از کتابی به نام ولش کن را به من دادند. کتاب بسیار جذابی است و به‌نوعی به انسان آرامش می‌دهد. ایشان گفت: «ببین، من هرچه می‌گویم ولش کن، تو گوش نمی‌کنی؛ این را بخوان.»

وزیر نفت تصریح کرد: این «ولش کن» را ایشان مبتنی بر یک نظریه رفتاری مطرح می‌کند. عبارت ساده‌ای است، اما پشت آن یک سازوکار تعامل اجتماعی انسان‌ها وجود دارد.

پاک‌نژاد ادامه داد: این سازوکار به نحوه رفتار ما در جامعه مربوط می‌شود؛ اینکه چگونه بتوانیم در عرصه‌های مختلف، در خانواده، با دوستان، در محیط کار و در عرصه‌های مدیریتی، کاری و شغلی رفتار کنیم. حتی مباحث خانوادگی را نیز می‌توان به این موضوع مرتبط کرد. این الگو بسیار آرامش‌بخش و تأکید من این است که این عبارت تنها یک عبارت عامیانه ساده نیست، بلکه نوعی الگوی رفتار اجتماعی پشت آن وجود دارد.

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران:

برنامه جهش تولید در مناطق نفت خیز جنوب تدوین می شود



مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران از تدوین برنامه جامع جهش تولید در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب خبر داد. حمید بورد در نشست راهبردی بررسی طرح های توسعه ای شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، تدوین برنامه جامع جهش تولید در این شرکت را با تمرکز بر توسعه میدان ها و شتاب بخشی به اجرای طرح های افزایش تولید اعلام کرد. وی با تأکید بر مأموریت اصلی شرکت ملی نفت ایران گفت: وظیفه ذاتی ما تولید، افزایش تولید و نگهداشت تولید است و باید با جدیت این مسیر را دنبال کنیم. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران افزود: شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب با تدوین برنامه ای جامع، افزایش تولید در سه بازه کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت را دنبال می کند. بورد تصریح کرد: نتایج مطالعات نشان می دهد اجرای طرح های توسعه ای پیش بینی شده می تواند به افزایش قابل توجه تولید در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب منجر شود و با ایجاد فرصت های جدید شغلی، به توسعه اقتصادی خوزستان کمک کند. وی در این نشست بر شتاب بخشی به اجرای پروژه ها، رفع موانع موجود، رعایت الزام های ای ج اس ای و بهره گیری حداکثری از ظرفیت های داخلی تأکید کرد.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران:

افزایش سهمیه مازاد سوخت ناوگان سکوهای اینترنتی

محمدصادق عظیمی فر، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی از اختصاص سهمیه

معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت:

«یک روز بدون خودرو» برای کارکنان صنعت نفت

معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت از

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران:

شرکت های کارور به مرحله عملیاتی رسیدند



سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از ورود رسمی سازوکار شرکت های کارور به فاز عملیاتی خبر داد و تأکید کرد: نمونه عینی آن تخصیص ۵ میلیون مترمکعبی گواهی صرفه جویی برای پروژه بهینه سازی اجرا شده در استان یزد است.

توکلی در دومین نشست بررسی چالش های اجرایی شرکت های کارور دارای قرارداد نوع ۲ که با حضور جمعی از مدیران ارشد صنعت نفت و گاز کشور، شرکت های کارور و مدیران عامل شرکت های گاز استانی برگزار شد، با اشاره به اقدام های اجرایی در زمینه حمایت مالی و توسعه بازار بهینه سازی تصریح کرد: با این اقدام ها، امکان معامله رسمی این گواهی ها در بورس انرژی آغاز شده است و نشان می دهد این مسیر قابلیت توسعه به سایر بازیگران و بخش های اجرایی را دارد. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با تأکید بر نقش بی بدیل شرکت های کارور در مدیریت مصرف تصریح کرد: این بخش می تواند نقش مهمی در آینده مدیریت مصرف و صرفه جویی انرژی کشور داشته باشد و در صورت حذف آنها از صحنه صرفه جویی انرژی کشور، دیگر بخش قابل توجهی باقی نمی ماند که با اتکا به آن، این مسئله را به شکل جدی دنبال کنیم. وی تنها مرجع قانونی رسیدگی به مسائل و مطالبات کارورها را وزارت نفت اعلام و اظهار کرد: موضوع فقط تولید و فروش گاز نیست؛ اگر گاز را تولید و عرضه کنیم، اما در بخش مصرف، همچنان اتلاف انرژی و مصرف غیربهینه ادامه داشته باشد، مسئله اصلی کشور حل نخواهد شد.



مشعل صنعت نفت ایران از نخستین سال های شکل گیری تا امروز همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است؛ رویدادی که نگاه ایران به منابع نفتی و نقش آن در توسعه کشور را دگرگون کرد و فصلی تازه در تاریخ صنعت نفت ایران گشود. پس از ملی شدن صنعت نفت ایران داستان این صنعت به پایان نرسید و در مسیر پریپیچ و خم خود دوره های مختلف از توسعه، تغییر ساختار، تجربه های مدیریتی تحولات قرارداد های نفتی را پشت سر گذاشت و هر دوره مدیرانی را در خود پرواراند که بخشی از تجربه تاریخی صنعت نفت را شکل دادند؛ مردانی نقش آفرین که نفت را نه تنها در دل چاه و مخزن که آن را ابزاری برای توسعه، تعامل و ساختن آینده کشور می دانستند. سید مهدی حسینی، از مدیران اسبق شرکت ملی نفت ایران، از جمله این مردان است. او سال ها در پیچ و خم مذاکرات و انعقاد قرارداد های مختلف در شرکت ملی نفت ایران همواره کوشید تا هم اقتدار کشور حفظ شود و هم راه انتقال فناوری و توسعه در صنعت نفت باز بماند. گفت و گوی خبرنگار مشعل با این مدیر پیشکسوت صنعت نفت را در ادامه می خوانید.

سیدمهدی حسینی، از مدیران اسبق شرکت ملی نفت ایران:

دنیا به نفت ایران علاقه مند است

🔥 از شما به عنوان معمار قراردادهای نفتی ایران یاد می‌شود. آیا این، یک عنوان رسانه‌ای است یا شما هم آن را قبول دارید؟

این عنوان درست است. دلیلش به زمانی برمی‌گردد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خروج کنسرسیوم‌ها، از جمله کنسرسیوم‌های نفتی در میدان‌های دریایی و...، نگاه کشور به قراردادهای نفتی پیش از انقلاب بسیار بدبینانه بود. در آن مقطع، این قراردادها عمدتاً قراردادهایی برای چپاول، بردن منابع و آسیب زدن به کشور تلقی می‌شدند.

همه روزه ذهن من درگیر این بود که چه چیزی در این میان غایب است و چه کمبودهایی داریم. آن زمان، تجربه حضور در مشارکت‌های خارجی نفت را داشتم؛ هم‌زمان کشور نیز درگیر جنگ هشت ساله بود و پس از آن، دوره بازسازی آغاز شد. در شرایطی قرار داشتیم که تولید نفت کاهش یافته بود. در واقع، فاصله گرفتن از شرایط پیش از انقلاب، چالش‌های بسیاری را در حوزه تولید پیش روی ما قرار داده بود.

از سوی دیگر، برای عبور از این شرایط، نیاز داشتیم خودمان را با فناوری‌های روز دنیا سازگار کنیم. به فناوری‌های نوین نیاز داشتیم و این پرسش مطرح بود که برای دستیابی به آنها چه باید کرد؟ به این نتیجه رسیدیم که باید با دنیا کار کنیم.

اول از همه، از این دید نگاه کردم که دنیا نفت ایران را می‌پسندد؛ نفت ما فوق‌العاده است. حتی امروز هم معتقدم نفت ایران می‌تواند در حل مشکلات ناشی از جنگ مؤثر باشد. نفت ما یک جاذبه مهم در دنیا است و همچنان بر این باورم که دنیا به نفت ایران علاقه‌مند است.

برای درک این موضوع، کافی است به هزینه تولید نفت در کشورهای مختلف نگاهی داشته باشیم. به عنوان نمونه، تولید یک بشکه نفت در آمریکا بسیار هزینه‌بر است، در حالی که هزینه تولید نفت در ایران، ارزان‌تر تمام می‌شود.

طبیعی است که یک شرکت نفتی ترجیح دهد، همان‌دکل و تجهیزات نفتی را در ایران به کار بگیرد؛ چون هزینه تولید برایش کمتر تمام می‌شود. بنابراین این موضوع برای دنیا جذابیت دارد و دنیا به نفت ما علاقه‌مند است.

از سوی دیگر، کشور ما موقعیت جغرافیایی خاصی دارد. دنیا به زاگرس ما علاقه‌مند است؛ منطقه‌ای که از نظر زمین‌شناسی ظرفیت‌های بسیار زیادی دارد و می‌تواند زمینه حضور و فعالیت شرکت‌های خارجی را فراهم کند.

همچنین، با توجه به گستره جغرافیایی کشور، بخش قابل توجهی از این سرزمین را لایه‌های رسوبی تشکیل می‌دهد. از دید زمین‌شناسان، وجود لایه‌های رسوبی به معنای برخورداری از شانس کشف منابع نفت و گاز است. بنابراین، اگر بخواهیم پوشش کامل اکتشافی در سراسر کشور داشته باشیم، به میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم، ضمن اینکه دنیای می‌داند که هزینه اکتشاف نفت در ایران بسیار پایین است و همین موضوع، یکی از عواملی است که علاقه‌مندی به همکاری با ما را افزایش می‌دهد؛ چه در حوزه اکتشاف و چه در حوزه‌های تولید و چه فروش. همه اینها



حتی امروز هم معتقدم نفت ایران می‌تواند در حل مشکلات ناشی از جنگ مؤثر باشد. نفت ما یک جاذبه مهم در دنیا است و همچنان بر این باورم که دنیا به نفت ایران علاقه‌مند است

جاذبه‌هایی هستند که صنعت نفت ایران در اختیار دارد و باید بتوانیم به‌درستی از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم.

به این نتیجه رسیدم که بسیاری از این ظرفیت‌ها را در اختیار داریم؛ اما از نظر فناوری باید خودمان را به‌روز کنیم. در نتیجه، به همکاری با دنیا نیاز داشتیم. باید صنعت نفت را توسعه می‌دادیم تا ثروتمند شویم و بتوانیم منابع مالی حاصل از آن را در اقتصاد کشور به‌کار بگیریم.

اما یکی از موانع موجود، مانع سیاسی بود. در آن مقطع، نگاه غالب در کشور به قراردادهای نفتی پیش از انقلاب، نگاهی بدبینانه بوده، زیرا طرف مقابل، منابع کشور را چپاول می‌کرد و این نگاه تا حد زیادی درست بود، هرچند گاهی نیز بیش از اندازه بزرگ‌نمایی می‌شد. من در آن مقطع به این فکر افتادم که باید مدلی طراحی کنم که هم با قانون اساسی کشور سازگار باشد، هم مالکیت را به کشورهای دیگر واگذار نکند؛ زیرا مسئله مالکیت، یکی از عواملی بود که باعث تنش می‌شد، همچنین زمینه‌ای فراهم کند که بتوانیم فناوری را یاد بگیریم و آن را به کشور منتقل کنیم.

به همین دلیل، مدل جدیدی از قراردادها را طراحی کردم. شاید به همین دلیل است که لقب "معمار قراردادهای نفتی" را به من داده‌اند؛ زیرا معماری یک قرارداد، فقط به طراحی آن محدود نمی‌شود؛ بلکه فرد باید هم‌زمان هم فکر و هم طراحی کند.

در ابتدا، یک طرح اولیه تهیه کردم و نخستین نشست‌ها را با فرانسوی‌ها داشتیم. در ادامه، نخستین قرارداد ما شکل گرفت و اولین قرارداد از این نوع را با ژاپن منعقد کردیم.

از این روسف‌ری به ژاپن داشتیم و با شرکت نفت ژاپن وارد مذاکره شدیم. کار را به صورت جزئی و دقیق پیش بردیم و در نهایت توانستیم یک قرارداد را با آنها به امضا برسانیم. این قرارداد برای میدان‌های تنگه هرمز بود و بعدها این نوع قرارداد، به قراردادهای بیع متقابل معروف شد.

در واقع، قراردادهای بیع متقابل در ژاپن متولد شد. آن زمان، بازار نفت، بازار ارزانی بود و هر بشکه نفت، حدود ۱۸ دلار فروخته می‌شد. در چنین بازاری، آنها با این مدل قرارداد کار می‌کردند و یکی از دلایل پذیرفته شدن آن نیز همان جذابیتی بود که نفت ایران برای شرکت‌های خارجی داشت.

اما بازار از سال ۲۰۰۵ تغییر کرد و قیمت نفت افزایش یافت. در دوره دولت یازدهم، قیمت نفت به شدت بالافت و این شرایط نشان داد که به یک مدل جدید قرارداد نیاز داریم. به همین دلیل، در میانه دهه ۹۰ و در سال ۱۳۹۴، مدل جدیدی از قراردادهای نفتی به نام آی بی سی طراحی شد. این قرارداد، مدل جدید و دوم بود و به همین دلیل، اگر می‌گویند که معمار قراردادهای نفتی، یکی از دلایلش همین است؛ البته قراردادهای بیع متقابل به طور کامل حاصل فکر و طراحی خود من بود و آی بی سی نیز در ادامه همین مسیر شکل گرفت.

🔥 از میان قراردادهایی که منعقد شد، کدام قرارداد به طور شخصی بیشتر به دل شما نشست؟

قراردادی که برای آن واقعا قلمم را گذاشتم، قرارداد میدان نفتی آزادگان بود. ژاپنی‌ها در مذاکرات این میدان نفتی بسیار سخت‌گیر بودند؛ همه چیز را برای خودشان قائل بودند و نمی‌خواستند به طرف مقابل به‌احتی امتیاز بدهند. من این شیوه مذاکره آنها را «چانه‌ژاپنی» می‌نامم؛ اصطلاحی که خودم برای این نوع مذاکره انتخاب کرده بودم.

ژاپنی‌ها پیش از آن، با عربستان و کویت قراردادهایی داشتند که زمان آن به پایان رسیده و مذاکره برای تمدید آن هم نتیجه‌ای در بر نداشته بود. از این رو تصمیم گرفتند برای مذاکره با ما به ایران بیایند که من مسئول مذاکره با آنها شدم. نماینده ژاپنی‌ها وقتی پیش ما آمد، انتظار داشت برایش فرش قرمز پهن کنیم! گفت: ما از عربستان آمده‌ایم و می‌خواهیم درباره یک قرارداد نفتی با شما صحبت کنیم.

گفتم: مانمی‌خواهیم با شما صحبت کنیم. پرسید: برای چه؟ گفتم: چون شما قابل اعتماد نیستید. گفت: چرا قابل اعتماد نیستیم؟ گفتم: اول اینکه شما با ما یک قرارداد بیع متقابل بستید؛ اما وقتی آمریکایی‌ها گفتند این کار را نکنید، شما هم قرارداد را ادامه ندادید. حالا اگر قرارداد دیگری با شما ببندیم، ممکن است فردا آمریکا دوباره بگوید این کار را نکنید و شما هم کنار بکشید. بنابراین بهتر است بروید دنبال کارتان!

در قرارداد پتروشیمی بندر امام (ره)، وقتی جنگ تحمیلی هشت ساله شروع شد، شما رفتید و حتی بعد از جنگ هم برگشتید و ما را تنها گذاشتید.

پس چه کار کنیم که با ما صحبت کنید؟ یعنی به گونه‌ای با آنها برخورد کنیم که برسندند چه کاری باید انجام دهیم تا حاضر به گفت‌وگو و مذاکره با ما شوید. از این رو به آنها گفتم: به یاد دارم عربستان به شما گفته بود باید پنج میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنید. بنابراین باید پنج میلیارد دلار به ما بدهید تا با شما صحبت کنیم.

در واقع، اسمش را گذاشتم بودم زیرلفظی؛ یعنی گفتم باید پنج میلیارد دلار بدهید تا اصلاً ما با شما صحبت کنیم. طرف ژاپنی خندید و گفت: شوخی می‌کنید؟ منظورتان ۵۰۰ میلیون دلار است، نه؟

گفتم: نه، آن قدر به زبان انگلیسی مسلط هستم که اعداد را درست بیان کنم؛ پنج میلیارد دلار می‌دهید تا با شما فقط حرف بزنیم. جلسه به هم خورد و آنها هم گفتند که می‌خواهند بروند و درباره موضوع فکر کنند.

همان روز سرناهار، موضوع را با آقای زنگنه، وزیر وقت نفت، مطرح کردم. آقای زنگنه گفت: این ژاپنی‌ها انگلیسی‌شان آن قدر خوب نیست؛ مطمئنی فهمیدند توجه می‌گویی؟ من هم عرض کردم که بله مطمئن هستم.

آقای زنگنه آن زمان موضوع را با رئیس جمهور وقت، آقای محمد خاتمی، مطرح کرد و آقای خاتمی هم گفت که از ژاپنی‌ها بی‌گرم نمی‌شود.

سپس رفتیم پیش رئیس وقت بانک مرکزی، آقای نوربخش، که خدا رحمتشان کند. ایشان دیپلمات‌تر بود و گفت: حالا بگذارید آقای حسینی مذاکراتش را

انجام دهد و ما هم در این امور کمکشان می‌کنیم. خلاصه مذاکره تا آنجا پیش رفت که در نهایت از ژاپنی‌ها ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار پول گرفتیم تا فقط با آنها حرف بزنیم؛ آیا این قدرت جاذبه نفت ما نیست؟ ژاپنی‌ها برای چه باید چنین پولی بدهند؟ آنها این پول را دادند و وارد مذاکره شدیم و بعد هم قرارداد آزادگان با آنها بسته شد.

در قرارداد آزادگان قرار بود پروژه حدود ۲۶۰ هزار بشکه نفت از آن می‌ادین، طی ۴۰ ماه تولید و به ما تحویل داده شود. این فاز اول پروژه بود و قرار شد در فازهای بعدی توسعه بیشتری انجام شود.

البته، درست با غلط، هزینه‌های قرارداد در اختیار شرکت تجاری نیکو بود تا بتواند با این پول در بازار فعالیت کند و نیکو هم از این منابع استفاده می‌کرد. بعدها در گزارش سازمان بازرسی کل کشور خواندم که سررسید این پول، یعنی همان ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، که در قالب وام از یک بانک ژاپنی با سود زیر یک درصد دریافت شده بود، فرار رسیده و اقساط آن نیز سررسید شده بود.

اما اینکه می‌گویم قلمم را برای آزادگان گذاشتم، به این دلیل است که برای نهایی کردن قرارداد فقط چند برخورد دارند؛ حتی به اعتقاد من، قدرت آنها از خط ساده باقی‌مانده بود. یک روز با ژاپنی‌ها در شرکت ملی نفت ایران قرار گذاشتیم. تصور می‌کردم مذاکره بیشتر از یک ساعت طول نکشد، اما جلسه تا نزدیک ساعت ۱۰ شب ادامه پیدا کرد.

به قدری مرا عصبانی کردند که با اینکه معمولاً آدم آرامی هستم، برگه‌ها را پاره و ژاپنی‌ها را از جلسه بیرون کردم؛ اما همان لحظه که آنها سوار آسانسور شدند و داشتند می‌رفتند، از اینکه چنین کاری کرده بودم، ناراحت شدم. تماس گرفتم، عذرخواهی کردم و خواستم برگردند. آنها هم متوجه شدند که من واقعا ناراحت هستم و گفتند: یک روز دیگر می‌آییم...

به خاطر دارم آن شب دچار حمله قلبی شدم.

با این حال، قرارداد آزادگان امضا شد؛ قراردادی که قرار بود در مرحله نخست، روزانه حدود ۲۶۰ هزار بشکه نفت در طی ۴۰ ماه تولید و تحویل ما بدهد و بعد از آن نیز فازهای بعدی توسعه دنبال شود.

🔥 از نخستین حضورتان در قراردادهای نفتی بگویید؟

نخستین قراردادها مربوط به میدان‌های فلات قاره بود. کارمان را با میدان‌های سیری آغاز کردیم و این قراردادها از جمله قراردادهایی بودند که شخصا علاقه زیادی به آنها داشتم. در ادامه، یکی از مهم‌ترین تجربه‌های من، امضای نخستین قرارداد با یک شرکت آمریکایی پس از انقلاب بود؛ قراردادی از نوع بیع متقابل که برابم اهمیت ویژه داشت. از اینکه توانسته بودیم با یک شرکت آمریکایی وارد قرارداد شویم، بسیار خوشحال بودم. این قرارداد چند نکته مهم داشت؛ از جمله اینکه با شرکت کونوکو، یکی از شرکت‌های معتبر نفتی آمریکایی منعقد شد که بعدها به کونوکو فیلیپس تغییر نام داد. این قرارداد، افزون بر اینکه نخستین قرارداد با یک شرکت آمریکایی پس از انقلاب بود، از اولین دستاوردهای من نیز به‌شمار می‌آمد.

امضای این قرارداد جرات و شهامت خاصی می‌خواست و می‌توانست قرارداد خوبی باشد؛ اما در آن زمان تحریمی علیه ایران وجود داشت که در دولت خودشان جنگ تحمیلی هشت ساله و با عنوان مهار

دوگانه مطرح شده بود؛ سیاستی که هدف آن مهار هم‌زمان ایران و عراق بود. در آن مقطع، بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، اجازه نداد این قرارداد به تصویب برسد و عملاً مانع اجرای آن شد. همین رئیس‌جمهور بعدها تحریم دیگری علیه ایران ولیبی وضع کرد که به تحریم داماتو، سناتور شناخته شده آمریکایی معروف است. لیبی بعدها از شمول آن خارج شد و این تحریم در ادامه به ISA تغییر نام داد و همچنان پابرجاست. این قانون بعدها به ظرفی تبدیل شد که تحریم‌های دیگر نیز در آن قرار گرفتند.

🔥 شنیده‌ها حاکی از آن است که در مذاکرات اخیر اسلام‌آباد نیز از شما دعوت شده بود.

بله. برای حضور در این مذاکرات از من دعوت شد؛ اما به دلیل شرایط جسمی و اینکه استرس برایم مناسب نیست، پزشک این اجازه را نداد. با این حال، مطالب و نوشته‌هایی را برای مسئولان فرستادم و توصیه کردم که یک یا ۲ دیپلمات نفتی حتماً در تیم مذاکره‌کننده حضور داشته باشند. به این دلیل که در میان گروه‌های سیاسی و جریان‌های بانفوذ آمریکا، گروه‌های نفتی از قدرت و نفوذ بسیار بالایی برخوردارند؛ حتی به اعتقاد من، قدرت آنها از گروه‌های فعال در حوزه تولید سلاح نیز بیشتر است. این موضوع را مطالعه کرده‌ام و بر اساس همین مطالعات، معتقدم که قدرت گروه‌های نفتی در آمریکا بسیار بالاست.

یک نمونه واقعی آن به دوره دولت جورج بوش و همان تحریم ISA برمی‌گردد. در آن زمان، ائتلافی شکل گرفت که حدود ۴۷۰ شرکت نفتی و شرکت‌هایی را که به نوعی با صنعت نفت ارتباط داشتند، در برمی‌گرفت. ریاست این ائتلاف هم با جیمی کارتر بود. آنها در برابر دولت آمریکا درباره تحریم ایران و لیبی شروع به مقابله و رایزنی کرده بودند.

این ائتلاف تا جایی پیش رفت که وقتی در کنگره جهانی نفت در کلگری کانادا، نماینده ملی ایران بودم، پای صحبت‌های آقای دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور آمریکا نشستیم. او می‌گفت: ما چرا باید ایران را تحریم کنیم؟ باید تحریم‌ها برداشته شوند.

این را خودم شنیدم و نقل قول دیگران نیست. اما متأسفانه وقتی قرار شد تحریم‌ها برداشته شود، حادثه ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد و فضای جنگی شکل گرفت. بعد از آن نیز درگیری‌های منطقه پیش آمد و در مجموع، داستان تغییر کرد.

آنها هم از این موضوعات منصرف شدند و ادامه ندادند. در هر صورت، قدرت و نفوذ شرکت‌های نفتی در آمریکا بسیار بسیار بالاست و نباید این ظرفیت و تأثیرگذاری را در معادلات سیاسی و اقتصادی آمریکا نادیده گرفت.

به اعتقاد من، این گروه‌ها می‌توانند در تصمیمات دولت آمریکا درباره مسائل مرتبط با نفت و انرژی اثرگذار باشند و حتی بر سیاست‌های دولت خود فشار وارد کنند.

امروز هم با توجه به حضور دونالد ترامپ و سیاست‌هایی که در ارتباط با ونزوئلا دارد، مطلقاً نمی‌شود درباره نفت با "دولت آمریکا" صحبت کرد؛ اما همچنان معتقدم که با "شرکت‌های نفتی آمریکایی" می‌توان صحبت کرد؛ زیرا آنها می‌توانند به دولت خودشان فشار بیاورند.



قدرت و نفوذ شرکت‌های نفتی در آمریکا بسیار بسیار بالاست و نباید این ظرفیت و تأثیرگذاری را در معادلات سیاسی و اقتصادی آمریکا نادیده گرفت

🔥 یکی از دوستان و هم‌تایان شما در حوزه دیپلماسی نفت، مرحوم حسین کاظم‌پور اردبیلی بودند. ایشان را چگونه به یاد می‌آورید؟

خداوند مرحوم کاظم‌پور اردبیلی را رحمت کند. او را از زمانی که من در شرکت فولاد خوزستان بودم و ایشان معاون وزیر امور خارجه بود، می‌شناختم. در آن مقطع به دلیل فعالیت‌های دیپلماسی، با هم ارتباط داشتیم، ضمن اینکه او ارتباط خوبی هم با ژاپنی‌ها داشت.

اجازه بدهید خاطره‌ای از ایشان تعریف کنم. پیش از آنکه مرحوم کاظم‌پور به وزارت امور خارجه برود، مدیرعامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران بود. در آن مقطع، آمریکایی‌ها تأسیسات و تجهیزاتی را که برای فولاد خوزستان نیاز داشتیم، توقیف کرده بودند و مانده بودیم که در این شرایط چه کار کنیم؟

به آمریکایی‌ها پیشنهاد مذاکره دادم و کار را شروع کردم. به پایتخت اتریش رفتم و جلسات متعددی برگزار شد. نهایتاً توانستیم تمام اجناسی را که توقیف شده بود، آزاد کنیم. آمریکایی‌ها مطالباتی هم داشتند که مربوط به قبل از انقلاب و واردات بود؛ اما در نهایت صفر دلار به آنها پرداخت کردیم؛ در حالی که آنها مطالبه داشتند و با این حال، تجهیزات ما آزاد شد.

در این مسیر، با آقای کاظم‌پور اردبیلی هماهنگ بودیم و هماهنگی‌های لازم انجام شد و اجناس با کمک ایشان مستقیم به کشور می‌آمد. اگر آن تجهیزات وارد کشور نمی‌شد، شاید امروز فولاد خوزستان به این شکل وجود نداشت یا دست‌کم بخش‌هایی از فولاد خوزستان را در اختیار نداشتیم.

بعدها، وقتی آقای کاظم‌پور اردبیلی، معاون آقای آقازاده، وزیر نفت وقت شد، از من دعوت کرد که به عنوان مشاور وزیر با آنها همکاری کنم، اما من قبول نکردم. مدتی بعد دوباره تماس گرفت و خواست که برای مشارکت‌های خارج از کشور و قراردادهای بین‌المللی همراهی‌اش کنم. گفتم: این کار به درد من می‌خورد و با ایشان همکار شدیم و به عنوان معاون فعالیتیم را در کنار مرحوم کاظم‌پور شروع کردم.

در طول این همکاری، تبادل نظر بسیار خوبی بین ما شکل گرفت. هم من از ایشان مطالبی یاد گرفتم و هم ایشان از نظر فنی توانستند از من چیزهایی یاد بگیرند. این ارتباط و تبادل تجربه برای هر دو ما ارزشمند بود.

*** این گفت‌وگو با حضور سید مهدی حسینی از مدیران اسبق شرکت ملی نفت ایران در دفتر انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت و در جریان ویرایش کتاب "نیم قرن و ۳ سال" انجام شده است؛ کتابی که روایت بخش‌هایی از زندگی و فعالیت حرفه‌ای ایشان در صنعت نفت است و به زودی از سوی انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت منتشر خواهد شد.**

آتش نشانان صنعت نفت
از ثانیه‌های نفسگیر مهار آتش
در قلب تأسیسات می‌گویند

امانت داران جان و سرمایه ملی

علیرضا عبدی هفتم مهر یادآور دلاور مردان آتش نشانی است که سال ۱۳۵۹، در جریان هشت سال دفاع مقدس، دل به آتش پالایشگاه آبادان زدند؛ مردانی که در میانه عملیات اطفای حریق، شاهد بمباران دوباره این پالایشگاه بودند و حتی شماری از آنان در این حادثه به شهادت رسیدند. بیش از چهار دهه پس از آن روز دلخراش، در سال ۱۴۰۴، بار دیگر تأسیسات نفتی کشور در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان مورد هجوم دشمن قرار گرفت. در این حوادث نیز آتش نشانان بارشادتی همچون سال‌های دفاع مقدس، با حضور به موقع و مهار حریق و کنترل خسارت‌ها، اجازه ندادند به تأسیساتی که بازندگی روزمره و رفاه مردم گره خورده است، آسیب گسترده‌ای وارد شود.

آتش نشانان در سخت‌ترین لحظه‌ها جایی که شعله و دود راه نفس را می‌بندد، شجاعانه و بی‌هراس قدم به میدان می‌گذارند و خطر را در آغوش می‌گیرند تا جان انسان‌ها، تأسیسات و سرمایه‌های ملی در امان بماند. کسانی که مسئولیت رانه در واژه که در ثانیه‌های دشوار و نفسگیر زندگی معنا می‌کنند و در این مسیر، جان و مال مردم برایشان نه تنها یک مسئولیت کاری بلکه امانتی است که برای حفاظت از آن باید شجاعانه و متعهد، آماده رویارویی با هرگونه خطر باشند.

خبرنگار "مشعل" به مناسبت هفتم مهرماه، روز ملی آتش نشانی و ایمنی، از جمله آتش نشانان بخش‌های مختلف صنعت نفت در پایانه نفتی خارک، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی، شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان و میدان گازی شانول و وراوی گفت‌وگو کرده است و آنان از ماهیت، حساسیت و ضرورت‌های این حرفه سخن گفته‌اند که می‌خوانید.

وقتی خط شکنان نفت نبض آتش را در دست می گیرند

ایمنی در خط مقدم



حمیدرضا زنبلی | آتش نشانی در صنعت نفت به آمادگی، آموزش تخصصی، تجهیزات به روز و حضور سریع در لحظه های حساس نیاز دارد. آتش نشانان نفت سال هاست در کنار تأسیسات و در شرایط دشوار، از دوران جنگ تحمیلی تا بحران ها و جنگ های اخیر، برای مهار حوادث و حفظ ایمنی پای کار ایستاده اند. پشت این حضور، نیروی انسانی آموزش دیده ای قرار دارد که باید در شرایط عادی آماده بحران باشد و در دل حادثه خونسردی خود را حفظ کند. اکنون با تجربه جنگ های ۱۲ روزه و رمضان، ارتقای تجهیزات، آموزش و آمادگی نیروها و تأمین نیروی متخصص اهمیت بیشتری یافته است. اسماعیل عبدی، رئیس اچ اس ای معاونت امور پشتیبانی شرکت ملی نفت ایران با ۲۱ سال سابقه در این شرکت، از آمادگی آتش نشانی صنعت نفت برای روزهای سخت می گوید.

آتش نشانی در جایی مثل صنعت نفت چه تفاوتی با آتش نشانی شهری دارد و آتش نشانان این حوزه با چه مخاطراتی روبه روهستند؟

آتش نشانی در صنعت نفت به دلیل ماهیت ویژه این حوزه، با شرایط و مخاطرات متفاوتی روبه روست و از آنجا که حوادث در این صنعت می تواند شدت و ضریب خطر بالاتری در قیاس با دیگر صنایع داشته باشد، آتش نشانان این حوزه در معرض ریسک های بیشتری قرار دارند؛ زیرا افزون بر مواجهه با حوادث تخصصی و خاص این صنعت، در شرایط مختلف از جمله دوران جنگ تحمیلی و جنگ های اخیر (جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان) نیز حضور فعال و شجاعانه ای داشتند و اجازه ندادند حوادث، فعالیت های این صنعت را متوقف کند. یکی از تفاوت های مهم این حوزه، سطح تخصص و آموزش آتش نشانان است و از آنجا که باید از دانش و مهارت های لازم برای رویارویی با حوادث و خطرهای خاص این صنعت برخوردار باشند، آموزش های تخصصی تر و حرفه ای تری را نیز باید فرا بگیرند.

تجهیزات آتش نشانی صنعت نفت تا چه اندازه با تهدیدهای جدید متناسب است و چه اقدام هایی برای به روزرسانی آن انجام شده است؟

بعد از جنگ های تحمیلی اخیر (جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان)، دستورعمل های جدیدی به واحدهای اچ اس ای شرکت ملی نفت ایران مبنی بر آمادگی مواجهه با شرایط مشابه و در اختیار داشتن تجهیزات به روز ابلاغ شد که پیرو این دستورعمل، برای ارتقای سیستم های ایمنی و آتش نشانی و روزآمد کردن تجهیزات این حوزه، همکاری خوبی در معاونت امور پشتیبانی شرکت ملی نفت ایران و دیگر واحدها شکل گرفته است. شرایط جدید نشان داده که آمادگی فقط به حضور نیروی انسانی محدود نمی شود و تجهیزات نیز باید متناسب با نوع تهدیدها و شرایط احتمالی، همواره به روز و آماده استفاده باشند.

با توجه به تجربه جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، برای ارتقای آموزش و آمادگی عملیاتی نیروها چه برنامه هایی در نظر گرفته شده است؟

در صنعت نفت، مانورهای دوره ای و تخصصی برای شرایط گوناگون پیش بینی شده که این مانورها در حال انجام است. واحد آموزش فعالیت بسیار خوبی دارد و دوره های تخصصی مختلف نیز در حال برگزاری است. هدف از برگزاری دوره ها این است که هم سطح علمی و دانش فنی آتش نشانان و هم میزان آمادگی عملیاتی آنها ارتقا یابد. در کنار آموزش های تخصصی، تمرین ها و مانورهای عملیاتی نیز به صورت مدون و دوره ای در واحدها و ساختمان های مختلف انجام می شود تا نیروها در شرایط واقعی، آمادگی لازم برای واکنش سریع و مدیریت بحران را داشته باشند.

در صورت تکرار احتمالی بحرانی در ابعاد جنگ رمضان، ارزیابی شما از آمادگی در این بخش چیست و چه حلقه هایی نیاز به تقویت بیشتر دارند؟

در ۲ جنگ تحمیلی گذشته، آتش نشانان صنعت نفت و همکارانی که در واحد اچ اس ای معاونت امور پشتیبانی شرکت ملی نفت ایران فعال بودند، آمادگی خود را به طور کامل نشان دادند. در شرایط اضطراری توانستند بحران را به خوبی مدیریت کنند. در تمام ایام جنگ نیز به صورت شبانه روزی در محل کار حضور داشتند که این حضور و آمادگی شایسته قدردانی است.

آمادگی آتش نشانان صنعت نفت برای مدیریت حوادث چندلایه چگونه تقویت می شود؟

آتش نشانان شاغل در صنعت نفت به صورت مدون و دوره ای آموزش های مربوط به این حوزه را فرامی گیرند و با برگزاری مانورهای مختلف، این آموزش ها تمرین می شود، ضمن اینکه برای شرایط مختلف، دوره های آموزشی متناسب پیش بینی شده که برای مواجهه با موقعیت های غیرمترقیه نیز به نیروها آموزش های لازم ارائه می شود. سطح آموزش ها به ویژه در چند سال اخیر، متناسب با موقعیت هایی که در آن قرار می گیریم، ارتقا یافته و این روند ادامه دار خواهد بود. در کل هدف این است که نیروها فقط برای رویارویی با یک نوع حادثه آماده نباشند و این توان عملیاتی و آمادگی جسمانی در شرایط مختلف یاد صورت وقوع حوادث همزمان و غیرمنتظره نیز وجود داشته باشد که آموزش های مستمر و تمرین های دوره ای، بخش مهمی از این آمادگی است.

در صنعت نفت، مانورهای دوره ای و تخصصی برای شرایط گوناگون پیش بینی شده که این مانورها در حال انجام است. واحد آموزش فعالیت بسیار خوبی دارد و دوره های تخصصی مختلف نیز در حال برگزاری است

مهم ترین مواردی که آتش نشانی صنعت نفت با آن رو به روست، چیست؟

تأمین نیروی انسانی، آموزش، حفظ و نگهداشت نیروهای باتجربه در کنار یکدیگر، موارد مهمی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. در این میان، نیروی انسانی اهمیت بیشتری دارد که لازم است به جریان کمبود آن توجه ویژه تری شود؛ زیرا بخشی از نیروها در حال بازنشستگی هستند یا به سن بازنشستگی نزدیک شده اند. بنابراین، همزمان با خروج تدریجی نیروهای باسابقه، ضمن بهره گیری از تجارب آنها، باید نیروهای جوان تر، آماده تر و آموزش دیده جایگزین شوند تا با خلأ نیروی متخصص و باتجربه مواجه نشویم.

در کنار این آمادگی، همچنان ۲ موضوع اهمیت ویژه ای دارد؛ یکی تأمین و تقویت نیروی انسانی و دیگری آماده و به روز نگه داشتن تجهیزات. برای اینکه بتوانیم در شرایط مشابه با آمادگی بیشتری وارد عمل شویم، باید این دو بخش همواره مورد توجه قرار داشته باشند.

اگر قرار باشد یک مطالبه برای تقویت آتش نشانی صنعت نفت مطرح شود، مهم ترین مطالبه چیست؟

ساختار صنعت نفت به شکلی طراحی شده که مدیران و همکاران، موضوع اچ اس ای را جزئی از مسئولیت خود می دانند که معاون امور پشتیبانی نیز در همین چارچوب، نگاه ویژه ای به اچ اس ای دارند. از این رو چالش خاصی احساس نمی کنیم. اگر مسائلی هم وجود داشته باشد، مشابه موضوعات بخش های دیگر بوده که با پشتیبانی و همکاری مدیران قابل حل است. نکته مهم در این میان، میزان حمایت و همکاری در مسیر ارتقای ایمنی و آمادگی مجموعه است.

در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، چه چیزی بیش از همه برای شما و همکارانتان ملموس بود؟

در آن ایام بسیاری از کارکنان در محل کار حضور نداشتند. اما همکاران معاونت امور پشتیبانی، از اچ اس ای و آتش نشانی گرفته تا بخش های فنی و خدماتی، همه پای کار بودند و روابط برادرانه و صمیمانه تری میان همکاران شکل گرفته بود، حتی معاون امور پشتیبانی نیز همواره کنار ما بودند که همین حضور مستمر در شرایط سخت، برای مانوعی قوت قلب بود.

شرایط کاری آتش نشانان نفت در آن روزها چگونه بود و فشار روانی جنگ چه تاثیری بر نیروها داشت؟

با توجه به شرایط جنگی، طبیعی بود که فشار و استرس زیادی وجود داشته باشد. بسیاری از همکاران در آن دوران در منزل و کنار خانواده هایشان بودند؛ اما همکاران ما در معاونت امور پشتیبانی در محل کار حضور داشتند و خانواده آنها استرس و نگرانی زیادی را تحمل می کردند، از این رو طبیعی بود که فشار روانی زیادی به همکاران حاضر در محل کار منتقل شود. در این شرایط مدیریت استرس اهمیت بسیار زیادی پیدا می کند که خوشبختانه دوستان ما در این زمینه هم عملکرد خوبی داشتند و توانستند شرایط را مدیریت کنند.

آن روزها اتفاق خاصی افتاد که در ذهنتان ماندگار شده باشد؟

خیلی وقت ها پیش می آمد که ساختمان های اطراف محل کار ما مورد اصابت قرار می گرفت. طبیعی بود که با وقوع چنین اتفاقی، شوک و استرس در محیط ایجاد شود؛ اما آنچه در ذهنم ماندگار شده، واکنش بیجه ها بود؛ زیرا آنها تلاش می کردند با شوخی و خنده، این فشار و استرس را کنترل کنند.

همین رفتارها در آن شرایط سخت کمک می کرد فضای سنگین حاکم بر محیط مدیریت شود. حضور در چنین شرایطی آسان نبود؛ اما همکاران تلاش می کردند با حفظ روحیه، کارشان را ادامه داده و اجازه ندهند فشار روانی بر عملکردشان غلبه کند.

چه پیامی برای همکاران به ویژه آنان که در سخت ترین شرایط برای صیانت از تأسیسات پای کار ایستاده اند، دارید؟

به همه آتش نشانان صنعت نفت خسته نباشید و خدا قوت می گویم و برای آنها و خانواده هایشان آرزوی سلامت دارم. امیدوارم خداوند همیشه تنشان را سالم نگه دارد و گزند روزگار به آنها نرسد. این نیروها در شرایط مختلف کنار صنعت ایستاده اند، بنابراین شایسته قدردانی و خداقوت هستند.



آتش‌نشانانی که در روزهای
پرخطر برای ایران و
صنعت نفت ایستادند

حماسه‌سازان جزیره



مشعل | خارگ، جزیره‌ای کوچک در پهنه خلیج فارس و گنجه‌های راهبردی در قلب صنعت نفت ایران است؛ جایی که سال‌هاست بخش مهمی از نبض صادرات نفت کشور در آن می‌تپد و هر روز، چراغ تأسیسات و مخازن آن، بخش عظیمی از چرخه اقتصاد و انرژی ایران را روشن نگاه می‌دارد، اما پشت این مخازن، اسکله‌ها و تأسیسات، مردانی ایستاده‌اند که روایتشان در روزهای آرام و شیفت‌های معمولی خلاصه نمی‌شود؛ مردانی که گرمای سوزان خارگ و شب‌های پراضطراب جنگ رمضان را تجربه کرده و در هر شرایطی، مسئولیت خود را رها نکرده‌اند.

نیروهای ایمنی و آتش‌نشانی پایانه نفتی خارگ، سال‌هاست در نقطه‌ای ایستاده‌اند که کوچک‌ترین حادثه می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک تأسیسات داشته باشد. آنان در روزهای جنگ رمضان نیز، هم‌زمان با حملات دشمن، در کنار هم ایستادند تا با مدیریت حادثه، ایمن‌سازی تأسیسات و صیانت از سرمایه‌های ملی، اجازه ندهند خللی در روند فعالیت‌های نفتی و صادرات کشور ایجاد شود. اینجا در دل خلیج فارس مردانی از جنس همدلی، مسئولیت‌پذیری و ایستادگی کار می‌کنند که صنعت نفت برایشان نه محل کار که بخشی از زندگی و ایران است.



پای کار ایران

محمد جواد دریالعل، رئیس اچ‌اس‌ای پایانه نفتی خارگ، با ۳۲ سال سابقه خدمت در صنعت نفت، یکی از نیروهای با سابقه صنعت نفت است که در یکی از نقاط کلیدی و راهبردی این صنعت مشغول خدمت است.

وی با اشاره به روز نخست جنگ رمضان و تجاوز دشمن آمریکایی-صهیونی، تصریح می‌کند: حدود ساعت ۱۱ ظهر نخستین اصابت‌های دشمن به جزیره خارگ انجام شد. پس از این حملات، با توجه به نیاز موجود در نقاط مورد اصابت، از نیروهای آتش‌نشان پایانه نفتی خارگ خواسته شد برای ایمن‌سازی و اطفای حریق در محل حضور پیدا کنند، اما دشمن دوباره به آن نقاط حمله کرد.

وی ادامه می‌دهد: پس از آن نیز هر زمان شرایط اضطراری پیش می‌آمد و حمله‌ای صورت می‌گرفت، نیروها با اطلاع و هماهنگی برای مدیریت شرایط، ایمن‌سازی نقاط آسیب‌دیده و کمک‌رسانی وارد عمل می‌شدند.

رئیس اچ‌اس‌ای پایانه نفتی خارگ با اشاره به همدلی و ایستادگی همکارانش در روزهای جنگ رمضان تأکید می‌کند: در تمام روزهای جنگ، همه در کنار یکدیگر ایستادیم تا از عزت و تمامیت ارضی کشور در برابر دشمن دفاع کنیم. وقتی می‌دیدم همکارانم با چه شجاعتی ایستاده‌اند و پای کار کشور هستند، احساس غرور می‌کردم.

دریالعل در ادامه صحبت‌های خود به تخلیه بخشی از خانواده‌های ساکن جزیره در روزهای ابتدایی جنگ رمضان اشاره می‌کند و می‌گوید: براساس دستور عمل‌ها، حدود دو سوم خانواده‌ها در هفته نخست جنگ از جزیره خارگ خارج شدند.

وی در ادامه به حادثه حمله دشمن به کشتی مسافربری پر میسا اشاره و تصریح می‌کند: این کشتی که در مسیر خارگ و گناوه تردد و وظیفه جابه‌جایی ساکنان جزیره را به عهده داشت، در روز سال تحویل هدف حمله دشمن قرار گرفت. پر میسا در یکی از روزهای جنگ حدود ۲۵۰۰ نفر از ساکنان جزیره را جابه‌جا کرده بود و پس از این حمله، نیروها با هماهنگی مسئولان منطقه بلافاصله برای ایمن‌سازی و مدیریت شرایط وارد عمل شدند.

رئیس اچ‌اس‌ای پایانه نفتی خارگ ادامه می‌دهد: خوشبختانه با اقدام سریع نیروهای عملیاتی، شرایط تحت کنترل قرار گرفت و عملیات ایمن‌سازی کشتی مسافربری پر میسا انجام شد و هیچ‌یک از خدمه آن آسیبی ندیدند.

دریالعل تأکید می‌کند: ما پیش از هر چیز ایرانی هستیم و در کنار آن، خود را مسئول ایمنی و امنیت همکاران و حفاظت از سرمایه‌های این کشور می‌دانیم. وقتی شرایط سخت می‌شود، دیگر هیچ‌کس تنها برای انجام وظیفه خود نمی‌ایستد؛ همه با همدلی و همراهی بیشتر از روزهای عادی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با تمام توان پای کار می‌آیند.



با تمام توان ایستاده‌ایم

سجاد عباسعلی، جانشین رئیس اچ‌اس‌ای پایانه نفتی خارگ، با ۱۷ سال سابقه خدمت، می‌گوید: آتش‌نشانی حرفه‌ای است که در آن باید در همه حال آماده رویارویی با حادثه بود؛ هر شرایطی که که پیش آید، این آمادگی مطابق با آن شرایط باید حفظ شود، صلح یا جنگ فرقی نمی‌کند.

عباسعلی با صلابت درباره دلیل ماندن در کنار صنعت نفت و ایران در روزهای سخت می‌گوید: من در جنگ ۴۰ روزه رمضان، همراه خانواده‌ام در جزیره خارگ ماندم و در کنار ایران و صنعت نفت پای کار ایستادم. دلیل این ایستادگی برای من و خانواده‌ام، تعصب به خاک کشور است؛ در همین آب و خاک رشد کرده‌ام و آن را ناموس خود می‌دانم؛ بنابراین، حفظ تمامیت ارضی آن برای همه ما یک حکم دارد و آن دفاع از این سرزمین است.

وی ادامه می‌دهد: امروز که کشور در شرایط خاص قرار دارد، با تمام توان ایستاده‌ام، حتی اگر این روزهای سخت ادامه دار باشد، همچنان پای کار ایران و صنعت نفت ایران خواهیم ماند.



خارگ جایی برای عقب‌نشینی نیست

حسین صیفی، رئیس عملیات آتش‌نشانی پایانه نفتی خارگ، با حدود ۱۸ سال سابقه فعالیت در صنعت نفت، آتش‌نشانی در خارگ را فراتر از یک شغل می‌داند؛ مسئولیتی گسترده که امداد و نجات، مقابله با حریق، حوادث دریایی و حتی پشتیبانی از دیگر مجموعه‌های مستقر در جزیره را در بر می‌گیرد.

صیفی با اشاره به تفاوت شرایط کاری در خارگ با دیگر بخش‌های صنعت نفت می‌گوید: در خارگ همه مسئولیت‌ها در هم تنیده است و رئیس عملیات آتش‌نشانی باید برای هر حادثه‌ای آماده باشد؛ از حریق مخازن و تأسیسات تا حادثه در کشتی‌ها و کمک به مجموعه‌های مختلف مستقر در جزیره.

وی با توصیف شرایط کاری بیان می‌کند: ۱۴ شبانه‌روز در دسترس بودن و نداشتن فرصت کافی برای فاصله گرفتن از کار، فشاری است که به تدریج فرسودگی شغلی ایجاد می‌کند. به گفته رئیس عملیات آتش‌نشانی پایانه نفتی خارگ، مسئولیت در خارگ تنها به محیط صنعت نفت محدود نمی‌شود و نیروهای آتش‌نشانی باید در حوادث شهری، فرودگاه، پتروشیمی، تأسیسات دریایی و در کنار دیگر نهاد‌های مستقر در جزیره، آماده خدمت باشند.

وی با اشاره به جنگ رمضان تصریح می‌کند: در همان روزهای نخست با بررسی زمان بندی حملات و تجربه به دست آمده از حوادث، الگویی برای تشخیص احتمال حملات بعدی ایجاد شد تا نیروهای امدادی پیش از اطمینان از پایان تهدید، وارد محدوده حادثه نشوند، زیرا محل حمله گاه دوباره هدف قرار می‌گرفت.

رئیس عملیات آتش‌نشانی پایانه نفتی خارگ تأکید می‌کند: در آن روزها، بیش از هر چیز، همدلی و همراهی نیروها به تیم‌های عملیاتی قوت قلب می‌داد؛ به گونه‌ای که همه، فارغ از سمت و جایگاه، در کنار یکدیگر قرار داشتند.

صیفی می‌گوید: تلاش می‌کردیم برای نیروهای جوان و بیمانکار، با آموزش، برگزاری مانور و ایجاد فضایی امن و آرام، نگرانی‌های آنها را کاهش دهیم. همچنین در صورت نیاز، خانواده‌های آنان را به محل‌های امن منتقل می‌کردیم تا نیروها با آرامش بیشتری به وظایف خود ادامه دهند.

صیفی با بیان این که ماندن در سخت‌ترین روزها، عشق به خاک وطن است، ادامه می‌دهد: این حس وطن دوستی، اجازه نمی‌دهد به موضوع دیگری فکر کنیم؛ در روزهای جنگ رمضان نیز همین احساس و همدلی میان همه‌آحاد مردم بود که برآیمان قوت قلب شد تا بیش از هر زمان دیگری انجام وظیفه کنیم.

اومی‌گوید: وقتی همه نگرانند و شرایط عادی نیست، حضور نیروهای عملیاتی بیش از هر چیز به دیگران قوت قلب می‌دهد و این مسئولیت، با وجود همه دشواری‌ها، باید تا پایان ادامه پیدا کند.



وارثان دفاع مقدس

محسن سلمان پور، جانشین رئیس عملیات آتش نشانی پایانه نفتی خارگ، با ۲۰ سال سابقه فعالیت در صنعت نفت، از شغل خود با افتخار یاد می‌کند و آتش‌نشانی را بیش از یک حرفه، یک وظیفه می‌داند.

وی تصریح می‌کند: آتش‌نشانی برای من حتی فراتر از یک وظیفه است و هر لحظه که لازم باشد، برای تأمین امنیت و انجام مسئولیتی که به عهده دارم، جانم را بی‌منت فدا می‌کنم. سلمان پور با اشاره به دوران دفاع مقدس هشت ساله و ایستادگی نسل پدران این سرزمین در همین آب و خاک در برابر دشمن یعنی می‌گوید: پدران ما در روزهای جنگ هشت ساله ایستادند و اجازه ندادند روند صادرات و بارگیری نفت در جزیره متوقف شود. مانیز از نسل همان پدران هستیم و در جنگ رمضان، با اینکه نیروهای اقماری هستیم، با تمام توان و ۱۰۰ درصد حضور داشتیم و در کنار برادرانمان ماندیم تا احساس نکنند تنها هستند و بتوانیم در مسیر صیانت از سرمایه‌های ملی، تمام توان خود را به کار بگیریم.

وی در ادامه به تجربه حضور خود در جنگ رمضان اشاره می‌کند و می‌گوید: یکی از بزرگ‌ترین موارد قابل توجه و ضروری مجموعه اچ‌اس‌ای و آتش‌نشانی در خارگ، نبود پناهگاه مناسب برای نیروهای ما بوده است. سلمان پور ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۴ را یکی از سخت‌ترین شب‌های جنگ رمضان می‌داند؛ شبی که به عنوان افسر ارشد شیفت، با شنیدن صدای بمباران دشمن آمریکایی صهیونی بیدار شد و بلافاصله برای حضور در محل کار و بررسی وضعیت، خود را به اداره آتش‌نشانی رساند.

جانشین رئیس عملیات آتش‌نشانی پایانه نفتی خارگ با اشاره به جایگاه جزیره خارگ در زنجیره تأمین و صادرات نفت کشور تصریح می‌کند: خارگ همیشه در جنگ یکی از مهم‌ترین نقاط کشور بوده است؛ چه در دوران دفاع مقدس و چه در جنگ رمضان. وی تصریح می‌کند: کارکنان ایمنی و آتش‌نشانی این جزیره در همه این سال‌ها اجازه ندادند صادرات نفت متوقف شود و برای صیانت از سرمایه‌های ملی، جان فشانی کردند. به باور من، این نیروها که در سخت‌ترین روزهای کار ماندند و چرخه صادرات را حفظ کردند، شایسته توجه بیشتری از سوی مسئولان هستند.



یکی برای همه همه برای یکی

ایمان علاسوندی، افسر آتش‌نشان پایانه نفتی خارگ، با ۲۵ سال سابقه فعالیت در صنعت نفت، با اشاره به مسئولیت خود در روزهای جنگ رمضان می‌گوید: با توجه به شرایط قرمز حاکم بر جزیره و مسئولیتی که به عنوان افسر شیفت به عهده داشتیم، باید به نیروها سرکشی و از وضعیت آنها اطمینان پیدا می‌کردیم.

وی ادامه می‌دهد: با توجه به اصل پرکندگی، نیروها در نقاط مختلف مستقر بودند و ضمن ارائه خدمات، به آنها سرکشی می‌کردیم و از وضعیتشان اطمینان می‌یافتیم. این سرکشی‌ها در شرایطی انجام می‌شد که جنگنده‌های دشمن در آسمان منطقه در حال پرواز بودند و ما آنها را با چشم می‌دیدیم؛ به همین دلیل، برای حفظ ایمنی نیروها و کاهش خطر، ناچار بودیم با رعایت ضوابط و ملاحظات خاص تردد کنیم و خودمان را به همکاران برسانیم.

علاسوندی با اشاره به ماهیت متفاوت حرفه آتش‌نشانی می‌گوید: در آتش‌نشانی، زمانی که همه از حادثه فاصله می‌گیرند، آتش‌نشان به سمت آن حرکت می‌کند.

به باور وی، همین ویژگی همدلی و رفاقت میان آتش‌نشانان را به بخش جدایی‌ناپذیر این حرفه تبدیل کرده است، زیرا در لحظه حادثه، هر آتش‌نشان می‌داند تصمیم و اقدام او می‌تواند در نجات جان همکارش نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

علاسوندی برای توضیح این همدلی به خاطره یکی از عملیات‌های آتش‌نشانی در جزیره خارگ اشاره می‌کند و می‌گوید: چند سال پیش، زمانی که مخازن جزیره دچار آتش‌سوزی شده بود، خودم در میان آتش بودم و نازل آب را در دست داشتم تا دوستانم بتوانند از مسیر خارج شوند. همکارانم که از میان شعله‌ها عبور کردند، میان آتش ماندند، اما اتفاق مهم این بود که هیچ‌کدام من را تنها نگذاشتند.

افسر آتش‌نشان پایانه نفتی خارگ ادامه می‌دهد: وقتی همکارانم متوجه شدند میان آتش مانده‌ام، همه برگشتند تا راهی برای خروج من باز کنند. همان‌جا بود که معنای واقعی رفاقت را فهمیدم؛ اینکه آتش‌نشان فقط برای نجات دیگران وارد آتش نمی‌شود، بلکه وقتی یکی از نیروهای خودش در خطر باشد، همه برمی‌گردند تا او را تنها نگذارند. در نهایت، با کمک یکدیگر توانستیم از میان آتش خارج شویم؛ خاطره‌ای که برای من معنای واقعی همدلی و برادری در آتش‌نشانی است.



صیانت از سرمایه‌های مردم

میلاد حسین سلامتی، آتش‌نشان پایانه نفتی خارگ، با ۱۳ سال سابقه فعالیت در صنعت نفت، از علاقه خاص خود به آتش‌نشانی می‌گوید: این شغل افزون بر هیجان و جذابیت، فرصتی برای پناه و پشتوانه بودن برای مردم و حفاظت از تأسیسات و سرمایه‌هایی است که متعلق به همه مردم ایران است.

سلامتی ادامه می‌دهد: برای من ارزشمند است که بتوانم در این جایگاه، نقطه امید و پشتوانه‌ای برای مردم و تأسیسات کشور باشم و احساس کنم کاری که انجام می‌دهم، در مسیر حفاظت از سرمایه‌های ملی قرار دارد. همین احساس و جایگاهی که این شغل میان مردم ایجاد می‌کند، برای من ارزشمند است و علاقه‌ام به این حرفه را بیشتر می‌کند.

وی با اشاره به روزهای جنگ رمضان و تهدیدهای دشمن آمریکایی صهیونی می‌گوید: آن روزها، همه همکاران با روحیه‌ای مثال‌زدنی و شجاعت پای کار ایران بودند. این روحیه همدلی و توجه به یکدیگر، یکی از ارزشمندترین چیزهایی بود که در روزهای سخت جنگ میان همکاران دیدم و نشان داد که در شرایط دشوار، همه خودشان را در قبال یکدیگر مسئول می‌دانند.

وی با اشاره به جایگاه جزیره خارگ در صادرات نفت کشور می‌افزاید: بخش عمده نفت کشور از خارگ صادر می‌شود و همه همکاران من با جدیت خاص پای کار هستند. اگر اتفاقی برای اموال و سرمایه‌های مردم بیفتد، ما باید نقطه مقابل حادثه و در جایگاه امن قرار بگیریم تا بتوانیم با آن مقابله کنیم و اجازه ندهیم خسارت گسترده‌تر شود.

آتش‌نشان پایانه نفتی خارگ رضایت درونی را مهم‌ترین دلیل علاقه خود به این حرفه می‌داند و می‌گوید: دلیل اینکه این قدر به این کار علاقه دارم، این است که انجام آن در درونم احساس رضایت ایجاد می‌کند. حتی زمانی که می‌توانم قدمی مثبت برای کشورم بردارم، احساس خوشحالی بیشتری دارم و همین موضوع انگیزه من را برای ادامه این مسیر بیشتر می‌کند.

سلامتی در توصیف همکاران نفتی خود در جزیره خارگ، نخستین واژه‌ای را که به ذهنش می‌رسد، دلسوزی است و تصریح می‌کند: اگر بخواهم همکاران نفتی در خارگ را صادقانه توصیف کنم، اولین کلمه‌ای که به ذهنم می‌رسد، همدل بودن است. این همدلی و از خودگذشتگی مثال‌زدنی و همین روحیه است که باعث می‌شود در شرایط سخت، همه با جدیت کنار یکدیگر بایستند.



همدلی و رفاقت

جواد رستگار، راننده آتش‌نشانی پایانه نفتی خارگ ۱۱ سال سابقه فعالیت در صنعت نفت، از علاقه خود به آتش‌نشانی می‌گوید: شغلی که به باور او، بیش از آنکه یک حرفه باشد، فرصتی برای کمک به دیگران و نجات جان هموعان است.

رستگار با اشاره به روزهای جنگ و شرایط خاص فعالیت در جزیره خارگ می‌گوید: در جریان جنگ، با توجه به اصل پرکندگی نیروها، در زمان شیفت در محدوده مخازن حضور داشتیم و مانند دیگر همکاران، وظیفه خود را برای حفظ آمادگی و خدمت‌رسانی در شرایط اضطراری انجام می‌دادم.

وی علاقه به آتش‌نشانی را یکی از دلایل مهم ماندن در این حرفه می‌داند و می‌افزاید: آتش‌نشانی را خیلی دوست دارم، چون در این شغل برای نجات هم‌نوع خود تلاش می‌کنیم. عشق به این کار و علاقه‌ای که به همکارانم دارم، باعث شده با انگیزه در این مسیر ادامه بدهم.

رستگار ادامه می‌دهد: احساس من به عنوان کسی که در آتش‌نشانی یکی از مجموعه‌های صنعت نفت فعالیت می‌کند، حس بسیار خوبی است و اگر دوباره به گذشته برگردم و قرار باشد مسیر شغلی انتخاب کنم، همین شغل و همین مسیر را انتخاب خواهم کرد.

وی به همدلی میان آتش‌نشانان جزیره خارگ اشاره می‌کند و می‌گوید: همکاران آتش‌نشان ما آنقدر با معرفت و از خودگذشته هستند که در کنار یکدیگر هیچ‌وقت احساس خستگی نمی‌کنیم. این همراهی و رفاقت باعث شده در روزهای سخت نیز کنار هم بمانیم و با انگیزه به کار ادامه دهیم.

حلقه پولادین امنیت در پایتخت گازی ایران



مشعل | هر بار که صدای آژیر در فضای پالایشگاه می‌پیچد، زندگی هزاران نفر به دستان کسانی گره می‌خورد که فرقی میان روز و شب، آرامش و بحران قائل نیستند. در این گزارش، به دنیای آتش‌نشانی از شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی گام نهاده‌ایم که «روز کاری معمولی» برایشان افسانه‌ای بیش نیست. آن‌ها از شب‌های شلیک و شراره در پالایشگاه فاز ۱۴ می‌گویند و از عشقی که باعث شده تا پس از سال‌ها خدمت در میان گاز ترش و حرارت، همچنان با همان اشتیاق روز اول بگویند: «اگر دوباره انتخاب کنم، باز هم همین مسیر را می‌روم.» در ادامه گفت و گوی خبرنگار مشعل با ۳ نفر از آتش‌نشانان این مجتمع گازی را می‌خوانید.

داستان آتش‌نشانان، روایت ایثار، مسئولیت‌پذیری و از خودگذشتگی است؛ مردانی که در سخت‌ترین لحظه‌ها به دل حادثه می‌زنند تا زندگی مردم، امنیت انرژی و آرامش جامعه حفظ شود. شاید آتش، همیشه پایانی برای شعله‌های خود نداشته باشد؛ اما تا زمانی که مردانی برای خاموش کردن آن می‌ایستند، امید و امنیت نیز خاموش نخواهد شد.

آماجی؛ نخستین خط دفاع



عادل جمالی، رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه یازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، با ۲۱ سال سابقه خدمت در صنعت نفت و مدرک کارشناسی ایمنی

صنعتی محیط کار، از علاقه‌اش به آتش‌نشانی می‌گوید؛ علاقه‌ای که از سال‌های ابتدایی خدمت و آشنایی نزدیک با سختی‌ها و مسئولیت‌های این حرفه شکل گرفت. وی تصریح می‌کند: برای یک آتش‌نشان، شجاعت، خونسردی و مسئولیت‌پذیری در شرایط بحرانی اهمیت زیادی دارد و تلاش برای نجات جان دیگران، جذابیت و انگیزه اصلی این شغل برای من بوده است. جمالی ادامه می‌دهد: به مرور، همین حس خدمت و کمک به دیگران باعث شده آتش‌نشانی را به عنوان مسیر شغلی خود انتخاب کنم و همچنان با علاقه در این حرفه فعالیت داشته باشم. وی مهم‌ترین بخش کار خود را حفظ آمادگی برای مواجهه با شرایط اضطراری می‌داند و می‌افزاید: برای من مهم است که همیشه آمادگی لازم را داشته باشم تا در لحظه مناسب بتوانم به همکارانم کمک کنم. جمالی با اشاره به تفاوت اطفای حریق در تأسیسات نفت و گاز با حریق‌های معمول شهری تصریح می‌کند: در صنعت نفت و گاز، حریق‌ها بیشتر با سوخت‌های هیدروکربنی و گاهی تحت فشار اتفاق می‌افتند و معمولاً با شدت و سرعت بالایی گسترش می‌یابند. به گفته رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه یازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، احتمال وقوع پدیده‌هایی مانند BLEVE نیز در این حوادث بیشتر است و عملیات اطفافون بر خاموش کردن آتش، به قطع منبع سوخت و خنک کردن تجهیزات مجاور هم نیاز دارد؛ زیرا خطر سرایت آتش به واحدها و تجهیزات دیگر بالاست.

به وسعت مسئولیت

جمالی درباره سختی‌های کار در شرایط عملیاتی پارس جنوبی، به گرمای شدید و رطوبت بالای منطقه اشاره می‌کند که خستگی و کم‌آبی را در زمان عملیات افزایش می‌دهد. اومی‌گوید: سنگینی لباس و تجهیزات حفاظت فردی نیز کار در این شرایط را دشوارتر می‌کند. رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه یازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی ادامه می‌دهد: فعالیت در محیط‌های صنعتی، احتمال مواجهه با نشت گاز، آتش‌سوزی، انفجار گازها و مواد شیمیایی خطرناک را به همراه دارد و آتش‌نشانان باید در چنین شرایطی با سرعت عمل بالا و آمادگی کامل وارد عملیات شوند و گاهی مدت طولانی و در شرایط سخت به فعالیت ادامه دهند. جمالی، سخت‌ترین لحظات دوران خدمت خود را مربوط به عملیاتی می‌داند که همزمان خطر آتش‌سوزی و انفجار، جان همکاران و نیروهای حاضر در محل را تهدید می‌کرد. رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه یازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه و حمله به تریز گازی فاز ۱۴ می‌گوید: در آن حادثه، به عنوان فرمانده عملیاتی فاز ۱۴، مسئولیت مدیریت عملیات را به عهده داشتم و فشار روحی و مسئولیت سنگینی را تجربه کردم. وی ادامه می‌دهد: چیزی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، لحظاتی است که با وجود ترس و خستگی، باید خونسردی خود را حفظ می‌کردیم و برای نجات جان دیگران تصمیم می‌گرفتیم.

جمالی تصریح می‌کند: این تجربه بیش از همیشه اهمیت حفظ آرامش، کار تیمی و قرار دادن جان انسان‌ها در اولویت را به ما نشان داد. رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه یازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی با وجود پیشنهادهایی برای فعالیت در حوزه پدافند غیرعامل، همچنان ترجیح می‌دهد در میدان و در کنار

آتش‌نشانان باشد؛ علاقه‌ای که حتی مسئولیت‌های سنگین این حرفه نیز نتوانسته از آن کم کند. وی در کنار مسئولیت خود، با مؤسسات معتبر آموزشی در اهواز نیز همکاری دارد و به آموزش آتش‌نشانی در محیط‌های صنعتی و انتقال روش‌ها و متدهای جدید این حوزه به همکاران می‌پردازد. جمالی تأکید می‌کند: اگر به سال‌های ابتدایی خدمت بازگردم، بدون تردید دوباره همین مسیر را انتخاب خواهم کرد. به گفته جمالی، آتش‌نشانی در صنعت نفت، شغلی سخت و پر مسئولیت است؛ اما برای او تنها یک شغل نیست؛ بلکه فرصتی است برای اینکه در لحظه نیاز، بتواند به دیگران کمک کند. تجربه سال‌های خدمت و سختی‌های این مسیر نیز باعث شده به انتخاب خود افتخار کند. رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه یازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی بانگاهی انسانی به حرفه‌ای که برای نجات جان دیگران انتخاب کرده است، می‌گوید: تورا نمی‌شناسم، اما به خاطر انسانیت، جانم را فدایت می‌کنم.

کمک به همنوع و پاسداری از سرمایه‌های ملی



حسین عشایری، افسر ارشد آتش‌نشانی پالایشگاه چهارم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، با مدرک تحصیلی کارشناسی مکانیک تأسیسات حرارتی و پرودتی، با ۲۱ سال سابقه خدمت در صنعت نفت، علاقه خود به این حرفه را ناشی از ماهیت انسانی آن می‌داند و تأکید می‌کند: کمک به همنوع و پاسداری از سرمایه‌های ملی کشور، مهم‌ترین انگیزه من برای انتخاب این شغل بوده است. به گفته وی، آتش‌نشانان صنعتی در طول خدمت، مسئولیت‌های مختلفی از اطفای حریق و رقیق‌کاری نشت مایعات و گازها گرفته تا حضور در آماده باش، عملیات نجات و امداد و بررسی تجهیزات آتش‌نشانی را به عهده دارند. افسر ارشد آتش‌نشانی پالایشگاه چهارم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی تصریح می‌کند: با توجه به شرایط پالایشگاه و وجود گاز ترش، در این حرفه چیزی به نام روزکاری معمولی وجود ندارد. عشایری تأکید می‌کند: آمادگی جسمانی همراه با تمرکز، برای آتش‌نشان، یک اصل مهم در انجام مسئولیت سنگینی است که به عهده دارد؛ این آمادگی برای آتش‌تشان باید به گونه‌ای باشد که در هر لحظه که ماموریتی پیش می‌آید، در صحنه حاضر باشد. وی می‌گوید: یک آتش‌نشان صنعت نفت تفاوت‌های زیادی با یک آتش‌نشان شهری دارد؛ درست است که هر دو آتش‌نشان هستند؛ اما شرح وظایف آنها متفاوت از یکدیگر است. آتش‌نشان صنعت نفت با تأسیسات نفتی و نفت و گاز سر و کار دارد و این مهم‌ترین نکته کار یک آتش‌نشان صنعتی در صنعت نفت به شمار می‌رود. عشایری با اشاره به جنگ رمضان و حمله دشمن آمریکایی. صهیونی به تأسیسات گازی جنوب کشور تصریح می‌کند: در این حملات، یکی از پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی نیز هدف حمله قرار گرفت؛ اما



آماجی آتش‌نشانان که حاصل بیش از ۲۰ سال اجرای مستمر مانورها و عملیات مبتنی بر دستورعمل‌های ایمنی بود، کمک کرد تا در کوتاه‌ترین زمان برای مقابله با حادثه وارد عمل شوند. وی خطاب به کارکنان صنعت نفت و گاز و ریسک حضور آنها در محیط‌های پر خطر، بر اهمیت توجه همیشگی به ایمنی تأکید می‌کند و می‌گوید: گاهی فراموش می‌کنیم در چه محیط خطرناکی مشغول به کار و خدمت رسانی هستیم که همین فراموشی گاه می‌تواند زمینه‌ساز حادثه شود.

لایحه آمادگی یک آتش‌نشان نظم اوست



فرهاد غنی‌پور، رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه دوم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی با مدرک تحصیلی کارشناسی مدیریت حوادث و ۲۵ سال سابقه خدمت در صنعت نفت، انتخاب این حرفه را بیش از هر چیز به روحیه کمک‌رسانی و شجاعت فردی مرتبط می‌داند؛ ویژگی‌هایی که به باور او، در میان آتش‌نشانان وجه اشتراک است. وی تصریح می‌کند: آتش‌نشان معمولاً از کمک و خدمت‌رسانی به دیگران لذت می‌برند و در هر شرایطی به دنبال راهی برای یاری‌رساندن هستند؛ روحیه‌ای که به اعتقاد من، بخش جدایی‌ناپذیر این حرفه و یکی از دلایل انتخاب آن از سوی کسانی است که پای در این مسیر می‌گذارند. رئیس آتش‌نشانی پالایشگاه دوم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، مهم‌ترین خصوصیت یک آتش‌نشان را نظم اومی‌داند و می‌گوید: یک آتش‌نشان باید پیش از هر چیز، در همه امور فردی و کاری منظم باشد؛ زیرا اگر نظم در هر ایستگاه و میان نیروها برقرار باشد، در زمان عملیات نیز نظم جمعی حفظ خواهد شد و این نظم، هماهنگی میان نیروها برای مدیریت بهتر حادثه را به دنبال خواهد داشت.

غنی‌پور با اشاره به روزهای جنگ رمضان تأکید و اظهار می‌کند: در جریان تجاوز دشمن آمریکایی-صهیونی به تأسیسات پارس جنوبی، همه آتش‌نشانان، حتی نیروهایی که در آن روز، نوبت کاری نداشتند، پیگیر وضعیت مجموعه بودند و از دل و جان مایه گذاشتند. وی بیان می‌کند: بسیاری از نیروهای آتش‌نشان اگرچه در مجتمع حاضر نبودند، اما تأکید و تمایل داشتند که خود را به محل کار برسانند تا در کنار همکاران باشند و در عملیات، مشارکت کنند.

این روحیه همدلی و مسئولیت‌پذیری، جلوه‌ای مثال‌زدنی از تعهد آتش‌نشانان صنعت نفت بوده و کار کردن در کنار این نیروها، مایه غرور و افتخار است. غنی‌پور با توصیه به همکاران جوان خود در حرفه آتش‌نشانی صنعت نفت تأکید می‌کند: این عزیزان همواره باید خود را آماده و به روز نگه دارند و یادگیری را از این حرفه جدا نکنند؛ آتش‌نشانی به داشتن آمادگی و توان جسمانی محدود نمی‌شود؛ بلکه یک آتش‌نشان باید از نظر اطلاعات و دانش تخصصی هم از آمادگی لازم و کافی برخوردار باشد تا بتواند در عملیات مختلف، بهترین عملکرد را در لحظه ارائه کند.

آتش و عشق

مشعل | هفتم مهرماه که فرا می‌رسد، نام آتش‌نشانان دوباره بر سر زبان‌ها می‌افتد؛ مردانی که بخشی از زندگی‌شان میان آژیر و شعله و بوی نفت می‌گذرد. راهی انبار نفت ری شدیم؛ جایی که پشت سکوت مخازن و تأسیساتش خطری همیشگی نفس می‌کشد و یک جرقه می‌تواند آرامش را به حادثه‌ای بزرگ تبدیل کند. پای صحبت مردانی نشستیم که برای نجات دیگران باید پیش از شعله، خطر را ببینند و وقتی آژیر به صدا درمی‌آید، بی‌درنگ راهی همان نقطه‌ای شوند که دیگران از آن فاصله می‌گیرند. محمد نعمتی آلاشتی، رئیس ایمنی و آتش‌نشانی انبار نفت ری، همچنین محسن لطفی اوریمی، مسئول آتش‌نشانی و احسان دوستی، افسر شیفت ایمنی این انبار نفت، از روزهای سخت جنگ رمضان و ترس‌های پنهان و عشق به نجات گفتند؛ از شغلی که برای آنان فقط یک کار نیست و ایمنی در آن باید پیش از حادثه آغاز شود.

آخرین نفر در میدان خطر



محمد نعمتی آلاشتی، رئیس ایمنی و آتش‌نشانی تأسیسات انبار نفت ری، سخت‌ترین تجربه دوران خدمتش را جنگ رمضان می‌داند؛ روزهایی که حادثه تنها یک اتفاق نبود و از دست دادن دو همکار، سنگینی آن را دوچندان کرد. او با یادآوری آن روزها می‌گوید: یکی از تلخ‌ترین لحظات برایم این بود که برای نجات یکی از همکارانم نتوانستم کاری انجام دهم و متأسفانه جان باخت. نعمتی آلاشتی درباره لحظه‌ای که آژیر حادثه به صدا درمی‌آید، می‌گوید: نخستین دغدغه شناسایی ریسک‌ها، نقاط خطر، نحوه تخلیه محوطه و آگاه کردن افرادی است که در محل حضور دارند؛ تا عملیات نجات، خاموش کردن آتش یا کنترل نشی با کمترین خطر انجام



از جرقه تا حادثه



محسن لطفی اوریمی، مسئول آتش‌نشانی انبار نفت ری می‌گوید: آتش‌نشانی در صنعت نفت تنها به خاموش کردن آتش خلاصه نمی‌شود، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی کشور بخشی از این حرفه است. اوریمی با بیان اینکه آتش‌نشانان در تأسیسات نفتی همواره با ریسک‌های مختلف رو به رو هستند، اظهار می‌کند: آتش‌نشانان افزون بر کنترل آتش، می‌بایست از گسترش پیامدهای حادثه نیز جلوگیری کنند و این یکی از حساسیت‌های این حرفه است. او درباره نخستین اقدام هنگام وقوع حریق در مخازن و تأسیسات نفتی می‌گوید: ارزیابی سریع محیط، شناسایی خطر و سپس انتخاب ترفند مناسب برای کنترل و اطفای حریق، نخستین گام‌های یک عملیات موفق است؛ تصمیمی که باید بر پایه آموزش و تجربه گرفته شود. لطفی با تأکید بر آموزش، تجربه و تجهیزات به عنوان مولفه‌های جدانشدنی در عملیات آتش‌نشانی تأکید می‌کند؛ هیچ‌یک از این موارد به تنهایی کافی نیست؛ نیرو باید آموزش دیده و باتجربه باشد و در همین حال بتواند از تجهیزات متناسب با نوع حادثه به درستی استفاده کند. مانورهایی که در مجموعه‌های مختلف صنعت نفت برگزار می‌شود، فرصتی برای سنجش آمادگی و شناسایی نقاط قوت و ضعف است. این آتش‌نشان با بیان این که خطای انسانی و ساده‌انگاری، از مهم‌ترین چالش‌های حوزه ایمنی است، ادامه می‌دهد: فعالیت‌های عملیاتی نباید به بهای نادیده گرفتن ایمنی انجام شود. ضرورت هماهنگی واحدها در شرایط اضطراری موضوعی بسیار مهم است؛ هیچ بخشی به تنهایی نمی‌تواند یک حادثه بزرگ را مدیریت کند و هر واحد باید وظیفه خود را به درستی بشناسد. لطفی به تجربه جنگ رمضان اشاره و تصریح می‌کند: در تهاجم وحشیانه دشمن آمریکایی - صهیونی به تأسیسات نفتی، آتش‌نشانان انبار نفت ری نیز برای کنترل و مهار حادثه، از دل و جان مایه گذاشتند؛ در چنین موقعیتی همه نیروهای آتش‌نشان انبار نفت ری تنها به این فکر می‌کردند که بتوانند هر چه زودتر از گسترش آتش و سرایت آن به دیگر بخش‌های جلوگیری کنند. وی ۷ مهر ماه را یادآور رشادت آتش‌نشانان پالایشگاه آبادان می‌خواند و می‌گوید: این روز باید فرصتی برای توجه بیشتر به ایمنی باشد؛ ایمنی نباید فقط در یک روز، بلکه باید در فرهنگ کار و زندگی جاری باشد.

عشقی که از آتش نمی‌ترسد



احسان دوستی، افسر شیفت ایمنی انبار نفت ری، هر روز در محیطی کار می‌کند که خطر در گوشه و کنار آن موج می‌زند؛ محیطی که به گفته او، حتی یک جرقه کوچک می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان به حریق گسترده تبدیل شود. شیفت‌های شبانه‌روزی نیز این نگرانی را از محل کار به خانه می‌برد؛ جایی که خانواده می‌دانند هر بار خروج او از خانه، با احتمال بازنگشتن همراه است. دوستی می‌گوید: این نگرانی در تمام لحظات کاری همراه خانواده است و تماس‌های مکرر آنان برای اطلاع



از حال من، بخشی از زندگی روزمره‌ام شده و شرایط جنگی نیز این نگرانی را بیشتر کرده است. با این حال، من و همکارانم هر زمان حادثه‌ای رخ دهد، با تمام توان به سوی آن می‌رویم تا از گسترش آن جلوگیری کنیم. او درباره تجربه خود از جنگ رمضان می‌گوید: جنگ رمضان تنها یک مأموریت سخت نبود؛ زخمی بود که هنوز از ذهن‌ها پاک نشده است. در حمله وحشیانه دشمن آمریکایی - صهیونی به انبار نفت ری، بخشی از تأسیسات آن که سال‌ها برای ساخت و راه‌اندازی آنها زحمت کشیده شده بود، آسیب دید و دیدن صحنه خرابی‌های ناشی از این وحشیگری دشمن برای من و دیگر همکارانم بسیار تلخ بود. وی تأکید می‌کند: با وجود این سختی‌ها، دلیل ادامه دادن این مسیر را عشق می‌دانم؛ لذتی که در بازگشت سالم همکارانم از مأموریت و جلوگیری از وقوع یا گسترش حادثه ایجاد می‌شود. اگر به گذشته برگردم، باز هم حرفه آتش‌نشانی را انتخاب خواهم کرد. دوستی با اشاره به اهمیت ایمنی در محیط‌های کاری صنعت نفت تصریح می‌کند: ایمنی محیط، فعالیت در شرایط ایمن و آگاهی از محیط و شرایط کار، عوامل بسیار مهمی هستند که از بروز حوادث می‌کاهند؛ در این میان آموزش نیز نکته مهمی است که خطاهای انسانی را به کمترین حد ممکن کاهش می‌دهد. دوستی در ۷ مهر به یاد استادانی می‌افتد که در نخستین روزهای ورودش به شرکت، با عشق و علاقه به او آتش‌نشانی را آموختند. او آرزو دارد آموزش ایمنی از کودکی آغاز شود تا نسل آینده آگاه‌تر باشد و فرهنگ ایمنی در کشور نهادینه شود.

همدلی و رفاقت در ایستگاه ایمنی شانول



مشعل | «میدان گازی شانول، تأمین‌کننده بخشی از خوراک پالایشگاه گاز پارسین در جنوب استان فارس است. در شرایط دشوار اقلیمی و دمای ۵۰ درجه، آتش‌نشانان این میدان ضامن اصلی ایمنی و جریان پایدار گازند؛ سفر به میدان گازی شانول فرصتی بود تا پای صحبت آتش‌نشان‌های این میدان بنشینیم و با آنها به گفت‌وگو بپردازیم.



خودروهای آتش‌نشانی، بازبینی تجهیزات مستقر در انبار و اطمینان از سلامت تلفن‌ها و بی‌سیم‌ها، بخشی از وظایف روزانه است. تمامی رویدادها نیز در دفتر گزارش روزانه ثبت



می‌شوند؛ از ورود و خروج تجهیزات گرفته تا عملیات و فعالیت‌هایی که در طول شیفت انجام شده است. بخشی از این کنترل‌ها نیز به صورت هفتگی و ماهانه صورت می‌گیرد؛ مانند بررسی خاموش‌کننده‌ها و آماده‌سازی و نگهداری تجهیزات خودروهای آتش‌نشانی. در پایان کار و هنگام تعویض شیفت نیز تمام این اطلاعات را به آتش‌نشان بعدی تحویل می‌دهیم و روند یک روز کاری را با شیفت بعدی در میان می‌گذاریم. محسن صفا، سرپرست وقت ایستگاه ایمنی و آتش‌نشانی میدان گازی شانول نیز به این پرسش که مهم‌ترین وظیفه آتش‌نشانان در میدان گازی شانول چیست؟ این‌گونه پاسخ داد:



داد: مهم‌ترین وظیفه ما آماده‌باش بودن برای رویارویی با حوادث احتمالی است؛ به این معنا که اگر اتفاقی رخ دهد، نیروها باید در کمترین زمان ممکن حاضر شوند تا آتش‌سوزی را به سرعت مهار کرده و خطرات را کاهش دهند. این تجربه به خوبی نشان می‌دهد که چرا آماده‌باش بودن برای نیروهای آتش‌نشانی، اهمیت فراوانی دارد؛ آنان باید در هر لحظه، حتی زمانی که ساعت‌ها و روزها بدون رخداد خاصی سپری می‌شود، آمادگی کامل برای حضور در صحنه حادثه را داشته باشند.

مختار محمدی، راننده آتش‌نشانی ایستگاه شانول، یکی



دیگر از کسانی بود که در پاسخ به پرسش من درباره سخت‌ترین تجربه کاری‌اش گفت: آتش‌سوزی گسترده‌ای که حدود ۲ سال پیش در منطقه رخ داد، دامن‌اش به شدت زیاد و تا نزدیکی ایستگاه رسیده بود، به گونه‌ای که شرایط بسیار خطرناک شد. در چنین موقعیت دشواری، نیروها بلافاصله آماده شدند و عملیات مهار را آغاز کردند. با گسترش آتش، نیروهای کمکی نیز از منطقه به میدان گازی شانول اعزام شدند و سرانجام پس از تلاش بسیار، آتش مهار شد.



است که در یک کلمه می‌توان آن را ایثار نامید. گفت‌وگو با این آتش‌نشانان عزیز و روحیه همدلی‌شان در لابه‌لای صحبت‌ها و شوخی‌ها، نشان می‌داد که در چنین فضای کاری دشوار و به دور از زندگی شهری و خانواده، یکی از مهم‌ترین عوامل تاب‌آوری در زندگی جمعی آنها، همین روحیه هم‌صدایی و صمیمیت میان کارکنان است. آتش‌نشانان میدان گازی شانول باید همواره در آمادگی ۱۰۰ درصدی قرار داشته باشند تا در مواقع اضطرار، بی‌درنگ به محل حادثه برسند. گرمای طاقت‌فرسای جنوب، دوری از خانواده و آماده‌باش دائمی، بخشی از واقعیت شغلی آنهاست؛ آن‌ها در سکوت کار می‌کنند تا اگر روزی آتش از کنترل خارج شد، کسانی باشند که به کمک بشتابند. درود بر آتش‌نشانان میدان گازی شانول.



آماده‌باش در ثانیه‌های طلایی

برگزاری مستمر مانورهای اطفای حریق و امداد و نجات در مراکز انتقال نفت شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان در آستانه هفتم مهر، نمادی از تعهد، همدلی و

پای کار بودن نیروهای عملیاتی برای صیانت از سرمایه‌های ملی است. در مسیر انتقال ایمن و پایدار نفت، آمادگی لحظه‌ای تیم‌های واکنش در شرایط اضطراری، یکی از ارکان اصلی نظام مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست اچ‌اس‌ای به شمار می‌رود. بر همین اساس، اچ‌اس‌ای این منطقه عملیاتی با اجرای برنامه‌های منظم آموزشی و عملیاتی، برگزاری مانورهای اطفای حریق، امداد و نجات و ارزیابی مستمر توانمندی نیروهای واکنش اضطراری را در دستور کار قرار داده است. این مانورها در مراکز انتقال نفت منطقه لرستان با سناریوهای مختلف و متناسب با مخاطرات واقعی تأسیسات طراحی و اجرا شده و اهدافی همچون ارتقای سطح آمادگی تیم‌های عملیاتی، کاهش زمان واکنش، تقویت فرماندهی حادثه، همچنین افزایش آمادگی سازمانی برنامه‌ریزی شود.

ایمنی لازمه تداوم تولید

دیروز در خط مقدم دفاع از میهن ایستادم و امروز در خط مقدم صنعت نفت، وظیفه ما صیانت از جان انسان‌ها، حفاظت از سرمایه‌های ملی و کمک به استمرار چرخه اقتصادی کشور است.

در برخی عملیات‌های قطع و وصل خطوط انتقال، به‌ویژه در نقاط سخت‌گذر و شرایط خاص عملیاتی، برای حفظ تداوم انتقال و حفاظت از جان کارکنان، بر اساس الزام‌ها مدیریت ریسک و اقدام‌های کنترلی تعریف شده، گاهی ناچاریم ساعت‌ها و گاه به صورت شبانه‌روزی در میدان حضور داشته باشیم که از حساسیت و دشواری مأموریت‌های عملیاتی ما است.

در چنین شرایطی ایمنی یک اقدام مقطعی نیست، بلکه فرایندی مستمر از شناسایی خطر، ارزیابی ریسک، اجرای اقدام‌های کنترلی، پایش شرایط و آمادگی برای واکنش در

شرایط اضطراری است، زیرا حتی یک تصمیم درست در زمان مناسب می‌تواند از یک حادثه بزرگ جلوگیری کند. تداوم عملیات انتقال نفت و ایمنی کارکنان دو مأموریت جدا از هم نیستند؛ بلکه در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. تلاش می‌کنیم با حضور میدانی، هماهنگی بین واحدها، الزام‌های اچ‌اس‌ای، هم چرخه انتقال پایدار بماند و هیچ نیرویی در مسیر انجام مأموریت آسیب نبیند.

تا آخرین روز، خود را سرباز این صنعت و پاسدار سرمایه‌های ملی کشور می‌دانم؛ سنگر خدمت ممکن است تغییر کند، اما روحیه ایثار، تعهد و پای کار بودن نباید تغییر کند.

رضا ذلقی، رئیس ایمنی و آتش‌نشانی شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان



خبر خوش اکتشافی مردم

رادلشاد کرد

تخته روی گاز



یونس صادقی | خبر کشف میدان گازی «تخته» در جنوب فارس، به نقل از محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، در هفته دولت به صدر اخبار حوزه انرژی راه یافت. این رویداد، بهانه‌ای برای سفر خبرنگار ماهنامه «مشعل» به این منطقه شد تا ضمن گفت‌وگو با مردم بومی آن، مشاهدات و شنیده‌های خود را از این میدان گازی روایت کند.



یکم شهریور امسال، محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، از کشف میدان گازی جدیدی در روستای تخته، در شهرستان خنج واقع در جنوب استان فارس خبر داد؛ موضوعی که خیلی زود در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی بازتاب یافت. این میدان بیش از ۷۵۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز در خود جای داده است که با احتساب ضریب بازیافتی حدود ۷۲ درصد، امکان برداشت حدود ۵۷۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز از آن وجود دارد. افزون بر این، میزان گاز قابل استحصال درون این مخزن معادل ۱۵ سال یک فاز از میدان گازی پارس جنوبی است.

عملیات اکتشاف لحظه‌ای متوقف نشد

شیرین بودن گاز، از ویژگی‌های این میدان است؛ ویژگی‌ای که می‌تواند هزینه‌های عملیات توسعه و بهره‌برداری را به طور چشمگیر کاهش دهد. عملیات حفاری چاه اکتشافی تخته حدود ۱۷ ماه صورت گرفته است. حمید بود، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران نیز در خصوص این میدان گفته است: عملیات اجرایی حفاری این میدان در میانه جنگ دوازده‌روزه و جنگ تحمیلی در جریان بود و لحظه‌ای متوقف نشد. این میدان از نظر پیچیدگی‌های زمین‌شناسی، یکی از پیچیده‌ترین ساختارهای اکتشافی در ۲۰ سال اخیر بوده و ۵۰ کیلومتر طول و ۴ کیلومتر عرض دارد.

همچنین سیدمحی‌الدین جعفری، مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران با بیان اینکه کشف میدان گازی تخته، کاملاً ایرانی بوده است، معتقد است: ۲۷ میلیون بشکه میعانات گازی در این میدان وجود دارد که حدود ۲۰ میلیون بشکه از این میزان قابل استحصال است؛ ذخیره‌ای که در کنار ذخایر گازی، ارزش اقتصادی این میدان را به حدود ۴۵ میلیارد دلار می‌رساند.

خنج در میانه نخل و برکه

خبر کشف میدان گازی در روستای تخته، از توابع

شهرستان خنج در جنوب استان فارس، آنقدر مهم و هیجان‌انگیز بود که کوله بار سفر به زادگاه این میدان را بستم تا از نزدیک شاهد واکنش مردم این دیار به این خبر مهم باشم. از شیراز تا خنج، مسافتی حدود ۲۸۰ کیلومتر است. مسیر شیراز تا فیروزآباد هوا خنک بود، اما از قیروکارزین به بعد، هوای گرمسیری سوزان، خود را نشان داد.

هفتم شهریور که پایه خنج گذاشتم، دمای هوا بین ۴۰ تا ۴۵ درجه سانتی‌گراد در نوسان بود و آفتاب تند، مدام صورت را شلاق می‌زد. تابلوی ورودی شهر، به این عبارت مزین بود: به شهر تاریخی خنج خوش آمدید. مهم‌ترین شاخصه این شهر، تعداد فراوان آثار تاریخی، به‌ویژه از دوره میانه (قرن هفتم تا دهم هجری قمری) است که در کنار نخلستان‌ها و برکه‌ها، تصویری از یک شهر اصيل گرمسیری را پیش روی هر رهگذری قرار می‌دهد. این شهر، در گذشته مهد عرفان و پذیرای علما، اندیشمندان و شعرای جهان اسلام بوده است. حتی ابن بطوطه، جهانگرد مراکشی، در قرن هشتم هجری قمری به قصد دیدار با علما به این شهر آمد و توصیف آن را در سفرنامه‌اش ثبت کرد. این بار نیز چه تقارن زیبایی بین گذشته و امروز برقرار شده است! شهری که روزگاری مهد فکر و اندیشه بود و پذیرای زائران و جهانگردان، امروزه به واسطه خبر اکتشاف میدان گازی، توجه مهندسان ایرانی را به خود جلب کرده و به رسانه‌های بین‌المللی راه یافته است.

اگر روزگاری خنج به واسطه عرفان در گرمسیر فارس شناخته می‌شد، امروزه با این کشف میدان گازی، به قطب اقتصادی در جنوب فارس بدل شده است. هنگامی که در کنار مردم این خطه، از هر صنف و تخصصی نشستیم، یک حرف مشترک در میانشان یافتیم و آن هم، خوشحالی از این خبر کشف میدان گازی بود که دل‌ها را به توسعه منطقه امیدوار کرده بود. از معلم بازنشسته تا استاد دانشگاه، از مغازه‌دار تا دانشجو، همه در این نگرش مشترک سهیم بودند.

در اطراف شهر که گشت می‌زدیم، با حجم زیادی از آب‌انبارها و برکه‌هایی مواجه شدم که یادآور شیوه مهندسی ذخیره‌سازی آب در گذشته‌های دور بود و امروزه، یادگارهای آن در این خطه به یادگار مانده است.

همان‌طور که در قدیم از ساختن این برکه‌ها برای رفع تشنگی و حیات مردم استفاده می‌شد، امروزه نیز با کشف میدان گازی "تخته"، تلاش مهندسان و کارکنان صنعت نفت برای ذخیره‌سازی نعمات خدادادی تداعی می‌شود؛ موضوعی که محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت نیز در گفتار خود از آن به «مائه زیرزمینی» یاد کرده است.

تخته قطب جدید انرژی

صبح دوشنبه، نهم شهریور، از خنج به سوی روستای تخته روانه شدم. با آنکه عقربه‌های ساعت هنوز از هشت صبح نگذشته بود، گرمای سوزان جاده، نوید یک روز داغ را می‌داد. این روستا در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال غرب شهرستان خنج و حدود ۳۵ کیلومتری میدان‌های گازی قدیمی «شانول» و «هما» قرار دارد. از سه راهی ورودی تخته تا خود میدان گازی نیز، مسیری ۱۵ کیلومتری در پیش بود. پس از طی حدود نیم ساعت از جاده خنج به شیراز، به سه راهی رسیدیم که نوشته روی تابلویی، روستای تخته را نشان می‌داد. محمدرضا ابراهیمی، دهیار سابق روستای تخته نیز همراهی ام می‌کرد. او در طول مسیر، از ظرفیت‌های بالقوه دشت «لاغر» در نزدیکی روستای تخته برای پروژه‌های گازی و احداث پالایشگاه صحبت می‌کرد و می‌گفت: وجه تسمیه نام روستا به دلیل تخت بودن کوه‌های اطراف بود و از قضا میدان گازی تخته نیز بر بلندی

کوهی تخت قرار دارد که تقارنی زیبا با نام روستا ایجاد کرده است.

در میانه مسیر، زمین‌های کشاورزی و درختان نخل، بیشترین جلوه را به ورودی روستا داده‌اند. جمعیت روستا در حدود ۳۴۰ نفر بود که عمده شغل سکنه آن، کشاورزی و کارمندی است.

باگشتی در روستا، چشم‌مان به گورستانی قدیمی با چندین چهارطاقی و معماری دوره ساسانی افتاد. حجم زیادی از سفال‌های یافت‌شده روی این تپه باستانی، نشان از قدمت روستا داشت. چندین رشته قنات نیز در روستای تخته وجود داشت که بوی گوگرد در نزدیکی آن‌ها، فضا را پر کرده بود. وقتی با مردم روستا صحبت کردیم، سادگی و صمیمیت در گفتار و چهره‌شان موج می‌زد؛ از اینکه روستایشان به صدر اخبار حوزه انرژی ایران آمده بود، ابراز خوشحالی می‌کردند. برای رسیدن به میدان اصلی گازی، ناچار بودیم از مسیر روستا حدود ۱۰ کیلومتر به سمت کوه‌های اطراف برویم. در این مسیر پرپیچ‌وخم که به لطف وجود حفاری در این میدان، آسفالت شده بود، نکته جلب توجه می‌کرد و آن این که در نزدیکی میدان گازی، چاه آبی وجود داشت که در گویش محلی، از قدیم به آن «چاه گوگردی» می‌گفتند که همین نشانه‌ای از وجود انرژی در این روستای کوچک بود. بر بلندای کوه، به میدان عظیم گازی کشف‌شده رسیدیم؛ میدانی که عملیات حفاری آن به پایان رسیده و اکنون در نوبت بهره‌برداری قرار داشت. در سراسر محوطه، رد پای تلاش مهندسان صنعت نفت برای کشف این مخزن عظیم گازی هویدا بود. از برپایی کمپ و آماده‌سازی محوطه گرفته تا لوله‌کشی و حوض آب؛ آثار این تلاش‌ها همگی قابل مشاهده بود. هنگام بازگشت از میدان گازی تخته، دوباره به روستا سرزدم تا حال و هوای مردم را بهتر درک کنم. با وجود گرمای شدید ظهر، چند کارگر ساختمانی با وجود گرمای سوزان منطقه، هنوز مشغول بنایی و چند نفر از ریش سفیدان، همراه با زن و کودک، نظاره‌گر کار آنها بودند. هنگام



گفت‌وگو همگی با امیدی در دل و لحنی شادمان، از اینکه روستایشان دارای ظرفیتی است، خوشحال بودند. آنها علاقه‌مند بودند که با بهره‌برداری از این میدان گازی، روستای تخته نیز طعم عمران و آبادی را بیشتر بچشد و مردم سهمی از این دستاورد داشته باشند.





رزمنده دوران دفاع مقدس از روزهای

سخت ایستادگی می گوید

رد پای مقاومت در میدان های نفت



مشعل دفاع مقدس در جنگ تحمیلی هشت ساله تنها یک مقطع تاریخی نیست؛ روایتی از حضور انسان هایی است که در سخت ترین شرایط، از سرزمین خود دفاع کردند. در کنار رزمندگان حاضر در خطوط مقدم، کارکنان بخش های مختلف کشور نیز در پشتیبانی از جبهه ها نقش مهمی ایفا کردند. صنعت نفت یکی از مهم ترین بخش هایی بود که در دوران جنگ تحمیلی، با وجود حملات گسترده دشمن، چرخه انرژی کشور را حفظ کرد. کاظم مقصودی، از جمله رزمندگانی است که از نوجوانی پا به عرصه دفاع مقدس گذاشت و پس از پایان جنگ، فعالیت حرفه ای خود را در وزارت نفت و مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران ادامه داد. او در گفت وگویی اختصاصی با خبرنگار «مشعل» به بیان خاطرات و دستاوردهای دفاع مقدس پرداخت. از دیدگاه وی، بخشی قابل توجهی از مناطق عملیاتی دفاع مقدس، بعدها به میدان های مهم نفتی کشور تبدیل شدند و تلاش های اکتشافی پس از جنگ، سبب کشف میدان های بزرگ نفت و گاز شد.

🔥 نخست از چگونگی ورود به دوران دفاع مقدس بگوئید.

از دوران نوجوانی در فضای انقلاب و مسجد رشد کردم. محیطی که در آن تربیت شدیم، بر محور احساس مسئولیت اجتماعی استوار بود. از همان سال های نخست انقلاب، حضور در فعالیت های فرهنگی و مذهبی برای من جدی بود و با آغاز جنگ تحمیلی، طبیعی بود که بسیاری از جوانان احساس کنند باید در دفاع از کشور حضور داشته باشند. من حدود ۱۵ سال و چند ماه داشتم که وارد عرصه دفاع مقدس شدم. آن زمان شرایط بسیار خاصی بود؛ در کشور تازه انقلاب شده بود و دشمن با تصور ضعف ایران، جنگ را آغاز کرده بود. بسیاری از جوانان با کمترین امکانات، اما با انگیزه و اعتقاد وارد میدان شدند.

🔥 چه انگیزه ای سبب شد یک نوجوان در آن سن و سال راهی جبهه شود؟

فضای مسجد، خانواده و جامعه انقلابی آن زمان، روحیه مسئولیت پذیری ایجاد کرده بود. بسیاری از نوجوانانی که در جبهه حضور داشتند، دنبال شهرت یا موقعیت نبودند. عشق و اعتقاد باعث حضور آنها شده بود. وقتی انسان باور داشته باشد که از یک ارزش بزرگ دفاع می کند، بسیاری از سختی ها برایش قابل تحمل می شود.

🔥 چه خاطراتی از نخستین روزهای حضور در جبهه دارید؟

جنگ در روزهای نخست شرایط بسیار دشواری داشت. ارتش عراق با تجهیزات فراوان وارد خاک ایران شده بود و ما با امکانات بسیار محدود مقاومت می کردیم، اما چیزی که معادله را تغییر داد، روحیه مردم و رزمندگان بود. در جبهه انسان هایی را می دیدیم که شاید از نظر سن و تجربه بسیار جوان، اما از نظر روحیه و مسئولیت پذیری بزرگ بودند. بسیاری از آنها با تمام وجود پای کار آمده بودند. در عملیات های مختلفی حضور داشتم؛ فتح المبین، بیت المقدس، خبیر، بدر، کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۸، بیت المقدس ۲ و عملیات مرصاد. هر عملیات شرایط خاص خودش را داشت. فتح المبین، یکی از عملیات مهم دوران دفاع مقدس بود که بخش بزرگی از مناطق اشغال شده، آزاد شد. پس از آن، عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر، نقطه عطف بزرگی در جنگ بود. منطقه هورالعظیم و جزایر مجنون، از مناطق بسیار خاص جنگ و شرایط جغرافیایی آنجا بسیار دشوار بود؛ آب، باتلاق و محدودیت های حرکتی، کار را سخت می کرد، اما رزمندگان با ابتکار و فداکاری توانستند عملیات بزرگی انجام دهند. همین مناطق، بعدها به یکی از مهم ترین مناطق نفتی کشور تبدیل شدند؛ مناطقی که زمانی محل نبرد بود، اکنون قطب های مهم تولید انرژی ایران هستند.

🔥 چه ارتباطی میان مناطق عملیاتی دفاع مقدس و میدان های نفتی امروز وجود دارد؟

این ارتباط بسیار جدی است. مناطقی مانند آزادگان،

یادآوران، اروند، شادگان، دارخوین، آبان، سومار و بخش هایی از استان ایلام، آذر، چنگوله و شهر مهران، مناطقی هستند که در دوران جنگ اهمیت راهبردی داشتند و پس از جنگ نیز فعالیت های گسترده اکتشافی در آنها انجام شد؛ طوری که پس از عملیات لرزه نگاری و حفاری در آنها مشخص شد که این مناطق از نظر منابع نفت و گاز بسیار غنی هستند. امروز برخی از بزرگ ترین میدان های نفتی کشور در همین مناطق قرار دارند.

🔥 مهم ترین دستاورد فعالیت های اکتشافی پس از جنگ چه بود؟

یکی از مهم ترین رویدادهایی که پس از پایان جنگ رخ داد، شناخت دقیق تر ظرفیت های نفت و گاز کشور بود. در دوران جنگ، بسیاری از مناطق مرزی و عملیاتی به دلیل شرایط امنیتی امکان مطالعه و فعالیت گسترده نداشتند. پس از پایان جنگ، متخصصان صنعت نفت وارد این مناطق شدند و با مطالعات زمین شناسی، لرزه نگاری و حفاری، ظرفیت های بزرگی را شناسایی کردند. میدان هایی مانند آزادگان، یادآوران و برخی میدان های دیگر در همین مناطق قرار دارند. این موضوع نشان می دهد که امنیت، مقدمه توسعه است. اگر رزمندگان در آن سال ها از این مناطق دفاع نمی کردند، امروز امکان بهره برداری از این سرمایه های عظیم وجود نداشت.

🔥 چه خطره ای از میدان آزادگان دارید؟

منطقه آزادگان شامل مناطق عملیاتی زمان جنگ مانند جزایر مجنون، زید، کوشک، شلمجه و جفیر برای من یک منطقه خاص است؛ چون هم خاطرات دفاع مقدس در آنجا وجود دارد و هم بعدها به عنوان یکی از مهم ترین مناطق اکتشافی کشور شناخته شد. این منطقه در دوران جنگ بخشی از جبهه های مهم نبرد بود؛ همان محدوده ای که جزایر مجنون، هورالعظیم و مناطق اطراف آن قرار داشت. بعد از جنگ، گروه های اکتشافی وزارت نفت وارد منطقه شدند و مطالعات گسترده ای انجام دادند. نتیجه این فعالیت ها، شناسایی یکی از بزرگ ترین میدان های نفتی کشور بود. وقتی انسان امروز در این مناطق فعالیت های نفتی را می بیند، باید به یاد داشته باشد که اینجا روزگاری محل حضور و فداکاری رزمندگان بوده است.

🔥 نقش کارکنان صنعت نفت در دوران دفاع مقدس را چگونه ارزیابی می کنید؟

نقش صنعت نفت در جنگ بسیار مهم بود. جنگ فقط در خط مقدم اتفاق نمی افتاد؛ پشت جبهه هم یک جنگ بزرگ برای حفظ زیرساخت ها جریان داشت. پالایشگاه ها، تأسیسات نفتی و مراکز تولید انرژی بارها مورد حمله دشمن قرار گرفتند، اما کارکنان صنعت نفت اجازه ندادند کشور با بحران انرژی مواجه شود. تأمین سوخت نیروهای نظامی، حفظ تولید نفت و تعمیر تأسیسات آسیب دیده، کار بسیار بزرگی بود که به همت کارکنان صنعت نفت انجام شد.

🔥 پس از پایان جنگ آیا نگاه شما به مناطق عملیاتی تغییر کرد؟

نگاه من عمیق تر شد. زمانی در این مناطق به عنوان رزمنده حضور داشتیم و بعد به عنوان نیروی اکتشاف شرکت ملی نفت ایران به همان مناطق برگشتیم. آنجا برای من فقط یک منطقه نفتی نبود؛ هر نقطه آن خاطره ای از دفاع مقدس بود. وقتی در منطقه ای مانند آزادگان یا دیگر مناطق مرزی کار اکتشافی انجام می دهید، هم اهمیت اقتصادی آن را می بینید و هم ارزش تاریخی و انسانی آن منطقه را.

🔥 شما معتقدید برخی مناطق عملیاتی دفاع مقدس امروز به مناطق بزرگ نفتی تبدیل شده اند.

این موضوع چه پیامی دارد؟
پیام آن این است که امنیت و توسعه دو موضوع جدا از هم نیستند. مناطقی که امروز در آنها تولید نفت و گاز انجام می شود، روزگاری نیازمند دفاع و حفاظت بودند. رزمندگان از خاکی دفاع کردند که بعدها مشخص شد چه ظرفیت عظیمی برای کشور دارد. میدان های بزرگی مانند آزادگان و یادآوران فقط یک میدان نفتی نیستند؛ بخشی از تاریخ مقاومت مردم ایران نیز در آن مناطق ثبت شده است.

🔥 به نظر شما امروز چگونه باید از تجربه دفاع مقدس در صنعت نفت استفاده کرد؟

باید روحیه کار، تلاش و مسئولیت پذیری آن دوران حفظ شود. صنعت نفت یک صنعت راهبردی و نیازمند انسان هایی است که منافع ملی را در اولویت قرار دهند. همان طور که رزمندگان در دوران جنگ برای حفظ کشور تلاش کردند، امروز نیز کارکنان صنعت نفت باید برای توسعه و پیشرفت کشور تلاش کنند.



🔥 به عنوان یکی از پیشکسوتان دفاع مقدس، چه پیامی برای نسل جوان دارید؟

نسل جوان باید تاریخ کشور خود را بشناسد. دفاع مقدس فقط مربوط به گذشته نیست؛ تجربه ای است که نشان می دهد ملت ایران در شرایط دشوار چگونه می تواند ایستادگی کند.

امروز کشور به جوانانی نیاز دارد که هم دانش داشته باشند و هم احساس مسئولیت. همان طور که جوانان آن دوران با ایمان و تلاش از کشور دفاع کردند، امروز نیز جوانان می توانند با علم، تخصص و کار جهادی آینده کشور را بسازند.

🔥 نکته ای هست که بخواهید با مخاطبان مشعل در میان بگذارید؟

باید قدر امنیت و فرصت هایی را که در اختیار داریم، بدانیم. بسیاری برای حفظ این سرزمین هزینه دادند. امروز اگر در مناطق مختلف کشور، از جمله مناطق نفت خیز و مرزی، امکان فعالیت و توسعه وجود دارد، حاصل تلاش و فداکاری انسان های زیادی است. صنعت نفت نیز باید این میراث را حفظ کند؛ یعنی افزون بر توسعه اقتصادی، فرهنگ تلاش، صداقت و خدمت به کشور را زنده نگاه دارد.



نسل جوان باید تاریخ کشور خود را بشناسد. دفاع مقدس فقط مربوط به گذشته نیست؛ تجربه ای است که نشان می دهد ملت ایران در شرایط دشوار چگونه می تواند ایستادگی کند

رژمنده خرمشهری از روزهای اسارت در دوران دفاع مقدس روایت می کند

قصه یک غیرت پشت هر خط لوله



مشعل | خالد واحدی سال های کودکی و نوجوانی خود را در خرمشهر گذراند؛ شهری که جنگ تحمیلی هشت ساله از همان روزهای نخست، زندگی او و خانواده اش را دستخوش تغییر قرار داد. در نوجوانی، برای نبرد با دشمن یعنی به جبهه رفت و چند باری هم مجروح شد. در سال های پایانی هشت سال دفاع مقدس، به فعالیت در جنگ الکترونیک پرداخت و در آن روزها به اسارت دشمن درآمد و هفت سال اسیر بود. واحدی در گفت وگو با خبرنگار ماهنامه "مشعل" به روایت سال ها تلاش در عرصه جنگ تحمیلی و کار در شرکت لوله سازی اهواز و شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب پرداخت که در ادامه روایت او را با هم می خوانیم.

در ابتدا خودتان را برای خوانندگان "مشعل" معرفی کنید.

متولد آذر ماه سال ۱۳۴۵ در کازمین عراق هستم. خانواده ام تا قبل از شروع جنگ، در خرمشهر زندگی می کردند. دوران ابتدایی را در این شهر گذراندیم و در آستانه ورود به دوره راهنمایی بودم که جنگ تحمیلی آغاز شد؛ به عبارتی نوجوانی ام با جنگ گره خورد.

آن روزها برای یک نوجوان ۱۴- ۱۳ ساله، دیدن آتش و بمباران و اشغال شهر، تجربه بسیار سنگینی بود. خرمشهر در روزهای نخست جنگ به شدت درگیر شد و خانواده من نیز همانند بسیاری از خانواده های خرمشهری مجبور شدند خانه و زندگی خود را رها کرده و به شهر دیگری بروند.

پس جنگ را در شهر خودتان تجربه کردید؟

دقیقاً. ما جنگ را از نزدیک دیدیم، حتی پیش از اینکه خودم به عنوان رزمنده وارد جبهه شوم، فضای جنگ را تجربه کرده بودم. ۲۰ نفر از برادرانم نیز در جریان جنگ مجروح شدند و همین موضوع باعث شد خانواده خیلی زود با واقعیت جنگ روبه رو شود. بعد از ترک خرمشهر به کاشان

رفتیم. آنجا بود که احساس کردم نمی توانم فقط تماشاگر باشم، از این رو و با وجود سن کم، تصمیم گرفتیم به عنوان بسیجی راهی جبهه شوم.

اولین حضورتان در جبهه به چه زمانی برمی گردد؟

در آذرماه سال ۱۳۶۰ به مناطق عملیاتی غرب کشور اعزام شدم. در همان ماه ها بود که در عملیاتی، برای نخستین بار مجروح شدم. پس از آن، در سال ۱۳۶۱ در عملیات محرم و اسفندماه سال ۱۳۶۲ نیز در عملیات خیبر از ناحیه دست آسیب دیدم. در اسفند ماه سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر و سال ۱۳۶۵ نیز در عملیات فاو شرکت کردم که در این عملیات هم از ناحیه زانو پای چپ و بازوی دست راست مجروح و جانباز شدم.

در میانه جنگ (سال ۱۳۶۳) با قبولی درکنکور سراسری، در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه شهید چمران اهواز به تحصیل پرداختم؛ البته ارتباط با جبهه قطع نشد.

چه زمانی احساس کردید تخصص مهندسی می تواند در جنگ هم کاربرد داشته باشد؟

در دوره دانشجویی، دوباره به منطقه اعزام شدم و



در بخش مهندسی رزمی فعالیت کردم. بعدها به دلیل جراحت متعدد، از آنجا که دیگر امکان حضور مستمر در واحدهای رزمی را نداشتیم، با توجه به تخصص درسی و تسلط به زبان عربی، وارد حوزه جنگ الکترونیک شدم و تا پایان جنگ در این بخش فعالیت کردم.

این تجربه بعدها برای من جالب شد؛ زیرا وقتی به صنعت نفت آمدم، متوجه شدم بسیاری از مفاهیمی که در جنگ با آنها روبه رو بودم، به شکل دیگری در صنعت نفت هم وجود دارد؛ یعنی کار تخصصی، کار گروهی، حساسیت تجهیزات و ضرورت حفظ یک مجموعه در شرایط بحرانی.

قصه شما با حضور در عملیات مختلف و مجروح شدن آن تمام نمی شود؛ زیرا مدتی راهم اسیر بودید. از آن دوران و اینکه چند سال طول کشید، برایتان بگویید؟

اسارت من به پس از جنگ تحمیلی یعنی سال ۱۳۶۹ (در جریان حوادث بعد از جنگ خلیج فارس) باز می گردد. در آن زمان، به همراه تعدادی از همزمانم در عراق اسیر شدیم. گروهی ۴۸ نفره که مدتی طول کشید تا اسم من به عنوان اسیر جنگی ثبت شود.

خالد واحدی، نفر نشسته در سمت چپ



حدود سه سال در شرایط بسیار دشوار و نامشخصی به سر بردیم و پس از آن وارد اردوگاه اسرای جنگی شدیم. این اسارت هفت سال و سه ماه طول کشید تا اینکه در ۱۷ فروردین ۱۳۷۷ به میهن بازگشتم.

تخصص و حرفه شما خارج از فضای جنگ چه بود؟

من در شرکت لوله سازی اهواز فعالیت می کردم. کار در این شرکت که قبل از خصوصی شدن، یکی از زیرمجموعه های شرکت ملی نفت ایران محسوب می شد، برایم بسیار جذاب بود؛ زیرا لوله سازی فقط یک کارخانه تولیدی نبود؛ بخشی از تاریخ صنعت و حتی تاریخ دفاع مقدس را هم با خود داشت.

منظورتان نقش لوله سازی در دوران جنگ است؟

بله. یکی از خاطرات مهمی که همیشه برای من جذاب بوده، نقش لوله های تولید شده در لوله سازی پروژه پل فاو است. در عملیات فاو، عبور از اروند و پشتیبانی از نیروها یکی از مسائل مهم بود. عرض رودخانه در آن منطقه به بیش از ۸۰۰ متر می رسید و جزر و مد و جریان آب شرایط دشواری ایجاد می کرد. برای عبور تجهیزات و پشتیبانی نیروها، یک راهکار مهندسی لازم بود. لوله های با قطر زیاد مثل لوله های ۵۶ اینچ، در ساخت این سازه مورد استفاده قرار گرفتند. اینجا بود که من از نزدیک متوجه شدم یک کارخانه صنعتی که شاید در ظاهر فقط یک واحد تولیدی بود، چگونه می تواند

زیادی به اقتصاد کشور وارد خواهد شد. به همین دلیل پالایشگاه ها، خطوط انتقال، تأسیسات نفتی و مناطق عملیاتی بارها مورد حمله قرار گرفتند؛ اما نکته مهم این بود که کارکنان صنعت نفت کار را متوقف نکردند و پس از هر حمله، نیروهای تعمیرات و عملیاتی، تأسیسات را دوباره به مدار باز می گردانند.

یعنی نفت در دوران جنگ، یک جبهه دیگر بود؟

بله؛ یک جبهه در خط مقدم بود و یک جبهه هم در تأسیسات نفتی. یعنی کارکنان صنعت نفت هم در تأسیسات زیر بمباران به بازسازی و حفظ تولید می پرداختند و هم به جبهه می رفتند و اسلحه به دست می گرفتند. برای همین وقتی بعدها خودم وارد صنعت نفت شدم، احساس نکردم وارد یک مجموعه غریبه شده ام. من جنگ را دیدم و سپس وارد بخشی از مجموعه ای شدم که در دوران جنگ باید چرخ اقتصاد کشور را می چرخاند.

بعد از لوله سازی اهواز به شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب منتقل شدید. تجربه کار در این مجموعه چه تفاوتی با کار در لوله سازی اهواز داشت؟

در سال ۱۳۸۵، پس از واگذاری لوله سازی به بخش خصوصی، به شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب منتقل شدم و فعالیت خود را در آنجا ادامه دادم. کار در این شرکت، فصل دیگری از زندگی حرفه ای من بود؛ مجموعه ای بزرگ با تأسیسات گسترده و نیروهایی که در شرایط سخت عملیاتی کار می کردند. فاصله زیاد تأسیسات از هم، تجهیزات حساس و شرایط خاص عملیاتی، مواردی بود که کار را حساس و متفاوت می کرد. آنجا بیشتر از همیشه متوجه شدم که تولید

کارکنان صنعت نفت هم در تأسیسات زیر بمباران به بازسازی و حفظ تولید می پرداختند و هم به جبهه می رفتند و اسلحه به دست می گرفتند

نفت، حاصل کار یک نفر یا یک واحد نیست؛ بلکه نتیجه کار یک زنجیره بزرگ انسانی است.

بعد از این همه سال، وقتی به مسیر زندگی تان نگاه می کنید، چه ارتباطی میان جنگ و نفت می بینید؟

برای من این دو از هم جدا نیستند. جنگ بخش بزرگی از دوران جوانی ام بود و صنعت نفت بخش بزرگی از زندگی کاری ام را ساخت.

در جنگ، با چشم دیدم که کشور برای حفظ استقلال چه هزینه ای می پردازد و فهمیدم یکی از مهم ترین پایه های استادگای کشور، همین صنعت نفت است. از خرمشهر و جبهه شروع کردم، سال ها اسیر بودم و بعد به صنعت نفت برگشتم. شاید اگر بخواهم همه این سال ها را در یک جمله خلاصه کنم، می توانم بگویم هر جا بودم، چه در جبهه و چه در صنعت نفت، یک موضوع مشترک وجود داشت: آدم هایی که در شرایط سخت، کارشان را رها نکردند.

رزمنده‌ای که سنگرش
خط مقدم نفت شد

مردان خاکریز خدمت



مشعل | جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران، برای غلامعلی رضایی تنها خاطره‌ای دور از سال‌های جوانی نیست؛ بخشی از زندگی اوست که در میان واژگان ایثار، مقاومت و رفاقت نفس می‌کشد. او از ۱۷سالگی در پایگاه بسیج حضور داشت و از سال ۱۳۶۲ راهی جبهه شد؛ از خیبر و طلائیه گرفته تا پاسگاه زید و بدر، چهار عملیات را تجربه کرد و در عملیات بدر مجروح شد. پس از بازگشت از جبهه، مسیر زندگی‌اش به صنعت نفت پیوند خورد؛ جایی که بار دیگر در خط مقدم ایستاد و امروز رضایی پس از ۳۸ سال خدمت، خود را وامدار همان روزهای سخت و مردان بی‌ادعای خاکریز می‌داند.

روایت رزمندگان دوران دفاع مقدس، قابی‌هایی مملو از خاطرات است؛ قاب‌هایی زیبا از آزمون و انتخاب نهفته آن دوران؛ از شب‌های پراشتهاب عملیات و لحظه‌های نفسگیر تار و پاریابی با آتش، مجروحیت و وداع با یاران. خاطرات غلامعلی رضایی، تصویری نزدیک از نسلی ارائه می‌دهد که در سخت‌ترین شرایط، مسئولیت را بر آسایش ترجیح و بعدها همان روحیه را در میدان کار و خدمت نیز ادامه داد. رضایی که متولد اهواز و بازنشسته شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و ۳۸ سال عمر حرفه‌ای خود را در صنعت نفت گذرانده است، می‌گوید: بخشی از خاطرات ماندگار زندگی‌ام به سال‌هایی بازمی‌گردد که نو جوان بودم و پایگاه بسیج شهرم را برای حضور در میدان دفاع ترک نمی‌کردم.

رضایی تصریح می‌کند: در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از سال ۱۳۶۲ از یکی از پایگاه‌های بسیج شوشتر عازم جبهه شدم. حضور در جبهه در مقاطع مختلف ادامه داشت و در مجموع حدود ۲۸ ماه در مناطق عملیاتی بودم.

وی از حضور در عملیات خیبر، طلائیه، پاسگاه زید و بدر نام می‌برد و می‌گوید: هریک از این عملیات، خاطرات جان‌بخشی را به یاد من می‌آورد، اما از خاطرات آن سال‌ها و روزها، خاطرات عملیات بدر

برای من ماندگارتر بوده است. این رزمنده جانباز سال‌های دفاع مقدس که در عملیات بدر بیسیم‌چی فرمانده بوده است، می‌گوید: در جریان حرکت در ابراه‌ها، قایقی که سوار بر آن بودیم، از مسیر اصلی منحرف شد و با سیم خاردار برخورد کرد؛ به طوری که به واسطه آن، پروانه قایق برای مدتی متوقف شد، اما با رفع مانع به وسیله سرنیزه کلاشینکف و استفاده از بیسیم، توانستیم دوباره به مسیر اصلی برگردیم. رضایی از شرایط سخت نیروها در ادامه عملیات بدر می‌گوید: دشمن خیلی شدید تیربار می‌زد و تک‌تیراندازها بچه‌ها را تهدید می‌کرد. در این عملیات شماری از هم‌زمان، در برابر چشمانم شهید شدند. بچه‌ها جان خود را کف دست گرفته بودند و بی‌محابا با دشمن می‌جنگیدند. در یکی از صحنه‌ها، یکی از نیروهای آربی‌جی‌زن با شجاعت به سمت سنگر دشمن دوید و آن را هدف قرار داد.

موج انفجار و مجروحیت

رضایی که در عملیات بدر بر اثر اصابت ترکش و گلوله و موج انفجار مجروح شد، تصریح می‌کند: بعد از مجروحیت، برای مداوا به پشت جبهه انتقال داده شدم؛ بیمارستان‌های اهواز پر بود از مجروحان جنگ. ترکش‌هایی زیادی در بدنم بود که خارج شده‌اند، اما آثار موج انفجار همچنان با من و به عنوان بخشی از خاطرات آن روزهای جنگ باقی مانده است. وی از عملیات طلائیه نیز به عنوان یکی دیگر از تجربه‌های سخت دوران جنگ یاد می‌کند و می‌گوید: نیروها برای آزادسازی مسیری حدود پنج کیلومتر، زیر آتش شدید دشمن قرار داشتند و دشمن با پرتاب مداوم منور، منطقه را روشن نگه داشته بود؛ به گونه‌ای که امکان تحرک را برای رزمندگان اسلام سخت و دشوار کرده بود. رضایی ادامه می‌دهد: برای یافتن نیروهای باقی‌مانده در منطقه عملیاتی طلائیه سوار بر خودرویی بودم که چند بار هدف خمپاره دشمن قرار گرفت. شدت آتش دشمن آنقدر زیاد بود که مجبور به بیرون پریدن از خودرو شدم و در کسری از ثانیه خودرو هدف خمپاره قرار گرفت.

هر رزمنده؛ یک درس

این رزمنده نفتی، فضای جبهه را مدرسه‌ای برای



غلامرضا رضایی نفر سمت راست تصویر در هورالظیم



آموختن ایثار و مسئولیت‌پذیری توصیف می‌کند و می‌گوید: از هر رزمنده، یک درس یاد می‌گرفتیم. خاطره جوان کم‌سن‌وسالی را به یاد دارم که در گرمای طاقت‌فرسای پاسگاه، از خوردن آب خنک صرف‌نظر کرده بود و آن رفتار را نمونه‌ای از خودسازی می‌دانست؛ دیدن چنین صحنه‌هایی باعث شد خود را در برابر آن جوان، بسیار کوچک ببینم. رضایی که پس از جنگ تحمیلی، مسیر زندگی‌اش با صنعت نفت گره خورده و از مهر ۱۳۶۵ به شرکت ملی نفت ایران پیوسته است، می‌گوید: در این سال‌ها، روحیه جبهه با من همراه بود. رضایی با اشاره به تأثیر سال‌های دفاع مقدس بر زندگی‌اش می‌گوید: مقاومت، ایثار و از خودگذشتگی، مهم‌ترین درس‌هایی هستند که از آن دوران به یادگار دارم؛ اگر این روحیه در زندگی اجتماعی و محیط کار نیز جاری باشد، بسیاری از مشکلات با گذشت و فداکاری قابل حل خواهد بود. او درباره ارتباط با هم‌زمان خود می‌گوید: هنوز با گذشت سال‌ها از دفاع مقدس، با هم‌زمانی از آن روزهای جنگ و ایثار ارتباط دارم، این ارتباطات همچنان ادامه دارد و جمع‌های دوستانه رزمندگان در فواصل مختلف برگزار می‌شود.

وی خطاب به نسل جوان و کارکنان صنعت نفت تأکید کرد: همان‌گونه که نفت در دوران جنگ، یکی از مهم‌ترین سنگرهای اقتصادی کشور بود، امروز نیز کارکنان این صنعت باید با دانش روز، مسئولیت‌پذیری و ماندن در میدان برای پیشرفت و آبادانی ایران تلاش کنند.

جاسم زرگر، نفر دوم از سمت چپ



طناب‌ها را برای چه آورده‌ای؟ گفت: اگر در مسیر مجبور شدیم عقب‌نشینی کنیم، با این طناب‌ها پاهایمان را به هم ببندیم تا نتوانیم عقب بکشیم. این جمله برای من بسیار عجیب و تأثیرگذار بود و نشان می‌داد این افراد تا چه اندازه برای مبارزه آماده هستند.

🔥 در کنار فعالیت‌های برون مرزی، در عملیات آزادسازی خرمشهر هم حضور داشتید. در این باره توضیح می‌دهید؟
من در عملیات بیت‌المقدس حضور داشتم. آن زمان نیروهای مختلف نظامی در کنار هم فعالیت می‌کردند. از محورهای مختلف پیش‌رفتیم و در نهایت به خرمشهر رسیدیم. وقتی خبر آزادسازی خرمشهر رسید و وارد مسجد جامع شدیم، احساس کردیم یک اتفاق تاریخی رخ داده است. آن روز برای همه ما فراموش‌نشدنی است.

🔥 چه خاطراتی از صنعت نفت و جنگ دارید؟
در سال‌های پایانی جنگ، در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در بخش پدافند غیرعامل و حفاظت از تأسیسات فعالیت کردم. یکی از مأموریت‌های مهم ما حفاظت از چاه‌های نفت در مناطق نزدیک به خط مقدم بود. در یکی از این مأموریت‌ها، یک چاه نفت در منطقه دهلران در معرض خطر قرار داشت؛ چاهی که از اهمیت زیادی برخوردار بود و اگر آسیب می‌دید، خسارت سنگینی به تولید نفت و تأسیسات وارد می‌شد. منطقه نیز به شدت مین‌گذاری شده بود و امکان حرکت عادی وجود نداشت.

🔥 یکی از بخش‌های مهم خاطرات شما، مأموریت در قراگاه رمضان است. چگونه وارد این مجموعه شدید؟

در سال ۱۳۶۳ به قراگاه رمضان دعوت شدم و در آنجا با شهید اسماعیل دقایقی، شهید صدرالله فنی، سردار احمد فروزنده و شهید حمید تقوی آشنا شدم. شهید دقایقی پس از صحبت، پیشنهاد حضورم در مجموعه‌ای را مطرح کرد که در حوزه فعالیت‌های برون مرزی بود. در آن زمان هنوز تشکیلات به گستردگی سال‌های بعد نبود و تعداد نیروها محدود بود. مأموریت ما بیشتر به شناسایی جمع‌آوری اطلاعات و ارتباط با نیروهای مخالف رژیم صدام مربوط می‌شد.

🔥 ارتباط با نیروهای عراقی چگونه بود؟
خیلی از آنها از نظر اعتقادی و فکری به ما نزدیک بودند. بعضی از آنها خانواده‌هایشان در عراق حضور داشتند و برای انجام مأموریت به مناطق مختلف می‌رفتند و برمی‌گشتند. به یاد دارم یکی از همین نیروها از مأموریتی برگشت و با خود ۲۱ طناب باریک آورده بود تا بین بچه‌ها تقسیم کند. پرسیدم: این بخشی از سرمایه کشور آسیب می‌بیند.

از عملیات برون مرزی تا
صیانت از شریان‌های
انرژی کشور

تاسیسات نفتی هم سنگر ما بود



مشعل | جاسم زرگر، جانباز ۷۰ درصد دفاع مقدس است که پنج بار مجروحیت در عملیات مختلف را تجربه کرده است. او از نخستین سال‌های جنگ تحمیلی به جبهه رفت و در عملیات مختلف حضور داشت. بخش مهمی از خاطرات او به مأموریت شناسایی در خاک دشمن، همکاری با نیروهای بومی مخالف رژیم صدام و ورود به صنعت نفت و حضور در پدافند غیرعامل و حفاظت از تأسیسات نفتی دوران جنگ مربوط می‌شود. او در گفت‌وگو با خبرنگار ماهنامه "مشعل" به بازگویی این رویدادها پرداخته است.

🔥 شما در جبهه غرب مجروح شدید. این مجروحیت در کدام عملیات و چگونه اتفاق افتاد؟

در یکی از مأموریت‌ها در منطقه حلبچه (غرب کشور)، نیروهای ما برای انجام عملیات آماده می‌شدند. صبح زود هواپیماهای عراقی منطقه را بمباران کردند که در اثر این حمله، به شدت مجروح و برای مدتی بیهوش شدم. شرایط بسیار سختی بود و تصویری که درم دیدم زنده نمی‌مانم. در نهایت به بیمارستان توحید سندنج انتقال یافتیم و تحت عمل جراحی قرار گرفتیم. آسیب زیادی دیده بودم و مدتی طول کشید تا بتوانم دوباره صحبت کنم و به شرایط عادی بازگردم. آن حادثه برای همیشه در ذهن من ماندگار شد.

🔥 بعد از جانبازی، ارتباطات با صنعت نفت چگونه ادامه پیدا کرد؟

با وجود مجروحیت، کار را رها نکردم. من از نیروهای جانباز صنعت نفت هستم و تلاش کردم همچنان در کارهای فنی و اجرایی حضور داشته باشم. آن زمان امکانات و شرایط مانند امروز نبود؛ اما بچه‌های جانباز هم تا جایی که توان داشتند، در مجموعه نفت تلاش می‌کردند. افتخارم این است که هم در دفاع از کشور حضور داشتم و هم پس از آن توانستم در صنعت نفت، برای حفاظت از تأسیسات و سرمایه‌های کشور فعالیت کنم. اگر بخواهم یک جمله بگویم، این است که نفت و دفاع مقدس، برای نسل ما ۲ مسیر جدا از هم نبودند؛ در بسیاری از روزهای جنگ، تأسیسات نفتی هم بخشی از همان جبهه بود و کارکنان نفت نیز رزمنده این جبهه محسوب می‌شدند.

خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان
از دل تلاش تا اوج پایداری می درخشد

بر فراز بلوط‌های زاگرس

مهناز محمدی | برای تهیه گزارش از فعالیت‌های کارکنان شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان، راهی این منطقه شدم. پس از عبور از مسیرهای سخت گذر در گستره جغرافیایی لرستان، با صحنه‌ای ایشاگرانه از تلاش کارکنان شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان روبه‌رو شدم که با تعهد شبانه‌روزی، مسئولیت صیانت از شریان‌های انتقال انرژی را به عهده دارند؛ مردان و زنانی که بی‌وقفه جریان امن و پایدار انرژی کشور را تضمین می‌کنند و این مرابه نوشتن تکلیف می‌کند.

این گزارش ادای دینی است به تلاشگران، مردان و زنان بی‌ادعادر شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان که به این خاک و وطن خدمت صادقانه می‌کنند.

گاهی برخی مشاغل انقدر بی‌صدایی حاشیه‌اند که عظمتشان در هیاهوی روزمره گم می‌شود. صنعت نفت، اما ستون فقرات اقتصادی کشور است و در دل این صنعت، کارکنان شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، نگهبانان خاموش شریان‌های حیاتی کشور هستند.

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان با تکیه بر تخصص و تعهد نیروهایش، بی‌وقفه در حال پاسداری از جریان پایدار انرژی است. در منطقه انتقال نفت شهید سیفی (آسار)، همچنین انتقال نفت شهدای تنگ فنی، با کارکنانی گفت‌وگو کردم که هر کدامشان روایتگر بخشی از یک حماسه خاموش بودند. در نگاه‌شان چیزی فراتر از انجام یک وظیفه‌اداری دیده می‌شد؛ نوعی دل‌بستگی عمیق به کار، به مسئولیت و به وطنی که امنیت انرژی‌اش به دست آنان سپرده شده است. با وجود کسالتی که داشتیم، نتوانستم چشمانم را به روی این همه تلاش بی‌وقفه ببندم. وقتی می‌دیدم کارکنان در سرما و گرما، در سکوت و دور از نگاه‌ها، مسئولیت انتقال ایمن نفت را بر دوش دارند، خستگی و کسالتی در برابر اراده آنان رنگ می‌بخت. دیدار با مدیر شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان، تصویری روشن‌تر از این تلاش جمعی به من داد؛ مدیری که با نگاه دقیق و در عین حال صمیمی، از اهمیت هماهنگی، آموزش مستمر و روحیه تیمی سخن می‌گفت. او تأکید می‌کرد که اگر امروز انتقال پایدار و ایمن نفت در این مناطق برقرار است، نتیجه کار شبانه‌روزی مجموعه‌ای است که هر عضو آن، خود را مسئول امنیت و آرامش مردم می‌داند.

در میان مصاحبه‌شوندگان، گفت‌وگو با دو بانوی موفق این منطقه، جلوه‌ای دیگر از پیشرفت و توانمندی را به تصویر کشید. زنانی که با تخصص، اعتماد به نفس و تعهد مثال‌زدنی، در بخش‌های فنی و مدیریتی نقش‌آفرینی می‌کنند و نشان داده‌اند که صنعت نفت، عرصه‌ای برای درخشش همه فرزندان این سرزمین است. آنها از چالش‌ها گفتند، از سختی‌ها، اما بیش از همه از عشقی سخن گفتند که به کارشان دارند؛ عشقی که خستگی را کم‌رنگ و انگیزه را پررنگ‌تر می‌کند.

اما شاید تکان‌دهنده‌ترین روایت را در تنگ فنی شنیدم. در راه بازگشت متوجه شدم یکی از کارکنان این مرکز، با آنکه مشکل قلبی‌برایش پیش آمده و شبانه به بیمارستانی در پلدختر اعزام شده بود، تنها پس از یک یا دو ساعت بستری، وقتی پزشک قصد داشت او را برای ادامه درمان به بیمارستانی مجهزتر در خرم‌آباد منتقل کند، نپذیرفته بود. او با همان بهبود نسبی، مرکز درمانی را ترک کرده و دوباره راهی مرکز انتقال نفت شده بود تا در کنار همکارانش باشد. این همه از خودگذشتگی را کجای می‌توان دید؟ این همان افتخار صنعت نفت است؛ افتخار به کارکنانی با غیرت و جان‌برکف که مسئولیت را بر آسایش شخصی برتری می‌دهند. وقتی از تنگ فنی بیرون آمدم، بیش از هر زمان دیگری فهمیدم چرا پرچم کارکنان صنعت نفت همیشه بالاست. این پرچم با شعار بالا نرفته است؛ با عرق جبین، با شب‌بیداری‌ها، با دل‌نگرانی‌های پنهان خانواده‌ها و با عشق به ایران برافراشته مانده است.

این گزارش تنها گوشه‌ای از تلاش‌های آنان را با زو می‌کند؛ تلاشگرانی که شاید نامشان کمتر شنیده می‌شود، اما اثر کارشان در زندگی تک‌تک ما جاری است. شریان‌های نفتی که بی‌وقفه می‌تپند، نتیجه غیرت، تخصص و عشقی است که در دل این مردان و زنان موج می‌زند و من با تمام وجود باور دارم که اگر این سرزمین استوار ایستاده، به دلیل همین تپش‌های پنهان، اما پرقدرت در امتداد لوله‌های نفت است.

آنچه در این سفر دیدم، فقط یک گزارش کاری نبود؛ رویارویی با نسلی از خدمتگزاران بود که از راننده تا مدیر، همه دلشان برای وطن می‌تپید. اگر امروز شریان‌های نفتی کشور بی‌وقفه می‌تپد، به حرمت دل‌هایی است که بی‌ادعا و استوار، برای سرپلندی ایران می‌تپند.

ایستاده در کنار توربین‌ها



در هوای پاییزی این روزها، اتاق‌های کنترل و ایستگاه‌های بهره‌برداری نیز حال‌وهوایی دیگر دارند؛ جایی که در کنار تابلوهای برق و صدای یکنواخت توربین‌ها، زندگی و کار به شکلی پیوسته در جریان است. در چنین فضایی پای صحبت‌های اسدالله کلانتر، مدیر شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان نشستیم؛ مدیری با ۲۹ سال سابقه خدمت در صنعت نفت که نامش با دانش فنی توربین‌ها، ابتکارهای ماندگار و تعهدی مثال‌زدنی گره خورده است.



میان خانه و خانواده دوم

کلانتر با آرامش خاصی از کار در صنعت نفت می‌گوید: مادر صنعت نفت دو نوع کار داریم؛ همکاران روزگار و نیروهای شیفته‌ای که در مراکز انتقال نفت مشغول خدمت‌اند. اینجا کار متوقف نمی‌شود و همکاران در هر شرایطی کنار هم می‌مانند، کار را پیش می‌برند و وظیفه‌شان را انجام می‌دهند. او با بیان اینکه برای مدیران این مجموعه، تعطیلی همیشه معنای ثابتی ندارد، تأکید می‌کند: ممکن است روزگار باشی، اما

همان لحظه تماس بگیرند که خطی دچار مشکل شده. باید بروی. این موضوع بعد از حدود ۲۹ سال برای خانواده هم عادی شده است. صنعت نفت، خانواده دوم ماست. وقتی از او درباره دوری از خانه در لحظه‌های حساس کار می‌پرسیم، صادقانه پاسخ می‌دهد: طبیعی است که آدم دوست دارد آن لحظه کنار خانواده‌اش باشد. اگر بگوییم بهترین حالت است که سر کار باشیم، شاید واقعیت را نگفته باشیم. اما وقتی کنار همکاران هستی و می‌بینی آنها هم وظیفه‌شان را انجام می‌دهند، یک حس همدلی ایجاد می‌شود. اینکه مدیر در خانه نباشد و کنار نیروها بایستد، انرژی مثبتی هم به آنها و هم به خودمان منتقل می‌کند. در منطقه لرستان، سنتی قدیمی برقرار است؛ مدیران با سرکشی میدانی، همراهی خود را با نیروهای عملیاتی نشان می‌دهند. کلانتر می‌گوید: در اتاق‌ها یکی یکی می‌زنیم، به مراکز انتقال نفت می‌رویم و به همکاران بهره‌بردار خداقوت می‌گوییم. این رسم شاید ساده به نظر برسد، اما تأثیرش عمیق است. دیده‌شدن تلاش همکاران، بزرگ‌ترین تشویق است.

از سرمای کار تا گرمای مسئولیت

حدود سه دهه کار در صنعت نفت، برای کلانتر خاطراتی تلخ و شیرین به همراه داشته است. از او می‌خواهیم یکی از تجربه‌های متفاوتش را روایت کند. مکثی می‌کند و می‌گوید: یک بار حوالی خرم‌آباد

کنار خانواده بودیم که تماس گرفتند؛ خطی در جنوب دچار نشتی شده است. همان لحظه با خانواده خداحافظی کردم و راه افتادم. کار تا شب طول کشید. سرمای شدیدی بود، حتی لباس کاری که برایم گذاشته بودند، باد برده بود داخل جدول. اما باید کار انجام می‌شد. خودم هم دست به کار شدم. همان جا ماندیم تا خط روشن شد. شاید سختی‌اش زیاد بود، اما وقتی خط به مدار برگشت، حس رضایتش از هر چیز دیگری شیرین‌تر بود. او سختی‌ها را بخشی جدایی‌ناپذیر از حرفه خود می‌داند: کار ما همیشه با چالش همراه است، اما همین چالش هاست که آدم را می‌سازد.

از توربین‌های ایتالیایی تا پیشنهاد انگلیسی

شهرت کلانتر به «پدر توربین ایران» بی‌دلیل نیست. او سال‌ها در حوزه تعمیر، راه‌اندازی و رفع اشکال توربین‌های صنعتی فعالیت کرده و ابتکارهایش به ثبت ملی رسیده است.

روایت یکی از مهم‌ترین تجربه‌هایش به توربین‌های ساخت ایتالیا بازمی‌گردد. او در این زمینه می‌گوید: توربین‌هایی وارد کشور شده بود که قرار بود کارشناسان خارجی برای نصب و راه‌اندازی بیایند. اما تحریم‌ها شدت گرفت و نیامدند. توربین مدت‌ها معطل مانده بود. تصمیم گرفتیم با تکیه بر توان داخلی، کار را انجام دهیم. نصب و راه‌اندازی توسط همین کارکنان منطقه انجام شد. بعدها که



کارشناسان خارجی آمدند، از کیفیت اجرا شگفت‌زده شدند. او حتی به بازدید از یک شرکت انگلیسی و ایتالیایی نیز دعوت شده است؛ برای بازدید فنی به یک شرکت سازنده توربین در ایتالیا رفته بودیم. وقتی در حین بررسی توربین‌ها به معایب آن توربین‌ها اشاره کردم، ایتالیایی‌ها انگشت به دهان مانده بودند و برایشان بسیار تعجب برانگیز بود که این توربین دچار نقص فنی است. وقتی به تهران آمدم، برایم دعوت نامه‌ای فرستاده بودند و مرا دعوت به کار کردند و حتی پیشنهاد دادند که تمام امکانات را برای خانواده‌ام هم در آن کشور فراهم می‌کنند. انگلیسی‌ها هم وقتی برای بازدید از یک توربین به دفتر کارشان رفته بودم، وقتی با معایب توربین مورد نظر آشنا شدند، تعجب کردند. آنها هم مرا دعوت به کار کردند و پیشنهاد همکاری دادند. هر دو شرکت، یکی انگلیسی و دیگری ایتالیایی، مرا دعوت به کار کردند، اما من ماندن را انتخاب کردم. اعتقادم این بود که این دانش باید در کشور خودمان بومی شود.

شش اختراع با صرفه جویی‌های ارزی

کلانتر تاکنون شش اختراع ثبت شده در حوزه تجهیزات دوار و توربین‌ها دارد. یکی از مهم‌ترین آنها مربوط به کاهش مصرف روغن توربین‌های وارداتی است. او می‌گوید: توربین‌های ایتالیایی یک اشکال کارخانه‌ای داشتند و مصرف روغنشان بالا بود. طرح

ابتکاری ارائه دادم که پس از اجرا، مصرف تا ۸۰ یا ۹۰ درصد کاهش پیدا کرد. این اولین بار بود که چنین تغییری در کشور انجام می‌شد. اوبه مشکل لرزش در برخی توربین‌های سولار نیز اشاره می‌کند: کارشناسان خارجی حتی از فرانسه آمدند، قطعه‌ای ساختند و فرستادند، اما مشکل کاملاً رفع نشد. به نظرم رسید اشکال از جای دیگری است. آن را بررسی و با کمترین هزینه، ریشه مشکل را برطرف کردم. الان سال‌هاست بدون آن لرزش توربین‌ها کار می‌کنند. به گفته همکاران شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان، این ابتکارها صرفه جویی‌های چند هزار میلیاردی برای صنعت نفت به همراه داشته است؛ نمونه‌ای روشن از پیوند دانش فنی و تعهد ملی.

مسئولیت کاری، امانت است

وقتی از او می‌پرسیم چه چیزی این سطح از تعهد را شکل داده، پاسخ می‌دهد: عرق کاری ذاتی است. من نمی‌توانم از کنار اشکال بگذرم، حتی اگر مربوط به حوزه من نباشد. حس می‌کنم مسئولم. بالاخره از این مجموعه حقوق می‌گیریم، باید اثرگذار باشیم. او مسئولیت مدیریتی را امانتی می‌داند و در این زمینه می‌گوید: یک بخشی از این مملکت دست ما سپرده شده است. فردا باید پاسخ بدهیم چه کردیم. مهم این است که پیش خودت و خدای خودت راضی و مفید باشی.

تخصص داریم؛ کار تیمی را تقویت کنیم

کلانتر در کنار تأکید بر تخصص فردی، به یک خلا جدی اشاره می‌کند: ما متخصص کم نداریم. هر کدام از نیروهای ما اگر به خارج بروند، درآمد هستند. اما کار تیمی باید تقویت شود. نباید کار دیگران را به نام خود مصادره کنیم. باید یاد بگیریم نتیجه واحداً فکرها را متعدد بگیریم.

او معتقد است این فرهنگ باید از مدرسه آغاز شود. در کشورهای پیشرفته، از همان ابتدا کار گروهی آموزش داده می‌شود. اگر این حلقه تقویت شود، ظرفیت علمی کشور چند برابر خواهد شد. او در پایان، از بازتاب رسانه‌ای و تلاش کارکنان قدردانی می‌کند و می‌گوید: وقتی خبرنگاری از تهران می‌آید و در این نقطه دورافتاده با همکاران بهره‌بردار صحبت می‌کند، آنها احساس ارزشمندی می‌کنند. این تشویق شاید از پاداش مالی هم اثرگذارتر باشد. در صنعت نفت، دوری از خانه و ایستادن پای مسئولیت،

ما متخصص کم نداریم. هر کدام از نیروهای ما اگر به خارج بروند، درآمد هستند. اما کار تیمی باید تقویت شود. نباید کار دیگران را به نام خود مصادره کنیم. باید یاد بگیریم نتیجه واحد از فکرها را متعدد بگیریم



نفت نعمت ماست قدردان آن باشیم



مرجان حمیدوند، از مسیر جذب نخبگان در سال ۱۳۸۹ به خانواده صنعت نفت پیوست. نخستین ایستگاه خدمت او، پالایشگاه کرمانشاه بود و پس از دو سال، به دلیل شرایط زندگی به شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه لرستان منتقل شد. در سال ۱۳۹۷ نیز به شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران آمد و امروز به عنوان رئیس امور مالی و عامل حساب شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان مشغول خدمت است.

او دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت مالی از دانشگاه الزهرا(س) تهران است و هر دو مقطع تحصیلی خود را با رتبه ممتاز به پایان رسانده است. پیش از ورود به صنعت نفت نیز از سال ۱۳۸۷ به عنوان مدرس در دانشگاه‌های دولتی لرستان، همدان و رباط کریم فعالیت داشته و مقالات متعددی در مجلات داخلی و خارجی منتشر کرده است.

قلب مالی در شاهراه انرژی

تمام هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری، از پرداخت پیمانکاران تا انعکاس در صورت‌های مالی، از مسیر واحد مالی عبور می‌کند؛ واحدی که با وجود دو پست خالی سازمانی، تنها با ۱۰ نیرو فعالیت می‌کند. حجم گردش مالی این منطقه نشان از فعالیت‌های گسترده در آن دارد. در حوزه تحصیل اراضی نیز، فعالیت‌ها چشمگیر است؛ به گونه‌ای که تنها در دی‌ماه سال گذشته، برای پروژه خط لوله ۲۶ اینچ لوپ تهران - جنوب در محدوده حوزه استحفاظی منطقه لرستان، مبالغی برای پرداخت به ۵۵ کشاورز در نظر گرفته شده است تا اسناد مالکیت به نام شرکت منتقل شود. بودجه سالانه منطقه هر سال متناسب با نرخ تورم و افزایش هزینه‌ها رشد می‌یابد. در کنار این ارقام، پیچیدگی سامانه‌های نوین مالیاتی و بانکی، حجم کار واحد مالی را دوچندان کرده است.

تلاش بدون تعطیلی

برای کارکنان عملیاتی صنعت نفت، تلاش مفهومی متفاوت دارد. حمیدوند می‌گوید: «هر لحظه در منطقه حضور داریم. حتی در ایام تعطیلات نیز در دسترس هستیم و اگر حادثه‌ای برای خط یا تأسیسات رخ دهد، باید برای تأمین و پرداخت هزینه‌ها در محل حاضر شویم.



او خاطره سیل سال ۱۳۹۸ را به یاد می‌آورد؛ زمانی که مسیر دسترسی به مرکز انتقال نفت افرینه قطع شد و بخشی از حصار تأسیسات آسیب دید. با وجود روزهای تعطیل، همکاران مالی در کنار سایر واحدها در منطقه حضور یافتند تا عملیات بدون وقفه ادامه یابد.

انگیزه‌ای فراتر از مرزها

مرجان حمیدوند خود را دبسته کار و تحصیل می‌داند و می‌گوید: از کودکی به کار و پیشرفت علاقه‌مند بودم. برایم تفاوتی ندارد که یک خانم هستم؛ اگر لازم باشد ۱۰ برابر تلاش می‌کنم. خستگی ناپذیرم و دوست دارم در کنار همکاران مرد، حتی فراتر از آنها فعالیت کنم. او در عین حال بر ضرورت توجه بیشتر به بانوان شاغل در مناطق عملیاتی تأکید می‌کند و می‌گوید: وقتی سازمان تلاش و تعهد کارکنان را ببیند و قدر بداند، انگیزه‌ها چند برابر می‌شود.

نخستین بانوی رئیس مالی منطقه

یکی از نقاط درخشان کارنامه او، نخستین بانویی است که از زمان راه‌اندازی شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران تاکنون، مسئولیت ریاست مالی یک منطقه را به عهده گرفته است؛ افتخاری که با کدستی و سلامت اداری همراه بوده است. او با تأکید بر اهمیت سلامت مالی می‌گوید: در واحد مالی، سلامت اداری اصل اساسی است. خدا

زن و مرد در انجام وظایف سازمانی تفاوتی ندارند



در سالی که گذشت، تلاش‌های پیگیرانه برای تقویت بنیان خانواده و ارتقای جایگاه بانوان در شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان، جلوه‌ای روشن از همدلی سازمانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به نمایش گذاشت؛ روایتی از تعهدی دوگانه در محیط کار و کانون خانواده که نویدبخش افقی روشن در سال نو است.



ورزشی داخلی و رقابت‌های وزارت نفت، از مهم‌ترین آنهاست. دالوند برگزاری کلاس‌های آموزشی در حوزه مسائل و بیماری‌های ویژه بانوان برای همسران کارکنان، برپایی موکب پذیرایی از زائران حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، برگزاری مراسم مذهبی، جشن اعیاد، محفل انس با قرآن در ماه مبارک رمضان و مشارکت در راهپیمایی‌ها، همچنین برگزاری اردوها و گشت‌های خانوادگی در سطح استان را نیز دیگر فعالیت‌های مربوط به امور بانوان و خانواده در شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان برشمرد. وی افزود: این اقدام‌ها، تنها برنامه‌هایی مناسبتی نبودند؛ بلکه تلاشی هدفمند برای تقویت سرمایه اجتماعی سازمان، ایجاد نشاط جمعی و برقراری تعادل میان زندگی حرفه‌ای و خانوادگی کارکنان به شمار می‌روند.

دالوند توضیح داد: در انجام وظایف سازمانی، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و زنان همپای همکاران مرد، مسئولیت‌پذیر و متعهدانه ایفای نقش می‌کنند. افزون بر این، بخش قابل توجهی از مسئولیت‌های خانواده و تربیت فرزندان به



عهده آنان است؛ نقشی اثرگذار که سلامت جسمی و روحی بانوان را به‌طور مستقیم با کیفیت عملکرد سازمانی پیوند می‌دهد. بی‌تردید، بدون تلاش و همراهی بانوان، شکل‌گیری خانواده‌ای سالم و شاد و تحقق سیاست‌های جوان‌سازی جمعیت امکان‌پذیر نخواهد بود. تحقق عدالت در محیط کار، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌آید و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های این عدالت، برخورداری برابر از حقوق و مزایا در قبال ماهیت یکسان کار و مسئولیت آنهاست که از جمله می‌توان به پرداخت کمک هزینه‌هایی همچون حق مسکن، عیدی،

پاداش‌های مناسبتی و سرانه ورزش برای بانوان، همانند همکاران مرد، اصلاح قانون بازنشستگی بانوان با کمتر از ۳۰ سال سابقه بیمه، همچنین امکان استفاده از بیمه درمانی برای فرزندان کارکنان زن که فاقد پوشش بیمه‌ای هستند، بهره‌مندی همسر و فرزند کارکنان زن شاغل از بیمه تکمیلی و اصلاح مقررات مرتبط با فوت کارکنان زن و برخورداری خانواده آنان از حقوق و مزایای

مستمری پس از فوت اشاره کرد. وی تصریح کرد: سرمایه انسانی، بزرگ‌ترین دارایی صنعت نفت است و توجه به کرامت، امنیت خاطر و رضایتمندی کارکنان به‌ویژه بانوان، زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری، همدلی و پویایی سازمان خواهد بود. دالوند در پایان اشاره کرد: امید می‌رود با تداوم این رویکرد حمایتی و عدالت‌محور، آینده‌ای از نشاط، آرامش و شکوفایی برای خانواده بزرگ صنعت نفت در لرستان رقم بخورد و آن روزها، تلاش‌های بانوان دیده و به شایستگی پاس داشته شود.



سرمایه انسانی، بزرگ‌ترین دارایی صنعت نفت است و توجه به کرامت، امنیت خاطر و رضایتمندی کارکنان به‌ویژه بانوان زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری، همدلی و پویایی سازمان خواهد بود

بهداشت و درمان صنعت نفت با اجرای خدمات مراقبت بیمارمحور رضایت‌مندی بیماران را افزایش داده است

پایش پس از ترخیص



مشعل | در مسیر درمان، گاهی آنچه بیش از هر دارو و تجهیزاتی آرامش می‌بخشد، احساس دیده شدن، شنیده شدن و احترام است؛ احساسی که می‌تواند با یک تماس ساده از بیمارستان با بیمار ترخیص شده حاصل شود و این موضوع را در ذهن او تداعی کند که فقط یک پرونده پزشکی یا تخت نبوده و مراقبت‌های درمانی به لحظه ترخیص ختم نمی‌شود؛ بلکه حمایتگران تا بازگشت به زندگی عادی، همراه او هستند. تماس‌های امیدبخشی که چند سالی است سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت با هدف بهینه‌سازی خدمات درمانی، مراقبت‌های بهداشتی و به طور کلی نظام درمانی، آن را در قالب طرح "پایش خدمات مراقبت بیمارمحور" راه‌اندازی کرده و برابر داده‌های به دست آمده، این رویکرد باعث کوتاه شدن طول درمان، افزایش میزان رضایت‌مندی، کاهش خطای پزشکی و بسیاری موارد دیگر شده است.

برای واکاوی این طرح و تأثیر آن در شاخص بهبود بیماران، خبرنگار "مشعل" با محمدجواد کیان، رئیس بهداشت و درمان صنعت نفت تهران گفت‌وگویی انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.

طرح پایش خدمات مراقبت بیمارمحور از چه زمان و با چه هدفی در بهداشت و درمان صنعت نفت تهران آغاز شده است؟

این طرح باهدف کلی افزایش سطح رضایت‌مندی جمعیت تحت پوشش و ارتقای کیفیت ارائه خدمات سلامت، استقرار سازوکار مناسب برای سنجش و ارتقای رضایت‌مندی مراجعان از خدمات سلامت و کسب تجربه بیماران بستری در مراکز تملیکی سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت از سال ۱۴۰۲ در بهداشت و درمان



از منظر جسمی و روحی و پاسخگویی به انتظارات بیماران و مطالبات مدیران ارشد حاصل شود که خوشبختانه در همین مدت اجرا، نتایج بسیار خوبی به دست آمده است.

چه سازمان یا واحدی متولی اجرای این طرح است؟

معاونت سلامت اداره کل سلامت و تربیت بدنی به نمایندگی از شورای هماهنگی نظام سلامت کارکنان و بازنشستگان صنعت نفت، پس از ترخیص بیماران بستری در بیمارستان‌های بهداشت و درمان صنعت نفت و به منظور ارتقای کمی و کیفی ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، افزایش سطح رضایت‌مندی جمعیت هدف و بهبود عملکرد مراکز درمانی و مشارکت بیماران و خانواده آنها در ارائه خدمات، از طریق واحد نظارتی مستقر در خارج از سازمان، تجربه بیماران از خدمات بستری را به وسیله طرح پرسشنامه مورد نظارت و ارزیابی قرار می‌دهد. در اینجا ممکن است سؤال پیش بیاید که چرا تماس‌ها از سوی افراد خارج از کادر بیمارستان انجام می‌شود؟ در توضیح باید بگویم نظارت بر استقرار نظام حاکمیت بالینی به عنوان عامل اصلی در ارتقای کیفیت ارائه خدمات و مراقبت‌های درمانی در کشورهای مختلف، متفاوت است و هر کشور راهکار قانونی خاص خود را برای استقرار نظام حاکمیت بالینی به رسمیت می‌شناسد و وزارت بهداشت هر کشور، نهادهایی را در این زمینه به صورت رسمی به مراکز و سازمان‌های ذینفع معرفی می‌کند؛ اما ویژگی مشترک نهادهای ناظر بر استقرار حاکمیت

بالینی، به ویژه انجام ممیزی‌های بالینی مرتبط، رعایت اصل بی‌طرفی و نداشتن هیچگونه وابستگی به مراکز درمانی و سازمان‌هایی است که استقرار این نظام در آنها دنبال می‌شود. استانداردی که صنعت نفت هم تلاش کرده در مسیر اجرای آن گام بردارد. به همین دلیل تماس با بیمار ترخیص شده، خارج از کادر درمان انجام می‌شود.

آیا استاندارد خاصی که بهداشت و درمان صنعت نفت برای این پایش به کار گرفته، مبنای جهانی هم دارد؟

بله. در سال ۲۰۰۲ مطالعاتی در ۵ کشور سوئد، سوئیس، انگلستان، آمریکا و آلمان انجام و یک پرسشنامه کوتاه‌اصلی که بتوان از آن برای مقایسه بیمارستان‌ها و روند نظارت استفاده کرد، طراحی شد و پایایی فرم پیکر در این مطالعه مورد تأیید قرار گرفت. این پرسشنامه تنها با ۱۵ سؤال برای نظرسنجی در نظر گرفته شده که در مطالعات ملی NHS در انگلستان نیز استفاده شده است. این فرم که در کشورهای دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته و تأیید شده، از سوی بیماران بسیار سریع و آسان تکمیل و به راحتی امتیازبندی می‌شود. در بیشتر نظرسنجی‌های انجام شده، هر مرکز درمانی با توجه به سلائق و نیازهای خود اقدام به طراحی و استفاده از چک‌لیست کرده که امکان مقایسه و تعمیم عمومی را غیرممکن می‌سازد. از این رو استفاده از چک‌لیست مناسب و یکسان در بیمارستان‌ها و مراکز ارائه‌دهنده خدمات درمانی ضروری به نظر می‌رسید. بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران نیز برای بهبود وضعیت درمانی گام بلندی در اجرای طرح پایش خدمات مراقبت بیمارمحور برداشته که آن را در رده نخستین بیمارستان‌های پیشگام در به کارگیری این روش قرار داده است.

مطابق آمار، نتایجی که تاکنون از این طرح به دست آمده، چه بوده است؟

در بررسی داده‌هایی که طی این مدت زمانی به دست آمده، با بیش از ۳۱ هزار بیمار ترخیص شده تماس گرفته شده که ۶۴ درصد آنان در نظرسنجی شرکت کرده‌اند. در مورد میانگین تعداد تماس‌های ماهانه هم باید گفت که یک هزار و ۲۰۰ تماس با بیماران بستری در بخش‌های مختلف بیمارستان گرفته شده که این تماس‌ها بعد از یک هفته تا حداکثر یک ماه پس از ترخیص انجام و در آن، شاخص‌های ارزیابی تجربه بیماران بر اساس بعد اطلاعات و آموزش، هماهنگی مراقبت‌ها، آسایش جسمی، حمایت عاطفی، احترام به ترجیحات بیمار، مشارکت خانواده و دوستان و استمرار و گذار سنجیده می‌شود. ۱۵ سؤال پرسشنامه پیکر (Picker) در مدت زمان حداقل ۱۰ دقیقه و حداکثر یک ساعت از بیماران پرسیده می‌شود و در پایان نیز این امکان را دارند که آزادانه انتقاد، پیشنهاد و نظرات سازنده خود را، جدا از ۱۵ پرسش فوق بیان کنند. درباره نتایج حاصل شده هم باید گفت که میانگین رضایت بیماران در آخرین دوره ارزیابی ۸۹.۷۰ درصد بوده که بالاترین امتیاز به شاخص آسایش جسمی و پایین‌ترین امتیاز مربوط به شاخص استمرار و گذار تعلق گرفته است. مهم‌ترین دغدغه‌ها یا شکایات بیماران به کمبود نیروی انسانی متخصص، فرسودگی فضای درمانی موجود، کمبود تجهیزات پزشکی روزآمد، سایه انداختن قوانین صنعت نفت بر بخش بهداشت و درمان، تحمیل نیروهای ناکارآمد به بدنه سازمان، تناسب نداشتن خدمات بهداشتی و درمانی، به خصوص درمانی با انتظارات جمعیت تحت پوشش، محدود کردن حق انتخاب پزشک، کمبود فضای فیزیکی درمانی و ازدحام بیماران و مواردی از این دست مربوط می‌شود. در کنار این‌ها، دغدغه‌ها، بیماران مواردی را به عنوان نقاط قوت بهداشت و درمان



بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران برای بهبود وضعیت درمانی گام بلندی در اجرای طرح پایش خدمات مراقبت بیمارمحور برداشته که آن را در رده نخستین بیمارستان‌های پیشگام در به کارگیری این روش قرار داده است

صنعت نفت مطرح کرده‌اند که جای خوشحالی دارد، از جمله سلامت محور بودن و انجام توانمندسازی خدمات بهداشتی و پیشگیری و خدمات درمانی، حضور مستمر در نقاط حادثه‌خیز مناطق عملیاتی صنعت نفت، دارا بودن ویژگی‌های خاص سیستم‌های پیشرو خدمات سلامت در دنیا مانند سطح بندی خدمات، سیستم ارجاع و پزشکی خانواده، نبود ارتباط مالی بین بیمار و پزشک، نقش آفرینی در برآورده کردن انتظارات مردم بومی در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی صنعت نفت، حفظ محرمانگی اطلاعات و اسناد پزشکی کارکنان صنعت نفت و همچنین سطح دسترسی یکسان و عادلانه کارکنان در سطوح مختلف اداری و مدیریتی، به گونه‌ای که با بالاترین مقام اجرایی صنعت نفت و پایین‌ترین رتبه اداری در برخورداری از امکانات درمانی و دریافت هزینه‌های درمانی به صورت یکسان رفتار می‌شود. نتایج حاصل شده به صورت دوره‌ای به شورای سلامت برای انجام اقدامات لازم انعکاس داده می‌شود. امید که این رویکرد ارزشمند، بیش از پیش جاری شود و هر بیمار، هنگام خروج از بیمارستان، علاوه بر بهبود جسمی، خاطره‌ای از مهربانی، امنیت و اعتماد رانیز با خود به خانه ببرد.



۵۶۱ پروژه آموزشی در ۳۱ استان

به همت شرکت ملی نفت ایران

تکمیل شده است

کوله‌پشتی‌هایی
از فردا

مشعل | زردی برگ‌های درختان، کم جان شدن نور خورشید و قوت گرفتن خنکای هوا در کنار هیاهوی بازار نوشت افزار، نوید آغاز سال تحصیلی و نواخته شدن زنگ مدرسه را می‌دهند؛ آغاز فصل تازه‌ای که در آن دانش‌آموزان با کوله‌پشتی‌هایی پر از امید به فردا، به سوی ساختن آینده گام برمی‌دارند. کوله‌های رنگارنگی که صنعت نفت تلاش کرده با تکمیل پروژه‌های آموزشی مسئولیت اجتماعی، در هرچه پر محتوا شدن آن نقش برجسته‌ای ایفا کند، بنا بر گزارش مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت‌خیز، از ۲ هزار و ۸۵۸ پروژه که با اعتباری بالغ بر ۹ هزار و ۶۴۴ میلیارد تومان به بهره‌برداری رسیده، ۵۶۱ مورد آن آموزشی بوده است. این ترکیب از این نظر حائز اهمیت است که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از منابع مسئولیت اجتماعی به جای آنکه در پروژه‌های بزرگ و کم‌اثر بر زندگی روزمره هزینه شود، صرف احداث زیرساخت‌های آموزش برای فرزندان شده که قرار است روزی خودشان ادامه‌دهنده راه توسعه و آبادانی ایران باشند.

شهریورکه به روزهای پایانی می‌رسد، حال و هوای خانه‌ها هم تغییر می‌کند. بوی دفتر و کتاب تازه، جست‌وجو برای خرید کیف و کفش مدرسه و هیجان انتخاب مداد و لوازم تحریر، نشانه‌هایی هستند از اینکه فصل دیگری در راه است؛ فصلی که با صدای زنگ مدرسه آغاز می‌شود؛ اما مدرسه فقط محل آموختن درس‌های کتاب نیست؛ بلکه جایی است که در آن، آینده دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. اینجاست که مفهوم مسئولیت اجتماعی صنعت نفت، تنها در ساختن یک مدرسه یا تجهیز یک فضای آموزشی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در کنار توسعه اقتصادی، ایجاد فرصت رشد و بالندگی انسان‌ها را نیز به عهده دارد؛ هدفی که وزارت نفت دولت چهاردهم آن را در اولویت قرار داده و تلاش کرده است از میان ۲ هزار و ۸۵۸ پروژه عام المنفعه تکمیل شده‌ای که طی ۲ سال سکانداری در حوزه‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی، راه و جاده، آبرسانی، برق رسانی، طرح‌های هادی و خدماتی به سرانجام رسانده و افزون بر ۹ همت اعتبار به آنها اختصاص داده، ۵۶۱ پروژه آموزشی آن در استان‌های نفت و گاز خیز و کم برخوردار اجرا شود تا دانش‌آموزی که با کیف مدرسه وارد کلاس می‌شود، در آینده معلمی شود و نسل دیگری را آموزش دهد، پزشکی شود که به نجات جان انسان‌ها همت گمارد، یا مهندسی که پروژه‌ای بزرگ را به سرانجام رساند و یا کارآفرینی که برای جوانان دیگر فرصت شغلی بیافریند.

در میان ۳۱ استانی که مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت‌خیز به نمایندگی از شرکت ملی نفت ایران، بیشترین طرح‌های آموزشی را تکمیل کرده و به بهره‌برداری رسانده، استان‌های خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب در جایگاه‌های اول تا سوم قرار دارند که در این گزارش به آن اشاره شده است.

خوزستان با ۱۷۷ پروژه در صدر

در تقسیم بندی سهم استان‌ها از پروژه‌های آموزشی، استان خوزستان در بالای جدول

خودنمایی می‌کند. به این معنا که از ۴۵۸ پروژه عام المنفعه که به همت مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت‌خیز و با اعتبار اختصاص یافته بیش از ۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان در این استان تکمیل شده، ۱۷۷ پروژه آموزشی سهم این استان بوده است. پروژه‌هایی همچون کمک به احداث مجتمع آموزشی معلولان در اندیمشک، کمک به تکمیل یک باب فضای آموزشی در محل مسکن ۲ هزار واحدی اهواز، کمک به تخریب و بازسازی دبستان ۶ کلاسه علی افری روستای بروابه، کمک به احداث مدرسه ۶ کلاسه رودریز باغ ملک، خرید تجهیزات مدارس ناحیه یک شهرستان اهواز و مدارس شهرستان کارون و بندر ماهشهر، کمک به احداث سالن ورزشی دبیرستان ۱۲ کلاسه دکتر عادل بهبهان، کمک به بازسازی مدرسه استثنایی سروش خرمشهر، کمک به تکمیل هنرستان ۹ کلاسه ناحیه صنعتی بندرماهشهر و هنرستان ۶ کلاسه آغا جاری، کمک به خرید ۲۵۰ عدد تجهیزات برودتی (کولر ۱۸ هزار پنجره ای) برای مدارس سوسنگرد و مدارس شادگان، کمک به احداث هنرستان ۱۲ کلاسه دخترانه رامهرمز، مشارکت در تکمیل مدرسه شبانه روزی دخترانه سرای دانش روستای عشایر اندیکا و بسیاری موارد دیگر، بخشی از تلاش‌های وزارت نفت دولت چهاردهم برای نشان دادن لبخند بر لب دانش‌آموزان خوزستانی است.

لبخند؛ سهم دانش‌آموزان بوشهری

بوشهر، دیگر استانی است که در گزارش مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی در مناطق نفت‌خیز، جایگاه دوم را در تکمیل پروژه‌های آموزشی به خود اختصاص داده و دانش‌آموزان این خطه از مزو بوم با آرامش از داشتن یک حامی خوب، پا به عرصه آینده سازی می‌گذارند. شاهد مدعا، ۷۰ پروژه آموزشی از میان ۳۹۱ پروژه‌ای است که با اعتبار یکهزار میلیارد تومان (یک

همت) تکمیل شده و برای آغاز سال تحصیلی آماده بهره‌برداری است.

کمک به تجهیز کارگاه هنرستان امام حسن دیلم، کمک به تجهیز مدرسه روستاهای آبخش، برازجان، درودگاه، وحدتیه، دهداران سفلی و سعدآباد شهرستان دشتستان، کمک به تکمیل دیوار مدرسه کنارنرو تنگستان، کمک به ساخت دبستان ۶ کلاسه پشتو، شهید سالمی چارک و حسین آباد جم، کمک به احداث هنرستان ۹ کلاسه فنی فارابی شهر دیر، کمک به احداث دبستان پسرانه ۱۲ کلاسه بیدخون، دبیرستان فاطمه الزهرا و دبیرستان ۱۲ کلاسه دخترانه نخل تقی عسلویه، کمک به تکمیل مدرسه ۶ کلاسه آمنه کاظمی کنگان و بسیاری موارد دیگر نمونه‌هایی از ۷۰ پروژه آموزشی به بهره‌برداری رسیده است.

تکمیل ۶۰ پروژه در کهگیلویه و بویراحمد

مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت‌خیز به نمایندگی از شرکت ملی نفت ایران، از زمان آغاز به کار وزارت نفت دولت چهاردهم تاکنون، موفق شده است ۲۸۷ پروژه عام المنفعه را در استان کهگیلویه و بویراحمد به سرانجام برساند که سهم آموزش در این استان، ۶۰ پروژه بوده که به بهره‌برداری رسیده است. از جمله طرح‌های آموزشی تکمیل شده در این استان، می‌توان از کمک و مشارکت در

جایگزینی مدارس سنگی دارشاهی و مدارس سنگی مدرسه ابن سینا لیکک، کمک به مجتمع فرهنگی و هنری بهمنی، کمک به تکمیل مدرسه ۲ کلاسه دشت روم، کمک به احداث دارالقرآن قلعه رئیسی، کمک به تکمیل سالن ورزشی دبیرستان دوگنبدان و کمک به خرید تجهیزات سرمایشی مدارس در سطح شهرستان‌های گچساران و باشت نام برد.

وزارت نفت، علاوه بر استان‌هایی که از آنها نام برده شد، در دیگر استان‌های کشور نیز طرح‌های عام المنفعه‌ای را در بخش آموزش اجرا کرده و مردمان آن دیار را از این خدمت بهره‌مند ساخته است. در این میان، در استان‌های آذربایجان شرقی ۲۸ پروژه، اصفهان ۶ پروژه، البرز ۹ پروژه، ایلام ۸ پروژه، تهران ۶ پروژه، چهارمحال و بختیاری ۷ پروژه، خراسان جنوبی ۳ پروژه، خراسان شمالی ۲ پروژه، خراسان رضوی ۵ پروژه، زنجان ۱۱ پروژه، سمنان ۶ پروژه، سیستان و بلوچستان ۴ پروژه، فارس ۵۷ پروژه، قم ۲ پروژه، لرستان ۲ پروژه، کردستان ۷ پروژه، کرمان ۴ پروژه، کرمانشاه ۱۰ پروژه، گلستان ۶ پروژه، گیلان ۲ پروژه، مازندران ۵ پروژه، مرکزی ۱۱ پروژه، هرمزگان ۴ پروژه، همدان ۱۰ پروژه و یزد ۲۹ پروژه اجرا شده است.

نکته حائز اهمیت اینکه مسئولیت اجتماعی در

صنعت نفت، صرفاً به معنای اجرای مجموعه‌ای از پروژه‌های عمرانی در مناطق پیرامونی تأسیسات نفت و گاز نیست؛ بلکه صنعت نفت در بسیاری از مناطق کشور، به‌ویژه استان‌های نفت و گاز خیز و کم‌برخوردار، یکی از مهم‌ترین بازیگران اقتصادی است، به همین دلیل نحوه ایفای مسئولیت اجتماعی آن می‌تواند مستقیماً بر کیفیت زندگی مردم، توسعه زیرساخت‌ها و میزان همراهی جوامع محلی با فعالیت‌های این صنعت اثرگذار باشد؛ نکته‌ای که در دولت چهاردهم بیش از همیشه مورد توجه قرار گرفته و رویکرد وزارت نفت در حوزه مسئولیت اجتماعی نیز بر اجرای پروژه‌های دارای اثر مستقیم بر زندگی مردم و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام متمرکز شده است.



مسئولیت
اجتماعی صنعت
نفت، تنها در
ساختن یک
مدرسه یا تجهیز
یک فضای
آموزشی خلاصه
نمی‌شود؛ بلکه
در کنار توسعه
اقتصادی،
ایجاد فرصت
رشد و بالندگی
انسان‌ها را نیز به
عهده دارد



صمد مرفاوی، سرمربی تیم فوتبال نفت و گاز گچساران:

من فرزند خوزستانم



یونس صادقی | صمد مرفاوی، مهاجم سابق تیم ملی فوتبال ایران و استقلال و سرمربی کنونی تیم فوتبال شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران، بخش مهمی از خاطرات فوتبالی خود را در سال‌هایی ساخته که جنگ و شرایط دشوار کشور، حتی بر ورزش و مسابقات فوتبال سایه انداخته بود. او که فوتبال را از حیاط خانه سازمانی و بازی با برادرانش آغاز کرده، خیلی زود به سطح اول ملی رسیده و بعدها با تیم فوتبال استقلال و تیم ملی ایران، قهرمانی آسیا را تجربه کرده است. مرفاوی در گفت‌وگو با خبرنگار ماهنامه «مشعل» از روزهای کودکی، نسل طلایی فوتبال، تجربه حضور در نیمکت مربی‌گری تیم فوتبال شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران و همچنین مشکلات فوتبال امروز ایران می‌گوید.

از دوران کودکی خود در خوزستان بگویید.

من، فرزند خوزستانم و در خرمشهر متولد شدم. پدرم درگمرک کار می‌کرد و از شش سالگی، به دلیل شغل او به «سربندر» رفتم و من در آنجا بزرگ شدم. شرایط آن سال‌ها با امروز بسیار متفاوت است. ما پنج برادر و دو خواهر بودیم و در یک خانه سازمانی با حیاطی بزرگ زندگی می‌کردیم. همان حیاط، نخستین زمین فوتبال من بود. پس از آن، بازی‌های مابین کوچه و خیابان کشیده شد و آنجا که خانه‌های سازمانی کنار هم ساخته شده بودند، درهای خانه‌ها برای ما حکم دروازه را داشتند. در تعطیلات، تمام صبح و بعدازظهرها را فوتبال بازی می‌کردیم.

با توجه به اینکه در مناطق عملیاتی متولد شده و رشد کرده‌اید، چه خاطراتی از آنجا دارید؟

هرگاه از مسیر سرپندر به آبادان سفر می‌کردم، پالایشگاه و کارکنان پرتلاش آن را می‌دیدم. افزون بر اینکه شماری از بستگانم در صنعت نفت مشغول به کار بودند، از نزدیک با سختی کار آنها، به ویژه در شرایط دشوار آب‌وهوایی خوزستان آشنایی داشتم. ۲۰ سال پیش که به گچساران رفتم، دشواری‌های کار در این صنعت را بار دیگر از نزدیک دیدم، از این‌رو ما ورزشکاران خود را مدیون زحمات این عزیزان می‌دانیم.

مسیر شما از فوتبال محلی تا تیم ملی جوانان خیلی سریع طی شد. این راه چگونه طی شد؟

مسیر حرفه‌ای من از پیوستن به تیم «پاس

بندر امام خمینی (ره)» آغاز شد؛ جایی که برادرم مربی تیم بود. پس از آن، برای تیم جوانان خوزستان انتخاب و با درخشش در مسابقات استانی، راهی رقابت‌های کشوری شدم. در همان دوره از من برای حضور در تیم ملی جوانان دعوت کردند. جالب اینکه تمام این مسیر، از تیم جوانان خوزستان تا پوشیدن پیراهن تیم ملی، تنها در یک بازه زمانی چهارماهه طی شد و در نهایت برای مسابقات بنگلادش اعزام شدیم. آن دوران، مصادف با سال‌های پرخطر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. حتی زمانی که برای مسابقات جوانان در اهواز حضور داشتیم، صدای موشک‌ها و فضای سنگین جنگی را از نزدیک لمس می‌کردیم؛ اما اشتیاق ما به فوتبال چنان بود که حتی شرایط دشوار جنگی نیز نتوانست مانع پیشرفت ما شود. بر این باور بودیم که وظیفه‌ای فراتر از ورزش داریم؛ اگر رزمندگان در جبهه‌ها از خاک کشور دفاع می‌کردند، ما نیز وظیفه داشتیم در میدان فوتبال برای نام ایران تلاش کنیم. با همین نگاه و با همین هدف، به میدان می‌رفتم تا برای برافراشته بودن پرچم کشورمان بجنگیم.

در زمانی فوتبال بازی کردید که تعصب به پیراهن ملی و باشگاهی بسیار پررنگ بود. دلیل این تعصب را در چه می‌دانید؟

شرایط آن زمان را باید در نظر گرفت. کشور درگیر جنگ بود و همین موضوع باعث شد احساس تعلق و تعصب نسبت به ایران بسیار زیاد باشد. وقتی باتیم ملی یا حتی استقلال به خارج از کشور می‌رفتم، خودمان را فقط نماینده یک باشگاه نمی‌دانستیم؛

احساس می‌کردیم نماینده ایران هستیم. ما استقلال تهران نبودیم، استقلال ایران بودیم. وقتی در مسابقات آسیایی بازی می‌کردیم، می‌دانستیم مردم ایران نتیجه بازی ما را دنبال می‌کنند. همین موضوع انگیزه زیادی به ما می‌داد.

🔥 قهرمانی استقلال در آسیا، یکی از مهم‌ترین خاطرات دوران بازی شماست. از آن روزها بگویید.

پس از پایان خدمت سربازی، ابتدا به تیم دارایی تهران پیوستم و پس از آن، راهی باشگاه استقلال شدم. در آن سال‌ها، زنده‌یاد منصور پورحیدری، تیمی بسیار قدرتمند ساخته بود؛ تیمی که مدعی اصلی قهرمانی بود و توانست چند جام ارزشمند داخلی برای استقلال به ارمغان بیاورد. به خاطر دارم برای مسابقات مقدماتی آسیا در قطر، شرایط بسیار دشواری را پشت سر گذاشتیم. از تهران عازم شیراز شدیم، ساعت چهار صبح به قطر پرواز کردیم و همان روز، هشت شب، مقابل تیم السد قطر به میدان رفتیم. برنامه مسابقات بسیار فشرده و طاقت‌فرسا بود؛ گاه فاصله میان بازی‌ها و سفرهای پی‌درپی به قدری کوتاه بود که مثلاً پس از بازگشت از قطر، باید بلافاصله برای بازی دیگری آماده می‌شدیم؛ اما با همه این فشارها، توانستیم از مراحل دشوار عبور کنیم و بر سکوی قهرمانی آسیا بایستیم. پیروزی مقابل تیم‌های مطرح آسیا افتخاری بود که برای فوتبال ایران اهمیت بسیاری داشت؛ در همان تورنمنت نیز عنوان آقای گلی مسابقات را کسب کردم. پس از قهرمانی، استقبال مردم بی‌نظیر بود. در فرودگاه، چهره‌های برجسته فوتبال ایران از جمله آقای پروین برای استقبال آمده بودند که این اتفاق برای ما بسیار ارزشمند بود. آن استقبال، تنها تجلیل از استقلال نبود؛ بلکه مردم از تیمی قدردانی می‌کردند که نام و پرچم ایران را در قاره کهن سرافراز کرده بود.

🔥 در مقطعی، مرحوم پرویز دهداری، نسل جدیدی را به تیم ملی معرفی کرد. نگاه شما به شخصیت و روش کار او چیست؟

مرحوم دهداری انسان بزرگی بود. روی نظم و انضباط بسیار تأکید داشت. بعضی‌ها شاید آن زمان می‌گفتند روش او سخت‌گیرانه است، اما من چنین برداشتی ندارم. او معتقد بود وقتی عضو تیم ملی هستید، باید خودتان را با اصول و نظم تیم هماهنگ کنید. بعد از استعفا، تعدادی از بازیکنان، تصمیم گرفت نسل جدیدی را وارد تیم ملی کند. این تصمیم آسان نبود، اما نتیجه‌اش را بعداً دیدیم. بازیکنان جوان وارد تیم ملی شدند، تجربه کسب کردند و در مسابقات مختلف حضور یافتند. به نظر من راهی که دهداری انتخاب کرد، در نهایت به نفع فوتبال ایران بود. او ایستادگی کرد و یک تیم جوان ساخت.

🔥 همراه با تیم ملی در بازی‌های آسیایی قهرمان شدید. از آن دوران بگویید؟

هر وقت تیم‌های باشگاهی ما خوب بودند، تیم ملی هم نتایج درخشانی می‌گرفت. سال ۱۹۹۰ وقتی با تیم همان سال‌ها بود. آن زمان شرایط استقلال و پرسپولیس عالی بود؛ ۹۰ نفر از ما استقلال‌ی‌ها در تیم

ملی بودیم و پرسپولیس هم که قهرمان جام در جام آسیا شده بود و تیم بسیار قدرتمندی داشت. علی‌پروین برای بازی‌های یکن، بازیکنان فوق‌العاده‌ای را جمع کرده بود. ما در آن مسابقات، کره جنوبی، ژاپن و مالزی را شکست دادیم. گل بازی کره را مرحوم سیروس قایقران زد و من هم در بازی با ژاپن گل زدم. در نهایت، بازی فینال مقابل کره شمالی به ضربات پنالتی کشیده شد و توانستیم برنده و قهرمان آسیا شویم.

🔥 چه زمانی تصمیم گرفتید فوتبال را کنار بگذارید و وارد دنیای مربیگری شوید؟

من سال ۱۳۷۸ از فوتبال خداحافظی کردم. شاید می‌توانستم چند سال دیگر هم بازی کنم، اما احساس کردم شرایط تغییر کرده است. از نظر اخلاقی و رفتاری هم شرایطی پیش آمده بود که احساس می‌کردم نه من می‌توانم برخی شرایط را تحمل کنم و نه دیگران می‌توانند با من کنار بیایند، از این رو ترجیح دادم کنار بکشم. بعد از آن در رده‌های پایه استقلال فعالیت کردم و سپس وارد عرصه مربیگری شدم.

🔥 در دوره سرمربیگری استقلال، تیم شما تا هفته‌های پایانی شانس قهرمانی داشت، اما در نهایت چهارم شد. چه اتفاقی افتاد؟

چهار هفته پایانی، شرایط تیم متشنج شد. وقتی

بازیکن می‌داند فصل بعد سرمربی دیگری خواهد آمد، جمع کردن تیم سخت می‌شود. نمی‌خواهم همه چیز را گردن مدیریت ببندازم. مدیران وقت هم زحمات زیادی کشیدند، اما گاهی احساسات جای منطق را می‌گیرد و همین مسئله روی تیم اثر می‌گذارد. ما اگر در آن چند هفته نتیجه می‌گرفتیم، می‌توانستیم قهرمان شویم، اما در نهایت چهارم شدیم. در نقل و انتقالات داخلی و خارجی هم مسائلی وجود داشت. برخی افراد واسطه‌هایی بودند که منافع خودشان را دنبال می‌کردند و از من هم می‌خواستند که با آنها همکاری کنم، اما نمی‌پذیرفتم. اگر قرار بود وارد چنین مسائلی شوم، شاید می‌توانستم سال‌های بیشتری در استقلال یا تیم‌های دیگر مربیگری کنم، اما ترجیح دادم به اصول خودم پایبند بمانم.

🔥 اکنون سرمربی تیم فوتبال شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران هستید. هدف‌تان برای این فصل چیست؟

هدف ما این است که تیمی با شخصیت و محترم داشته باشیم؛ تیمی در شان وزارت نفت، مردم گچساران و فوتبال خوزستان. امسال تلاش می‌کنیم تیم خوبی بسازیم و نتایج مناسبی کسب کنیم. مردم گچساران فوتبال را دوست دارند. سال گذشته هم دیدم که مردم زیادی برای تماشای بازی‌های آمدند و امیدوارم امسال بتوانیم آنها را خوشحال کنیم.



هدف ما این است که تیمی با شخصیت و محترم داشته باشیم؛ تیمی در شان وزارت نفت، مردم گچساران و فوتبال خوزستان. امسال تلاش می‌کنیم تیم خوبی بسازیم و نتایج مناسبی کسب کنیم

🔥 وضعیت آینده فوتبال ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چرا فاصله فوتبال ایران با برخی کشورهای آسیایی بیشتر شده است؟

به نظرم فوتبال ایران باید یک جایی متوقف شود و برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشد. ما همیشه می‌گوییم باید قهرمان شویم؛ اما باید یک جایی به جوانان اعتماد کنیم و برای سال‌های آینده، تیم ملی بسازیم. اگر می‌گوییم فوتبال ایران، بهترین فوتبال آسیاست، پس باید برای رسیدن به این جایگاه برنامه داشته باشیم. نمی‌شود فقط نتیجه‌گرا بود. باید یک برنامه چندساله داشته باشیم و بگوییم از این نقطه شروع می‌کنیم و در چهار سال آینده به نقطه مشخصی می‌رسیم. اعتماد به جوانان هزینه دارد. باید قبول کنیم که اگر می‌خواهیم نسل جدیدی بسازیم، ممکن است در مقطعی نتیجه نگیریم. ما متأسفانه طاقت شکست نداریم و همیشه می‌خواهیم قهرمان شویم. در حالی که کشورهایی مثل ژاپن، کره، عربستان و قطر سال‌ها برای فوتبال پایه و ساختار فوتبال خود برنامه‌ریزی کرده‌اند.



بانوان درتصمیم سازی صنعت نفت نقش موثری دارند

تخصص برای توسعه



مشعل | در سال های اخیر، صنعت نفت بیش از گذشته شاهد حضور متخصصانی بوده است که نگاه علمی، تجربه میدانی و رویکرد پژوهشی را همزمان در مسیر حرفه ای خود پیش برده اند. این حوزه، به ویژه در بخش های مطالعاتی و بهره برداری، نیازمند تصمیم سازی های دقیق و تحلیل های چندلایه است؛ جایی که پیوند دانش دانشگاهی و تجربه عملیاتی اهمیتی ویژه پیدا می کند. سکینه هادی زاده، سرپرست گروه مطالعات مهندسی بهره برداری شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب از مسیر تحصیلی و شغلی خود، تجربه ورود به محیط های عملیاتی، حرکت به سمت پژوهش های تخصصی و نقش بانوان در ارتقای کیفیت تصمیم سازی در صنعت نفت می گوید. در ادامه این گفت و گو را می خوانید.

🔥 لطفاً از مسیر تحصیلی و شغلی خود بگویید.

متولد آبان ۱۳۶۰ در شهر گچساران هستم؛ علاقه ام به صنعت نفت از دوران دانشجویی و در مواجهه با چالش های فنی و اقتصادی این صنعت شکل گرفت. در سال ۱۳۷۹ وارد دانشگاه صنعت نفت شدم و رشته مهندسی نفت با گرایش مخازن هیدروکربوری را انتخاب کردم. ماهیت پویا، اهمیت استراتژیک و پیچیدگی های فنی حوزه مهندسی نفت، انگیزه اصلی من برای انتخاب این مسیر تحصیلی بود. پس از فارغ التحصیلی نیز فعالیت خود را به عنوان دانشجوی بورسیه در معاونت مهندسی نفت شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب به عنوان مهندس بهره برداری آغاز کردم.

در این مسیر، تلاش کرده ام همزمان با تجربه اندوزی در محیط کار، دانش تخصصی خود را نیز تقویت کنم؛ از این رو، تحصیلات تکمیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران و در مقطع دکترا در دانشگاه شیراز ادامه دادم. به مرور، حضور در پروژه ها و مطالعات مختلف به من کمک کرد تا نگاه دقیق تری نسبت به پیچیدگی های این حوزه پیدا کنم؛ حوزه ای که در آن، دقت، هماهنگی و شناخت درست از شرایط عملیاتی اهمیت زیادی دارد.

🔥 ورود به محیط های عملیاتی چه تأثیری بر ادامه مسیر کاری تان داشت؟

ورود به محیط عملیاتی نگاه من را به صنعت نفت متحول کرد. در دانشگاه با اصول علمی آشنا می شوم؛ اما در محیط های عملیاتی مثل میادین نفتی با واقعیت های پیچیده ای مواجه می شوم که نیازمند تصمیم گیری سریع، تحلیل چند جانبه و شناخت محدودیت های اجرایی هستند. در تجربه های آغازین کاری، بیشترین چیزی که برایم اهمیت داشت، یادگیری از فضای

واقعی کار بود. این تجربه باعث شد ارتباط میان مفاهیم تئوری و واقعیت های پیچیده برایم به صورت عینی و ملموس شکل بگیرد و در ادامه مسیر حرفه ای ام نقش تعیین کننده ای داشته باشد.

جذابیت اصلی فعالیت در حوزه بهره برداری این است که نتیجه کار به صورت مستقیم در عملکرد واحدها، پایداری عملیات و بهینه سازی فرایندها دیده می شود. این حوزه فقط یک بخش اجرایی نیست؛ بلکه به نوعی محل تلاقی تحلیل فنی، تصمیم سازی و مدیریت شرایط عملیاتی است. همین ویژگی باعث شد از همان ابتدا، احساس کنم این فضا می تواند محل مناسبی برای رشد حرفه ای من باشد.

🔥 آیا فعالیت شما فقط محدود به پروژه های اجرایی است؟

فعالیت من فقط به پروژه های اجرایی محدود نمی شود. در کنار کارهای جاری، همکاری نزدیکی با بخش پژوهش و فناوری دارم و در راهنمایی پروژه های دانشجویی و نظارت بر طرح های صنعتی نیز مشارکت می کنم. این ارتباط باعث شده بین فضای عملیاتی و فضای پژوهشی یک پیوند موثر شکل بگیرد و بسیاری از ایده ها از مرحله تحقیق به اجرا نزدیک تر شوند.

در کنار فعالیت های اجرایی، پژوهش در حوزه های مختلف مهندسی نفت، بخش مهمی از مسیر حرفه ای من بوده است. در این مسیر تلاش کرده ام رویکردی مسئله محور داشته باشم؛ به این معنا که هر مطالعه، پاسخی به یک نیاز واقعی در حوزه بهره برداری باشد. صنعت نفت بستری مناسب برای انجام پژوهش های کاربردی و توسعه فناوری های نوین است. این صنعت به سرعت در حال تحول است و همواره فناوری ها و روش های جدیدی در آن معرفی می شود؛ موضوعی که فرصت یادگیری مداوم و به روز نگه داشتن دانش را فراهم می کند. در حوزه فعالیت های تخصصی، افزون بر اجرای پروژه های فنی و پژوهش های کاربردی، همواره به آموزش و انتقال دانش نیز توجه داشته ام. طی سال های گذشته، تدریس در دوره های تخصصی مهندسی نفت، برگزاری کارگاه های آموزشی و مشارکت در توانمندسازی کارشناسان جوان را بخشی از مسئولیت حرفه ای خود دانسته ام.

از نگاه من، توسعه دانش فنی تنها از طریق انجام پژوهش یا اجرای پروژه محقق نمی شود؛ بلکه آموزش، اشتراک گذاری تجربیات و تعامل مستمر با جامعه علمی و صنعتی نیز نقش مهمی در ارتقای سطح تخصصی سازمان ها و پیشبرد فناوری در صنعت نفت ایفا می کند.



🔥 چه چیزی موجب شد که به پژوهش و مطالعات تخصصی گرایش پیدا کنید؟

با کسب تجربه در محیط عملیاتی، پرسش های علمی بیشتری برایم ایجاد و همین موضوع باعث شد فعالیت پژوهشی را به عنوان مکمل فعالیت اجرایی، پیگیری کنم. به طوری که این مسیر، زمینه ورود به حوزه مطالعات بهره برداری را هموار کرد. در این مطالعات همواره تلاش کرده ایم ارتباط میان بخش پژوهشی و نیازهای اجرایی حفظ شود؛ چون پژوهش زمانی ارزشمند است که بتواند به تصمیم سازی دقیق تر، افزایش بهره وری و کاهش خطاهای عملیاتی منجر شود.

در حوزه مطالعات مهندسی بهره برداری تلاش های بسیاری صورت گرفته تا فناوری های نوین شناسایی، ارزیابی و در صورت امکان در شرایط واقعی میدان، آزمایش شود.

🔥 چالش اصلی در مدیریت این گونه پروژه ها چیست؟

چالش اصلی در این نوع پروژه ها، معرفی دقیق فناوری، انتخاب چاه کاندید مناسب و همکاری نزدیک بین تیم ها و واحدهای ذیربط است. ایجاد هماهنگی بین این واحدها و اطمینان از درک متقابل اهداف و محدودیت ها، همواره چالش برانگیز است. در چنین شرایطی، بخش مهمی از کار فقط فنی نیست؛ بلکه «اقتناع کارشناسی» است؛ در یک مجموعه تخصصی باید بتوان با استدلال فنی، شفافیت در هدف گذاری و تبیین درست مسئله، همراهی کارشناسان را جلب کرد. وقتی اعضای یک تیم به ضرورت یک تصمیم قانع شوند، کیفیت اجرا نیز به مراتب بالاتر می رود. در پروژه ها و مطالعات مرتبط با مهندسی بهره برداری، معمولاً یک موضوع تنها به یک بخش محدود نمی شود و برای پیشبرد آن، باید میان چند واحد و چند سطح مختلف سازمانی هماهنگی ایجاد شود. این هماهنگی، نیازمند صبر، پیگیری و درک متقابل است. تجربه نشان داده که اگر ارتباط میان واحدها درست مدیریت شود، بسیاری از موانع اجرایی پیش از آنکه به مشکل تبدیل شوند، قابل حل خواهند بود.

🔥 تعادل زندگی و کار در تصمیم گیری های حرفه ای چقدر تأثیر گذار است؟

کارهای تحلیلی و مطالعاتی زمانی نتیجه دقیق تری می دهند که ذهن در وضعیت آرام و متمرکز باشد. در واقع، در این نوع فعالیت ها، فقط حجم اطلاعات مهم نیست؛ بلکه توانایی غربالگری داده ها و رسیدن به تصمیم درست

اهمیت بیشتری دارد و این، بدون ذهن آرام به سختی اتفاق می افتد. معتقدم که تعادل بین کار و زندگی نقش مهمی در حفظ این آرامش دارد. از این رو بخشی از کارهای روزمره را با نگاه ذهنی متفاوت انجام می دهم و تلاش می کنم در همان زمان ها، ذهنم را از فضای صرفا کاری خارج کنم؛ گاه با مطالعه یا گوش دادن پادکست های علمی و روان شناسی. در کنار همه اینها، همراهی خانواده هم بسیار اثرگذار است. حضور همسر که در حوزه مهندسی فعالیت دارد، باعث شده است فضای خانه هم محلی برای ادامه گفت و گوهای علمی و فنی باشد. این همراهی و آرامش نسبی کمک می کند در محیط کار، با تمرکز بیشتری و ذهنی منظم تر تصمیم گیری کنم.

🔥 چه هدف یا اهدافی را برای آینده ترسیم کرده اید؟

همواره تلاش کرده ام مسیر حرفه ای خود را بر پایه یادگیری مستمر و اثرگذاری واقعی پیش ببرم. هدفم این است که در کنار توسعه دانش فردی و فنی، بتوانم در سطوح بالاتر تصمیم سازی نقش فعال تری داشته باشم و در بهبود فرایندهای صنعت نفت اثرگذارتر باشم. برای من، پیشرفت فقط ارتقای جایگاه سازمانی نیست؛ بلکه رسیدن به نقطه ای است که بتوانم تجربه، دانش و تحلیل را در کنار هم قرار دهم و در حل مسائل پیچیده تر نقش داشته باشم. صنعت نفت را صنعتی راهبردی می دانم که هر تصمیم در آن می تواند آثار گسترده ای داشته باشد و همین موضوع مسئولیت را سنگین تر می کند.

در این مسیر، همواره یاد و تجربه پیشکسوتانی که پایه های این صنعت را بنا کرده اند، برای من الهام بخش بوده و تلاش می کنم ادامه دهنده این مسیر باشم.

🔥 به عنوان حسن ختام، اگر خاطره ای از دوران فعالیت خود دارید، بفرمایید.

بهترین خاطره به روزهای آغازین ورودم به صنعت نفت بازمی گردد؛ زمانی که نسل جدید نیروها وارد سازمان شدند و در کنار پیشکسوتانی قرار گرفتم که تجربه های ارزشمند خود را منتقل می کردند. این دوره، فرصتی ارزشمند برای یادگیری بود؛ جایی که تعامل میان تجربه و انگیزه نسل جوان، فضایی سازنده و الهام بخش ایجاد کرده بود. این حس تداوم و انتقال تجربه، همچنان یکی از ارزشمندترین بخش های مسیر حرفه ای من است.



هیچ محدودیتی برای حضور مؤثر بانوان در جایگاه های مدیریتی وجود ندارد. حتی در بسیاری از موارد، نگاه دقیق تر و چندبعدی تر می تواند به بهبود روند تصمیم گیری کمک کند



مشعل | سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)
 نهادهای تأثیرگذار در عرصه انرژی جهانی است که ۶۶ سال پیش تأسیس شد و امروزه یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری‌های کلان در زمینه قیمت نفت در بازار جهانی به شمار می‌رود. این نهاد از بدو تأسیس تاکنون تحولات مهمی را پشت سر گذاشته است؛ از روزهای نخست و برگزاری کنفرانس بغداد و شکل‌گیری اوپک گرفته تا تجربه تنش‌های جهانی، افزایش قیمت نفت، تأسیس اوپک پلاس و خروج امارات متحده عربی؛ همه و همه بخشی از تاریخ ۶۶ ساله این نهاد به شمار می‌روند. نوشتار حاضر با بازخوانی روایت تأسیس اوپک، مهم‌ترین تحولات این سازمان را از آغاز تاکنون بررسی کرده است که در این شماره از ماهنامه مشعل با هم می‌خوانیم.

پیدایش سازمان اوپک به کنفرانسی بازمی‌گردد که سال ۱۹۶۰ میلادی در بغداد برگزار شد؛ کنفرانسی که در آن نمایندگان کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا گرد هم آمدند و پایه‌های سازمانی را بنا نهادند که بعدها به یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار در بازار جهانی نفت تبدیل شد. هدف اصلی از تشکیل اوپک، مقابله با سیاست‌های شرکت‌های چندملیتی نفتی، موسوم به «هفت خواهران»، و ایجاد هماهنگی میان کشورهای تولیدکننده نفت در برابر این شرکت‌ها بود. کنفرانس بغداد از ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰، برابر با ۱۹ تا ۲۳ شهریور ۱۳۳۹ برگزار شد و با شکل‌گیری رسمی اوپک، فصل تازه‌ای در تاریخ صنعت نفت جهان آغاز شد.

شکل‌گیری اوپک

زمینه‌های شکل‌گیری این سازمان به سال‌ها پیش از کنفرانس بغداد بازمی‌گردد. سال ۱۹۴۷ میلادی، میان دو کشور مهم نفتی جهان، ایران و ونزوئلا، پیمانی در زمینه هماهنگی سیاست‌های نفتی منعقد شد. در واقع، دولت ونزوئلا تلاش می‌کرد کشورهای مهم نفتی خاورمیانه را در برابر اقدام‌های یک‌جانبه شرکت‌های چندملیتی بسیج کند. سال ۱۹۵۹ میلادی را می‌توان نقطه اوج تلاقی دودیدگاه درباره نفت دانست. از یک سو، کشورهای عمده تولیدکننده نفت تلاش می‌کردند نبض بازار را در اختیار بگیرند و بر روند تولید و قیمت نفت نظارت داشته باشند؛ از سوی دیگر، شرکت‌های چندملیتی در روند کاهش قیمت نفت نقش داشتند. در همین سال، کنگره نفتی اعراب در قاهره مصر تشکیل شد. در حالی که در تالار کنفرانس، درباره موضوع‌های مرتبط با منافع کشورهای عربی بحث می‌شد، در گوشه و کنار نشست‌ها درباره امکان تشکیل سازمانی

که همه کشورهای تولیدکننده نفت، اعم از عرب و غیرعرب، در آن مشارکت داشته باشند، تبادل نظرهایی صورت می‌گرفت. بانیان اصلی این ابتکار، شیخ عبدالله طریقی از عربستان سعودی و خوان پابلو پریز آلفونسو از ونزوئلا بودند. نتیجه این گفت‌وگوهای خصوصی، تهیه توافقی بود که به امضای هیئت‌های نمایندگی کشورهای صادرکننده نفت، از جمله ایران و ونزوئلا، رسید. مباحثات قاهره را می‌توان یکی از نخستین گام‌ها در مسیر ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده نفت دانست. پریز آلفونسو و عبدالله طریقی پس از حصول این توافق، در ماه مه ۱۹۶۰ اعلامیه‌ای صادر کردند و از همه کشورهای تولیدکننده نفت خواستند برای تأمین منافع خود، سیاستی مشترک در پیش بگیرند. پنج ماه بعد، در اوت ۱۹۶۰، شرکت‌های نفتی بدون مشورت با کشورهای تولیدکننده، قیمت نفت خام را کاهش دادند. این اقدام بر نگرانی کشورهای تولیدکننده افزود. برای مثال، در مورد ایران، طی هجده ماه بهای نفت خام به ازای هر بشکه ۲۶ سنت، معادل حدود ۱۳ درصد، کاهش یافت. در مجموع نیز کاهش قیمت نفت در اوت ۱۹۶۰، زبانی حدود ۹۳ میلیون دلار به کشورهای تولیدکننده وارد کرد. این کاهش قیمت، عزم کشورهای تولیدکننده را برای واکنش جدی‌تر کرد و در نهایت به تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) انجامید. در سال تأسیس اوپک، پنج کشور عضو مؤسس این سازمان، روی هم رفته ۶۷ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار داشتند، ۳۸ درصد از مجموع نفت جهان را تولید و حدود ۹۰ درصد از نفت مورد مبادله در بازار بین‌المللی را تأمین می‌کردند.

اوپک در بستر تحولات

تحولات دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که در این دوره، کشورهای تولیدکننده نفت آگاهی بیشتری نسبت به اهمیت منابع ملی خود پیدا و تلاش کردند سهم بیشتری از این منابع را در مواجهه با شرکت‌های بزرگ نفتی مطالبه کنند. اوج این تحولات پیش از این در دوران ملی شدن صنعت ایران در سال ۱۹۵۱ اتفاق افتاده بود. رویدادی که به رهبری دکتر محمد مصدق به رویارویی با شرکت نفت انگلیس و ایران انجامید و در دهه ۷۰ میلادی در کشورهایی چون الجزایر، عراق و لیبی نیز آگاهی به منابع انرژی خود افزایش یافت. در این دوره، یکی از مهم‌ترین اقدام‌های اوپک، تعیین قیمت پایه برای فروش نفت میان اعضا بود. در دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، مهم‌ترین عواملی که بر سازمان اوپک تأثیر گذاشتند، عبارت بودند از: مازاد عرضه، سهمیه‌بندی، کاهش تولید و از دست رفتن سهم اعضا از بازار جهانی نفت. همچنین افزایش تولید نفت از سوی کشورهای غیرعضو اوپک سبب شد این سازمان بخشی از کنترل خود بر قیمت‌گذاری نفت را از دست بدهد. در همین دوره، تحولات سیاسی نیز بر بازار نفت و جایگاه اوپک تأثیر گذاشت. جنگ ایران و عراق از جمله عواملی بود که موجب افزایش قیمت نفت شد. در عین حال، اختلاف‌ها میان برخی اعضای اوپک، بر مناسبات داخلی اعضا و جایگاه سازمان تأثیر گذاشت. در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی نیز عوامل سیاسی متعددی بر جایگاه اوپک تأثیرگذار بودند. یکی از مهم‌ترین این تحولات، فروپاشی اتحاد

جماهیر شوروی و ظهور کشورهای مستقل جدید بود که برخی از آنها به عنوان تولیدکنندگان و رقبای جدید در بازار جهانی نفت مطرح شدند.

اهداف

بر اساس اساسنامه سازمان، هدف اصلی از تشکیل اوپک، هماهنگ کردن و وحدت بخشیدن به سیاست‌های نفتی اعضا و تعیین بهترین شیوه‌ها برای حفظ منافع آنها، به صورت انفرادی و جمعی، است. مقر دبیرخانه اوپک تا سال ۱۹۶۵ میلادی در شهر ژنو سوئیس بود و پس از آن به وین اتریش منتقل شد. علاوه بر پنج کشور مؤسس اوپک، یعنی ایران، عراق، ونزوئلا، عربستان سعودی و کویت، کشورهای دیگری نیز در سال‌های بعد به این سازمان پیوستند. از جمله آنها می‌توان به اندونزی، لیبی، قطر، الجزایر، نیجریه، اکوادور، گابن و امارات متحده عربی اشاره کرد. فؤاد روحانی (۱۲۸۶-۱۳۸۲) نخستین دبیرکل اوپک بود. او این سمت را از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴ به عهده داشت. روحانی پیش از تصدی این سمت، در شرکت ملی نفت ایران به عنوان مشاور حقوقی فعالیت می‌کرد و عناوینی همچون عضو هیئت مدیره و قائم مقام رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران را نیز در کارنامه خود داشت و به مدت شش سال در این سمت فعالیت کرد.

اوپک در میانه تحولات جدید بازار انرژی

سال ۲۰۲۶ مهم‌ترین تحول تأثیرگذار بر بازار جهانی نفت، جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بود که با افزایش تنش‌های منطقه‌ای در خلیج فارس و بسته شدن تنگه هرمز همراه شد. این تحولات به افزایش شدید قیمت نفت و بروز بحران انرژی در سطح جهانی انجامید. امروزه، با توجه به تحولات سیاسی مهم در کشورهای تولیدکننده نفت در حاشیه خلیج فارس و همچنین تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم کشورهای غربی بر معادلات انرژی، جایگاه اوپک بیش از پیش اهمیت یافته است. این سازمان باید بتواند با ایجاد هماهنگی میان اعضا و همکاری مستمر با کشورهای تولیدکننده غیرعضو، میان عرضه و تقاضا تعادل ایجاد و به حفظ ثبات در بازار جهانی نفت کمک کند.

اوپک پلاس

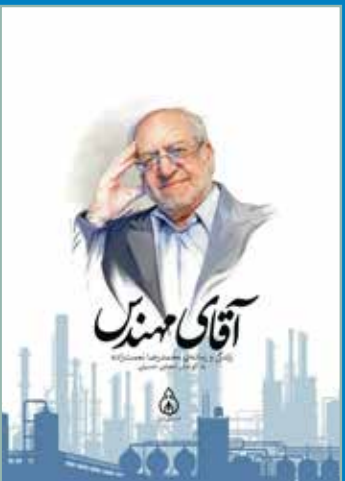
سال ۲۰۱۶ یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مرتبط با اوپک، یعنی «اوپک پلاس»، شکل گرفت. هدف از ایجاد این سازوکار، هماهنگی میان کشورهای عضو اوپک و شماری از کشورهای تولیدکننده نفت غیرعضو، برای مدیریت عرضه نفت و مقابله با پیامدهای کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی بود. روسیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و عمان از جمله کشورهای غیرعضو اوپک هستند که در این سازوکار مشارکت داشته‌اند. با ورود به سال ۲۰۲۰ و آغاز همه‌گیری کرونا، بازار جهانی نفت نیز به شدت تحت تأثیر این بحران قرار گرفت. در ادامه، جنگ روسیه و اوکراین و همچنین تحریم‌های آمریکا علیه صادرات نفت ایران، از جمله عواملی بودند که بر عرضه، تقاضا و قیمت نفت در بازار جهانی تأثیر گذاشتند.

معرفی کتاب

آقای مهندس منتشر شد

آقای مهندس روایت مسیر حرفه‌ای و زیست شخصی و کاری محمدرضا نعمت‌زاده است؛ مدیری که طی دهه‌ها فعالیت، در شکل‌گیری بخشی از زیرساخت‌های صنعتی و انرژی ایران نقش‌آفرین بوده است. در این کتاب، اواز تجربه‌های عملی، تصمیم‌های دشوار و فراز و فرودهایی می‌گوید که مسیر توسعه صنعتی کشور را تحت تأثیر قرار داده‌اند. این اثر صرفاً مرور خاطرات یک مسئول نیست؛ بلکه تصویری واقعی از دوره‌ای مهم در تاریخ صنعت ایران است که خواننده را با روند شکل‌گیری بسیاری از ظرفیت‌های امروز کشور آشنا می‌کند. آقای مهندس فرصتی است برای نزدیک شدن به پشت صحنه تصمیم‌ها و تلاش‌هایی که کم‌تر بازگو شده‌اند و اکنون بخشی از تاریخ معاصر ایران را تشکیل می‌دهند. این کتاب نه ستایش‌نامه است و نه گزارشی رسمی؛ بلکه روایت محمدرضا نعمت‌زاده از زندگی حرفه‌ای و تحولات سیاسی و صنعتی کشور است؛ روایتی از سال‌هایی که نظام سیاسی و صنعتی ایران دستخوش تغییر و بازسازی بود.

کتاب آقای مهندس در ۸۷۷ صفحه به قلم مجتبی حسینی از انتشارات مؤسسه نشر همسایه منتشر شده است.





▲ انبار پخش شهید منتظری اصفهان پس از بمباران نیروهای عراقی - ۲۱ مرداد ۱۳۶۵

روزهای آتش جنگ تحمیلی از دریچه دوربین



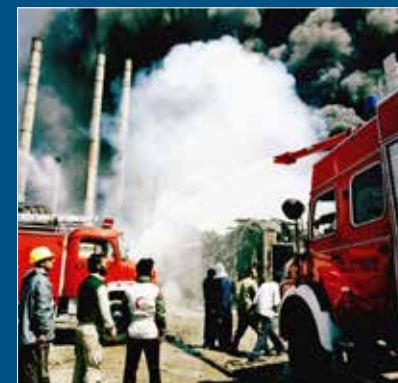
▲ آتش سوزی نفتکش بارسلونا بر اثر اصابت موشک در منطقه لارک - سال ۱۳۶۷



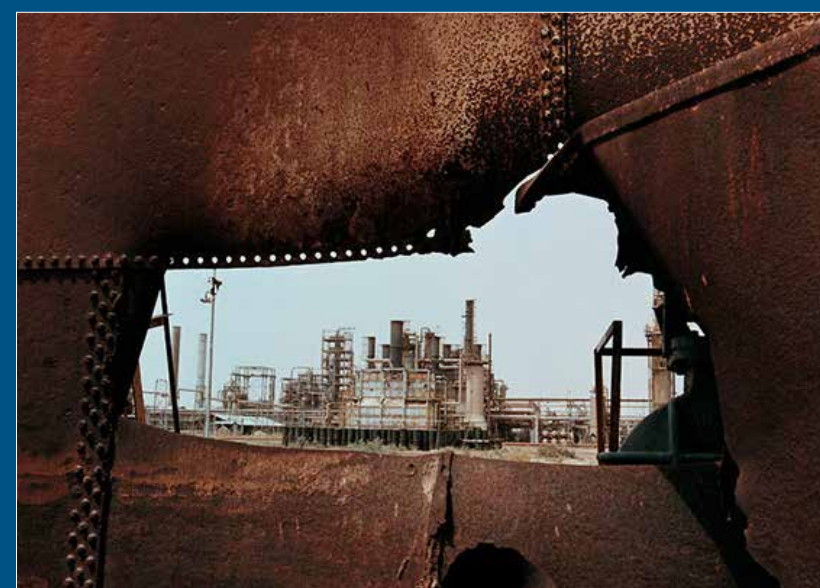
▲ بمباران انبار نظامیه اهواز - سال ۱۳۶۵



▲ پالایشگاه آبادان پس از بمباران نیروهای عراقی - سال های دهه ۱۳۶۰



▲ اطفای حریق تاسیسات پالایشگاه نفت تهران پس از حمله نیروهای عراقی - سال ۱۳۶۵



▲ نمایی از پالایشگاه آبادان پس از بمباران نیروهای عراقی - سال ۱۳۶۱



▲ چاه های نفتی نوروز پس از بمباران نیروهای عراقی سال ۱۳۶۰

تلاش پیشکسوت نفتی که ۳۳ سال خدمت خود را در کوه‌ها و بیابان‌ها سپری کرد

ثروت واقعی من دوستانم هستند

🔥 ابتدا از خودتان بگویید و این که چه زمانی و چگونه وارد صنعت نفت شدید؟

جعفر هراتیان هستم، متولد سال ۱۳۲۸ در درود، از توابع شهرستان بروجرد. بخشی از دوران کودکی‌ام را در آبادان سپری کردم و پس از آن به همراه خانواده به بروجرد بازگشتیم. بعد از فارغ‌التحصیلی و پایان خدمت سربازی، در ۱۰ مهرماه ۱۳۵۵ با قبولی در آزمون استخدامی شرکت نفت، به طور رسمی به استخدام این شرکت درآمدم و در ۲۰ خرداد سال ۱۳۸۷ نیز بازنشسته شدم با احتساب دوسال خدمت در مجموع ۳۳ سال و هشت ماه و ۱۰ روز خدمت کردم.

🔥 چه چیزی باعث شد وارد حوزه نقشه‌برداری شوید؟
قبل از ورود به صنعت نفت، در سال ۱۳۵۱ به انستیتوی تکنولوژی اهواز رفتم و در رشته مکانیک شروع به تحصیل کردم. نقشه‌برداری، یکی از واحدهای درسی این رشته بود و از آنجا که به دوربین‌های نقشه‌برداری علاقه‌مند شده بودم، به سرعت نحوه کار با آنها را آموختم؛ تا جایی که در مجتمع دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز نیز در تهیه چند نقشه مشارکت داشتم. هنگام استخدام در آزمون شرکت ملی نفت ایران در جریان مصاحبه اعلام کرده بودم که تمایلی به امور دفتری ندارم و ترجیح می‌دهم در محیط‌های غیراداری و بیابانی فعالیت کنم. از این رو پس از قبولی به اداره نقشه‌برداری اهواز معرفی شدم. در طول سال‌ها کار، حتی ۱۰ روز هم پشت میز ننشستم؛ زیرا همواره برای حتی ۱۰ روز هم پشت میز ننشستم؛ زیرا همواره برای یافتن محل چاه‌ها و تعیین مختصات آن‌ها به مناطق مختلف اعزام می‌شدم. از سال ۱۳۵۵ به بعد، نقشه‌برداری در مناطق، شیوه همیشگی کار من شد.

🔥 در این سال‌ها مسئولیت‌های مختلفی داشتید؟
تمام سال‌های خدمتم از مهر ۱۳۵۵ تا خرداد ۱۳۸۷ را در اداره مهندسی نقشه‌برداری شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب گذراندم و در این مدت فقط یک دوره کوتاه سه‌ماهه را در شرکت نفت مناطق مرکزی در تهران سپری کردم. به یاد دارم در مناطق نفت‌شهر، دالپری و سراجیه قم، سه حلقه چاه را علامت‌گذاری و نقشه‌برداری کردم. در نهایت هم که سرپرست ناحیه مارون شدم و با سمت نقشه‌بردار درجه یک، دوران فعالیت‌م را به پایان رساندم. افزون

بر این، در اواخر دوران خدمت، با شرکت او.ام.وی همکاری داشتم که این همکاری تا اوایل بازنشستگی ادامه داشت؛ طی این مدت در مناطق مختلف نفتی، چند حلقه چاه را علامت‌گذاری و نقشه‌برداری کردم و در تعیین محدوده و محاسبه احجام عملیات خاکی نقش داشتم.

🔥 در چه مناطقی فعالیت داشتید؟
محدوده کاری من بسیار وسیع و شامل مناطقی چون رودک، کبود کوه، سولا بدر، چلنجر، بی‌بی حکیمه یک و ۲، گوره، دالپری، کوه‌مند، مارون، ماه‌شهر، سمنان، دامغان، شاه‌رود، مشهد، سرخس خانگیران، نفت‌شهر، جم‌رئز، قله‌نار و دهلران بود. بعد از انقلاب، بخش مهمی از فعالیت‌های اکتشافی نیز وارد حوزه کاری ما شد و مناطق مختلفی را برای عملیات نقشه‌برداری پوشش دادیم. کار در بسیاری از این مناطق، در شرایط سخت جغرافیایی و آب‌وهوایی انجام می‌شد.

🔥 از پروژه‌های مهمی که در آنها حضور داشتید، کدام را بیشتر به یاد دارید؟
من در پروژه‌های زیادی حضور داشته‌ام؛ برخی از آنها شامل پروژه آماک (خط لوله ۱۰۰ کیلومتری خوراک پتروشیمی از یونیت یک اهواز تا پتروشیمی ماهشهر)، پروژه خط لوله کبودکوه به واحد بهره‌برداری چشمه‌خوش، پروژه خط لوله رودک به واحد نرگسی، پروژه خط لوله سولابدر چلنجر به واحد بی‌بی حکیمه یک و علامت‌گذاری چاه شماره ۹ سراجیه قم و ۲ چاه در شمال کشور در نزدیک مرز ترکمنستان واقع در سرخس و خانگیران بود.

پروژه نرگسی را از سال ۱۳۵۶ دنبال کردیم. با پیروزی انقلاب اسلامی این پروژه متوقف؛ اما در سال ۱۳۶۱ دوباره از سر گرفته شد. ابتدا نقاط کنترل را ایجاد کردیم و عملیات توپوگرافی و مسیرسازی را انجام دادیم. سپس نقشه ساختمان‌ها در اختیار ما قرار گرفت و تمام گوشه‌های ساختمان‌ها را روی زمین پیاده کردیم تا پیمانکار بتواند عملیات اجرایی را آغاز کند.

🔥 در مجموع، طی دوران خدمتتان روی چند چاه کار کردید؟
روی ۱۱۴ حلقه چاه کار کرده‌ام. کار فقط پیدا کردن

محل چاه نبود؛ مسیر خطوط لوله، انتقال آب، برداشت نهایی، تعیین مساحت زمین، همچنین محاسبه خسارت و تعیین محل برخی تأسیسات را هم انجام می‌دادیم. اطلاعات و محاسبات در اختیار واحد قراردادها قرار می‌گرفت تا بر اساس نوع زمین و کاربری آن، مسائل مربوط به اراضی و خسارت‌ها محاسبه شود.

🔥 در این سال‌ها چه دشواری‌هایی را تجربه کردید؟
یکی از مهم‌ترین خاطراتم مربوط به چاه ۴۲ بی‌بی حکیمه است. پنج نفر بودیم و برای ادامه عملیات نقشه‌برداری راهی منطقه شدیم. طبق نقشه باید به چاه ۴۲ می‌رسیدیم؛ اما وقتی به نقطه مورد نظر رسیدیم، هیچ اثری از چاه و جاده‌ای که در نقشه آمده بود، پیدا نکردیم. ساعت‌ها زیر آفتاب و در گرمای شدید مردادماندیم و حتی آب آشامیدنی هم به سختی پیدا کردیم. گروه حفاری که متوجه شد به محل نرسیده‌ایم، موضوع را به ستاد اطلاع داد و بالگردی برای نجات ما اعزام شد. خلبان که فقط مختصات چاه شماره ۴۲ را در اختیار داشت، مدام از روی محوطه چاه بلوکه شده می‌رفت و برمی‌گشت؛ اما به دلیل شرایط منطقه نتوانست گروه ما را پیدا کند. غروب آفتاب بود که بالگرد از سمت چپ ما دور زد؛ من با انعکاس نور آینه علامت دادم. خلبان متوجه شد، نزدیک آمد و خوشبختانه نجات پیدا کردیم.

🔥 حادثه مشابه دیگری هم داشتید؟
یک بار در منطقه آغار و دالان، در محدوده فراشیند و فیروزآباد فارس برای نقشه‌برداری روی قله کوه بودیم که هوا ناگهان ابری و مه‌آلود شد و برف سنگینی شروع به باریدن کرد؛ به طوری که دید تقریباً به صفر رسیده بود. یکی از اعضای گروه که خیلی هم نگران بود، می‌گفت: نکند دیگر برنگردیم! من گفتم: هیچ‌کس از اینجا تکان نخورد. باید تا رسیدن بالگرد همین‌جا بمانیم.

دور یک درخت بلوط بزرگ، سنگ چیدیم و با شاخه‌هایش برای خودمان پناهگاهی درست کردیم. بالگرد هم به دلیل غلظت مه، نتوانست ما را ببیند و مجبور به بازگشت شد. خلبان ابتدا طبق مقررات قصد بازگشت به شیراز را داشت، اما وقتی متوجه شد ما در ارتفاعات گرفتار شده‌ایم، با وجود شرایط بد جوی، دوباره به منطقه برگشت و ما را پیدا کرد. وقتی سوار شدیم، گفت که برخلاف مقررات، پرواز کرده و به خاطر رفاقت و انسانیتی که بین گروه وجود داشته، دوباره بازگشته است.

🔥 از خاطرات شیرین دوران خدمت کدام بیشتر در ذهنتان مانده است؟

بهترین خاطره‌ام، صفا و صمیمیتی بود که بین همکاران جریان داشت. ما گروهی ۲۵ نفره بودیم و مأموریت‌های طولانی، گاهی تا ۲۵ روز ادامه داشت. شبانه‌روز کنار هم بودیم و مثل یک خانواده زندگی می‌کردیم. کوچک‌ترین کدورتی از همکارانم به یاد ندارم. دوری از خانه باعث می‌شد هنگام بازگشت، قدر خانواده را بیشتر بدانیم و با انرژی تازه‌ای به مسیرمان ادامه دهیم. حتی امروز هم بسیاری از ما

با هم در ارتباط هستیم و رفت و آمد داریم؛ با هم سفر می‌کنیم و مهمان هم می‌شویم. این پیوند و دوستی، برای من بزرگ‌ترین ثروت است.

🔥 اگر بخواهید یک تصویر کلی از دوران خدمتتان ارائه دهید، چه می‌گویید؟

فکر می‌کنم زیباترین و شادترین دوران زندگی‌ام را در اداره نقشه‌برداری گذراندم. شاید کار دشوار بود؛ در گرمای سوزان، سرمای استخوان‌سوز، میان کوه‌ها و بیابان‌ها و حتی در دل شرایط جنگی فعالیت می‌کردیم، اما فراتر از کار، در کنار هم زندگی می‌کردیم. گاهی در بوشهر مشغول کار بودیم و پس از پایان مأموریت، به دشت ارژن می‌رفتیم، با هم غذا درست می‌کردیم و دور هم می‌نشستیم. در



فیروزآباد نیز گاهی با هماهنگی فرمانداری، در مدارس خالی یا باغ‌های منطقه اقامت می‌کردیم. اینها برای من تنها یک خاطره ساده نیستند؛ بلکه بخشی از وجود

در طول سال‌ها کار، حتی ۱۰ روز هم پشت میز ننشستم. زیرا همواره برای یافتن محل چاه‌ها و تعیین مختصات آن‌ها به مناطق مختلف اعزام می‌شدم

و زندگی من شده‌اند. امروز که ۷۷ سال سن دارم، هنوز هم با قدرت راه می‌روم، می‌خندم، به پارک می‌روم و با دوستانم اوقات را می‌گذرانم. خاطرات همکاران و تمام سپری کرده‌ام، برای من یک ثروت واقعی است؛ ثروتی که هنوز هم مرا زنده و پرنرژی نگه داشته است.

وقتی همکار نفتی، همراه زندگی می شود

قصه عشق در خانه



مشعل | خانواده یعنی زندگی مشترکی که هر روز با تلاش، مهربانی و همدلی شکل می‌گیرد؛ جایی که دو نفر با بال‌های همدلی و محبت، مسیر زندگی خود را می‌سازند، مسئولیت‌ها و چالش‌های روزمره را تقسیم می‌کنند و محبتی امن و پرمحبت برای رشد فرزندان فراهم می‌آورند. برای زوج‌هایی که هر دو شاغل هستند، این مسیر پر از چالش و هماهنگی است؛ آنان باید میان کار و وظایف خانه تعادل برقرار و با برنامه‌ریزی دقیق، لحظات با هم بودن را خاطره‌سازی کنند و هر روز فرصتی است برای مراقبت و پرورش فرزندی که در دل محبت و توجه آنها رشد می‌کنند. امین خندان و آریتا اسمی‌نژاد، از جنس همین زوج‌ها و همکاران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون، زندگی مشترک خود را با عشق، محبت و همکاری ساخته‌اند. هر روز آنها سرشار از هماهنگی میان شیفت‌های کاری و لحظات خانوادگی است؛ از ساعت‌های طولانی کاری در دل محیط صنعتی گرفته تا لحظاتی که با عشق و محبت، خانه را پر نور و گرم می‌کنند. با تقسیم مسئولیت‌ها، گفت‌وگوهای صمیمانه و حمایت متقابل، سختی‌های شغل صنعتی را پشت سر می‌گذارند و هر روز فرصتی تازه پیدا می‌کنند تا پیوند خانوادگی خود را تقویت کنند و خاطراتی شیرین بسازند. زندگی این زوج شاغل در صنعت نفت، قاب عکسی زیبا از تلاش، صبوری و عشق است؛ جایی که کار و خانه، مسئولیت و محبت، همگی در کنار هم معنا پیدا می‌کنند و لحظاتی سرشار از شادی و امید را با گرمای حضور خانواده رنگ می‌بخشند.

امین خندان و آریتا اسمی‌نژاد، نه تنها همکاران حرفه‌ای در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون، بلکه در خانه نیز همراهان صمیمی و مهربان مهربان فرزندان خود هستند. زندگی مشترک آنها سرشار از هماهنگی، صبوری و تلاش مستمر است؛ از صبح زود که وارد محیط صنعتی می‌شوند و میان مسیرهای پیچیده خطوط نفتی به فعالیت مشغولند، تا عصر که با گذر از روز پرچالش کاری، به خانه بازمی‌گردند؛ فضای خانه را با آرامش و صمیمیت روشن و گرم می‌کنند. آنها با انرژی و آرامشی که از فضای صمیمی خانه می‌گیرند، در محیط کار نیز با انگیزه‌ای مضاعف به ایمنی و امنیت خطوط نفتی و تأمین انرژی کشور کمک می‌کنند. برنامه‌ریزی دقیق، تقسیم مسئولیت‌ها و درک متقابل، ستون‌های استوار زندگی این زوج شاغل را شکل می‌دهد؛ ستون‌هایی که باعث می‌شود هر چالشی به لحظه‌ای برای آوچ گرفتن، در مسیر شغلی و در جریان زندگی خانوادگی تبدیل شود. آقا و خانم خندان در کنار هم خانه‌ای آرام و سرشار از محبت ساخته‌اند؛ خانه‌ای که حضور و شادابی فرزندان، آن را گرم‌تر و دلنشین‌تر می‌کند. این فضای صمیمی، جلوه‌ای از عشق، همراهی و معنای واقعی خانواده است؛ جایی که امید، شادی و هماهنگی مسیر زندگی مشترکشان را روشن‌تر و هموارتر می‌سازد.

پدر خانه و مرد بحران‌ها

از دل کوچه‌های گرم و صمیمی بهبهان تا قلب تپنده صنعت نفت، مسیر زندگی امین خندان با تلاش، پشتکار و صبوری آمیخته است. او متولد ۱۳۶۷ در بهبهان است؛ فرزند ارشد خانواده‌ای کم جمعیت که همین موقعیت از کودکی در او روحیه‌ای مستقل و مسئولیت‌پذیر ساخت. وقتی از آن روزها حرف می‌زند، لبخند آرامی روی چهره‌اش می‌نشیند؛ فرزند بزرگ بودن، من را مستقل بار آورد و از همان کودکی یاد گرفتم روی پای خودم بایستم. سال‌های ابتدایی زندگی او در آبادان گذشت؛ شهری که مشعل‌های پالایشگاه، شب‌هایش را روشن نگه می‌دارند. همین تصاویر ماندگار، جرقه علاقه‌اش به صنعت نفت بودند. او با نگاهی آمیخته به خاطره می‌گوید: همیشه دنیای مشعل‌ها برایم جذاب بود. آن روزها پدرم می‌گفت باید درس بخوانی تا روزی وارد دنیای صنعت نفت شوی. خندان مسیر تحصیلی‌اش را آگاهانه انتخاب کرد، کارشناسی مهندسی ایمنی و کارشناسی ارشد

مدیریت اچ اس ای؛ رشته‌هایی که قدم به قدم او را به صنعتی رساند که با خطر، دقت و ایمنی معنا پیدا می‌کند. پیش از ورود رسمی به صنعت نفت؛ در عسلویه در کارخانه آلومینیوم و یک شرکت مهندسی مشاوره کار کرد؛ تجربه‌هایی که به قول خودش چشم او را به دنیای حرفه‌ای بازتر کرد. در آزمون سراسری صنعت نفت، شرکت کرد و پس از مراحل اولیه، از اردیبهشت ۱۳۹۱ به‌طور رسمی وارد این صنعت شد. هنگام توضیح آن روزها صدایش محکم‌تر می‌شود؛ ثبات سازمانی و گستره فعالیت نفت برایم خیلی مهم بود. ورودم آسان نبود، این مسیر، رؤیای کودکی‌ام را محقق کرد.

کار با دقتی نفسگیر

اولین روز کاری‌اش را با ترکیبی از هیجان، اضطراب و شوق یاد می‌کند و با نگاهی مصمم می‌گوید: نظم سازمانی و محیط حرفه‌ای شرکت، انگیزه‌ام را بیشتر کرد؛ فهمیدم باید خیلی بیشتر یاد بگیرم. خندان، سال‌ها در اداره اچ اس ای و ایستگاه‌های ایمنی و آتش‌نشانی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون فعالیت کرد و امروز کارشناس ارشد پدافند غیرعامل و مدیریت بحران همین شرکت است. روزهای کاری‌اش با بازرسی، گزارش نویسی و بررسی بخشنامه‌ها می‌گذرد؛ کارهایی که نیازمند دقتی نفس‌گیر است. با تمرکز می‌گوید: در مدیریت بحران یک اشتباه کوچک می‌تواند نتیجه‌های بزرگی داشته باشد؛ همین فشارها باعث رشد حرفه‌ای من شده است. اما زندگی امین خندان فقط در محیط صنعتی معنا نمی‌شود؛ داستانی شیرین‌تر در دل روایت او جریان دارد؛ آشنایی با همسرش، آریتا اسمی‌نژاد. با لبخند می‌گوید: در شرکت با همسرم آشنا شدم؛ اخلاق خوب و نجابتشان برایم خیلی مهم بود و همان شد که این آشنایی کاری به زندگی مشترک تبدیل شد.

ثمره این زندگی سه فرزند است، ژالین چهار ساله و دو قلوهای هشت ماهه ژیلان و ژیکان. وقتی اسم بچه‌ها را می‌برد، چهره‌اش روشن می‌شود و با ذوقی پدانه می‌گوید: ژالین قلب من است، ژیلان نفسم و ژیکان جگرم؛ هر انسانی بدون اینها نمی‌تواند زنده بماند.

آتش و آرامش پدر همیشه در صحنه

تعادل کار و خانه برای زوجی که هر دو شاغلند، آسان نیست. خندان می‌گوید: همسرم بیشتر با

بچه‌هاست، اما من هم در تربیتشان نقش دارم. مسئولیت‌های بیرون خانه بیشتر با من است و همیشه تلاش کرده‌ام حامی همسرم باشم. از سخت‌ترین بخش‌های کارش که می‌پرسم، با کمی مکث، می‌گوید: وقتی چند روز خانه نیستم یا نیمه‌شب باید برای عملیات بروم. آن روزها فشار خانه روی دوش همسرم می‌افتد. سپس با جدیت اضافه می‌کند: سعی می‌کنم بعد از بازگشت جبران کنم؛ با محبت، با وقت گذاشتن. چشم‌انداز خندان برای آینده شغلی روشن است و با باوری عمیق می‌گوید: امیدوارم هر جا هستم، وجدان کاری داشته باشم و مفید باشم؛ ارتقا در کار مثل هر فردی برایم اهمیت دارد. همینطور برای خانواده آرامش، سلامت و رشد علمی و مهارتی فرزندان را آرزو می‌کند. پیام او به همکاران صنعت نفت، با همان لحن آرام و مطمئنش پایان بخش گفت‌وگو می‌شود؛ برای همه همکاران پرتلاشم سلامتی، ایمنی و آرامش خانوادگی آرزو می‌کنم. امیدوارم با همدلی گام‌های مؤثری برای پیشرفت صنعت نفت کشور برداریم.

مادر مهربان با دست‌های پرتوان

آریتا اسمی‌نژاد، مادری که آرامش خانه را در کنار نظم کار اداری می‌چیند، متولد مسجد سلیمان، کودکی و نوجوانی خود را در اهواز گذرانده است. او دوره کارشناسی اقتصاد بازرگانی را در آبادان گذراند و کارشناسی ارشد را هم باتلاش و پشتکار در رشته مدیریت مالی به پایان رساند. نگاهش پر از حس خاطره است وقتی می‌گوید: از بچگی

اطرافیانم همه شاغل در نفت بودند، من همیشه با شور و علاقه دنبال این مسیر بودم. می‌خواستم مفید و جزئی از این صنعت بزرگ باشم. ورود اسمی‌نژاد به صنعت نفت، نه تنها انتخاب شغل، بلکه تجربه‌ای خانوادگی و احساسی بود. اسمی‌نژاد از محیط صنعتی اهواز، دفترهای فنی و پروژه‌های مهندسی یاد می‌کند: همزمان با درس، کار می‌کردم؛ اتوکد، گزارش‌های مالی، مدیریت کارگران، همه این تجربه‌ها مرا آماده کردند برای ورود به صنعت نفت. اسمی‌نژاد سال ۱۳۸۷ وارد شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون شد و اولین روز کاری‌اش را با هیجانی وصف‌ناپذیر به یاد می‌آورد؛ همه چیز تازه و عظیم به نظر می‌رسید؛ دلم می‌خواست با انگیزه و دقت یاد بگیرم و خدمت کنم. امروز با سمت مسئول دفتر، مدیریت نامه‌ها، جلسات، پیگیری گزارش‌ها و پاسخگویی به مراجعه‌کنندگان را به عهده دارد که نیازمند تمرکز، نظم و صبوری است.

زندگی میان صنعت و خانه

روزهای اسمی‌نژاد ترکیبی از دقت اداری و مهارت مادرانه است. نامه‌ها و گزارش‌ها حساسیت بالایی دارند، اما او با آرامش می‌گوید: گاهی حجم کار زیاد است، اما وقتی همه چیز مرتب انجام می‌شود، حس رضایت و آرامش می‌گیرم. اسمی‌نژاد در اداره و خانه همزمان ایفای نقش می‌کند و توانسته است تعادل میان مادر و شاغل بودن را مدیریت کند. او با نگاهی پر از مهر به فرزندانش، می‌گوید: برای من تربیت و رشد بچه‌ها اولویت دارد؛ سعی



کرده‌ام تمام وقت و انرژی خودم را صرف آموزش و تربیت آنها کنم. ژالین و دو قلوها، ژیلان و ژیکان، محور اصلی زندگی او هستند و حضورشان خانه را پر از انرژی و نشاط می‌کند. سخت‌ترین بخش مدیریت مسئولیت‌ها،

تنظیم زمان و تقسیم کار است. اسمی‌نژاد توضیح می‌دهد: برنامه‌ریزی هفتگی، اولویت‌بندی وظایف و گفت‌وگو با همسر، راز تعادل بین کار و خانواده است.

وظایف داخل خانه و تربیت بچه‌ها بیشتر با اوست و امور بیرونی به عهده پدر خانواده است، اما هر دو با هم هماهنگ و همراه هستند. او اضافه می‌کند: وقتی فشار کاری زیاد می‌شود، گفت‌وگو با همسرم و بازی با بچه‌ها به من انرژی و آرامش می‌دهد. چشم‌انداز شغلی او بر پیشرفت صنعت نفت و ساماندهی نیروهای

پیمانکاری تمرکز دارد؛ برای خانواده، سلامت، آرامش و فرصت رشد فرزندان را آرزو می‌کند و برای همکاران نیز شادی و روزهای روشن آرزو می‌کند.

او با تقدیر ویژه از بانوان پرتلاش صنعت نفت می‌گوید: امیدوارم زنان توانمند این صنعت بیش از گذشته بدرخشند و با حضور مؤثر، مسیر پیشرفت سازمان و کشور را هموارتر کنند.



برنامه‌ریزی دقیق، تقسیم مسئولیت‌ها و درک متقابل، ستون‌های استوار زندگی این زوج شاغل را شکل می‌دهد؛ ستون‌هایی که باعث می‌شود هر چالشی به لحظه‌ای برای مسیر شغلی و در جریان زندگی خانوادگی تبدیل شود

همراهی با زنان از خارگ تا تهران

قصه‌ای که با اولین نفس‌ها آغاز می‌شود

۳۰ سال عشق به مامایی



فاطمه دهقان نیری | وقتی واژه «ماما» را می‌شنویم، نخستین تصویر در ذهنمان، چهره زنی است که کنار یک مادر باردار ایستاده و شاهد لحظه‌های پیش از تولد نوزاد، شکسته شدن سکوت اتاق با صدای گریه و مادری است که برای نخستین بار فرزندش را در آغوش می‌گیرد، اما واقعیت این است که ماما، قصه‌ای است که با تولد تمام نمی‌شود و بسیار فراتر از زایمان است. اینها جملاتی است که سوسن قیصری، کارشناس مامایی بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران در طول ۳۰ سال خدمت در این صنعت با پوست و گوشت خود لمس کرده و در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل» به زبان می‌آورد؛ آنجا که به عنوان ماما پا به خارگ گذاشت و جنگ و محرومیت هم نتوانست از اراده او بکاهد تا امروز که حامی و یاور زنانی است که می‌خواهند آیندگان را تربیت کنند.

مادری رشد می‌کنند، آگاهانه‌تر و آماده‌تر وارد زندگی می‌شوند و بهداشت دوران بلوغ، مشاوره پیش از ازدواج، مشاوره پیش از بارداری، مراقبت‌های دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و دوران سالخوردگی، همه حوزه‌هایی هستند که ماما می‌تواند در آنها نقش مهمی داشته باشد.

یکه تازمسیرهای سخت

قیصری با بیان این که سال ۱۳۷۴ از دانشگاه شهید بهشتی فارغ التحصیل شده و سال ۱۳۷۵ به جزیره خارگ رفته است، ادامه می‌دهد: پدرم با ۵۷ سال سابقه کار در صنعت نفت، ید طولایی در خدمت داشت و تا حدود ۷۳ سالگی همچنان مشغول کار بود. او از نوجوانی وارد صنعت نفت شده و همیشه به من آموخته بود که درآمد باید حلال و انسان برای حقوقی که می‌گیرد، باید کار کرده باشد. وی تصریح می‌کند: وقتی هم قرار شد برای گذراندن طرح، منطقه‌ای را انتخاب کنم، پدرم پیشنهاد داد به خارگ بروم و تأکید کرد باید وجدان کاری داشته باشم. همین شد که در اوج گرمای مردادماه ۱۳۷۵، پایه جزیره‌ای گذاشتم که آن روزها از فرودگاه مجهز

امروز بی بهره بود. هواييما که می‌رسید، مسافران در گرمای شدید منتظر می‌ماندند تا چمدان‌ها را با گاری‌های چرخدار جابه‌جا کنند. برای من که نخستین بار بود آنجا می‌رفتم، همه چیز عجیب و ناشناخت بود. مامای با تجربه بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران می‌گوید: هنوز در شگفتی بودم که به من گفتند مامای قبلی با پرواز درحال رفتن است و من کار را از همان لحظه به تنهایی شروع کردم. به سفارش پدر، آستین‌ها را بالا زدم و پاشنه کفش را بالا کشیدم تا در جایی که بیشتر شبیه به کانکس بود، کارم را شروع کنم. آزمایشگاه، امور اداری و بخش‌های مختلف در چند کانکس به هم متصل شده بود و من باید به حدود ۳۴ خانواده شرکتي که در قالب جمعیت نزدیک به ۵ هزار نفر در جزیره ساکن بودند، خدمات ارائه می‌دادم.

تولد روی عرشه

بعد از این همه سال، قیصری نام جزیره خارگ را که به زبان می‌آورد، بغض در صدایش نمایان می‌شود. حتی وقتی خیره به پنجره می‌گوید: در جریان جنگ ۴۰ روزه، هر بار تصاویر خارگ را می‌دیدم، گریه می‌کردم. وجبه‌به‌وجبه آن جزیره برای من خاطره است؛ فقط محل کار نبود، بخشی از زندگی من بود.

در آن دوران، تلاش می‌کردیم مادران بارداری را که سابقه سزارین یا بارداری‌های پرخطر داشتند، پیش از رسیدن زمان زایمان به اهواز منتقل کنیم، اما همه به رفتن راضی نبودند. امکانات هم بسیار محدود بود و از دستگاه سونوگرافی هم خبری نبود؛ از وسيله‌ای شبیه به قیف برای شنیدن صدای قلب جنین استفاده می‌کردم. کار سخت بود، اما تجربه، مسئولیت و عشق به کار بهترین انگیزه برای ادامه دادن بود. قیصری ادامه می‌دهد: خاطرم هست یک شب، خانمی با بارداری ۳۲ هفته‌ای بعد از مدت‌ها ناباروری مراجعه کرده و کیسه آیش پاره شده بود. نوزادی که قرار بود در ۳۲ هفتگی متولد شود، به مراقبت‌های ویژه NICU نیاز داشت که در جزیره نداشتیم. آن شب هوا هم بد بود و هلیکوپتر آمبولانسی، امکان پرواز نداشت. وی تصریح می‌کند: راه دیگری نبود و مادر باردار می‌باید هر چه سریع‌تر به بوشهر منتقل می‌شد. با هماهنگی مسئولان، یک یدک‌کش نفتی برای انتقال بیمار آماده شد و به اتفاق همسر، مادر و مادرشوهر بیمار راه افتادیم. هنوز زایمان شروع نشده بود، اما زمان علیه ما حرکت می‌کرد. حدود سه ساعت با بوشهر فاصله داشتیم، اما دریا تاریک بود و اطرافمان چیزی جز سیاهی دیده نمی‌شد. زمان زایمان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد که کیف لوازم را باز کردم و به کمک مادر بیمار مشغول به کار شدیم تا اینکه صدای گریه نوزاد با صدای بلند شنیده و فضای کشتی عوض



شد و چهره آدم‌هایی که چند ساعت قبل امیدي به انجام کار نداشتند، پر از شغف و امید شد. قیصری ادامه می‌دهد: نوزاد را بیچیدم و تحویل پدرش دادم و گفتم نارس است و فقط این کپسول اکسیژن را خوب نگه دار. سرانجام به بیمارستان رسیدیم و مادر و نوزاد به بخش منتقل شدند، اما ماجرای من تمام نشده بود و بارها و بارها به انواع مختلف تکرار شد؛ حتی کمک در انجام زایمان آهو.

همراه زنان در تمام فصول

قیصری نفس تازه می‌کند و از امواج آب‌ها به خشکی دفتر کارش بازمی‌گردد و تأکید می‌کند: یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در سال‌های کارم در جزیره متوجه شدم این بود که نقش ماما باید خیلی زودتر از زمان بارداری شروع شود؛ بنابراین پا به مدرسه دخترانه، مساجد و منازل بومی گذاشتم و اطلاعات ابتدایی درباره تغییرات بلوغ دختران و زنان را آموزش می‌دادم و تا الان هم که ۳۰ سال از آن روزها می‌گذرد همچنان این روند را ادامه می‌دهم چون معتقدم اینها فقط مسائل پزشکی نیستند، بلکه توسعه آگاهی، فرهنگ و اعتماد هستند. وی تأکید می‌کند: هر چند در دنیای امروز، اینترنت جای ماما و پزشک را پر کرده است، اما دریافت اطلاعات درست از این راه میسر نیست و ماما و پزشک به بهترین شکل ممکن می‌توانند آگاهی بخش باشند. برای مثال دختر نوجوان مراجعه‌کننده به من که به دلیل خونریزی‌های نامنظم، در اینترنت جست‌وجو کرده و تصور کرده بود سرطان رحم دارد. آنقدر ترسیده بود که فکر می‌کرد قرار است بمیرد؛ در حالی که بسیاری از تغییرات بدن در سال‌های ابتدایی بلوغ طبیعی

معتقدم باید شرایط مناسب برای تشکیل و تحکیم خانواده، فرزندآوری و رشد سالم نسل آینده ایجاد شود؛ حمایت از خانواده‌ها، تسهیل ازدواج، تأمین امنیت اقتصادی و شغلی، حمایت از مادران و کودکان و ارتقای خدمات سلامت باروری، از مهم‌ترین اقدام‌هایی هستند که در این زمینه می‌بایست به آنها توجه ویژه داشت. جوانی جمعیت تنها افزایش تعداد تولدها نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای داشتن نسلی سالم، توانمند و برخوردار از آینده‌ای مناسب است. از این مامای بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران می‌خواهم این روزها را در یک جمله خلاصه کند، با لبخند می‌گوید: از روزهایی که در خارگ، بدون متخصص زنان و بدون بسیاری از تجهیزات امروزی، کنار مادران ایستادم تا امروز که در بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران در سمت سرپرستار بخش زنان و زایمان فعالیت می‌کنم، یک چیز برایم هرگز تغییر نکرده و آن هم عشق به مامایی است. از قیصری خداحافظی می‌کنم و در مسیر بازگشت به این می‌اندیشم که چقدر نقش ماما در مسیر زن بودن، مادر شدن و سالم ماندن، پررنگ و اگر قرار است جامعه‌ای سالم داشته باشیم، باید بانوان را با معلمانی همچون ماماها، آگاه، سالم و توانمند کنیم.



هر چند در دنیای امروز، اینترنت جای ماما و پزشک را پر کرده است، اما دریافت اطلاعات درست از این راه میسر نیست و ماما و پزشک به بهترین شکل ممکن می‌توانند آگاهی بخش باشند

است و نیاز به آموزش و بررسی درست دارد؛ به همین دلیل است که می‌گویم مادران باید آگاه‌تر شوند تا آغوش امنشان، فضای تربیتی برای نسل آینده باشد. قیصری می‌گوید: تلاش می‌کنیم با برگزاری کلاس‌های آموزشی دوران بارداری در بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران، مادران و پدران را برای تولد نوزاد آماده کنیم، حتی برای زنانی که در شرایط مختلف نمی‌توانند حضوری شرکت کنند، کلاس‌های آنلاین در نظر گرفته شده است. وی تصریح می‌کند: زایمان فقط جیع‌زدن و درد کشیدن‌هایی که در فیلم‌های بینیم نیست، بلکه اگر یک زن از نظر روانی آماده باشد، تکنیک‌های تنفسی را بداند، همسرش کنارش باشد و تیم درمانی حمایتش کند، می‌تواند تجربه بسیار متفاوتی داشته باشد. مامای بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت تهران ادامه می‌دهد: زن حتی در دوران یائسگی نیز نیازمند توجه است. یک زن سال‌ها برای خانواده‌اش زندگی و فرزندانش را بزرگ کرده، اما در تمام این مسیر خودش را فراموش کرده است، وقتی به سن یائسگی و تغییرات جسمی و روحی مختلفی می‌رسد، به مراقبت و مشاوره نیاز دارد. ماما می‌تواند در تمام این مسیر کنار او باشد. قیصری با تأکید بر موضوع جوانی جمعیت نیز می‌گوید: در این حوزه کوشا هستیم و



باتغذیه مناسب به جنگ آلزایمر برویم

بشقاب سلامت برای مغز ماندگار

ندا ایندگشسب

کارشناس تغذیه بهداشت و درمان

صنعت نفت اصفهان



مشعل | بیماری آلزایمر علائم و نشانه‌هایی دارد که با از دست دادن حافظه کوتاه مدت، فراموش کردن آدرس‌ها و اسم‌ها آغاز می‌شود و کم‌کم تا آنجا پیش می‌رود که فرد حتی راه بازگشت به خانه را نیز فراموش می‌کند. نام این بیماری را بسیار شنیده و اگر کمی روراست باشیم، همه ما از ابتلا به آن هراس داریم؛ بیماری که باعث از دست رفتن تدریجی و مداوم مغز شده و می‌تواند روی صحبت کردن، فکر کردن و انجام فعالیت‌های روزانه تأثیر بگذارد، حال آنکه تغذیه مناسب و به هنگام، می‌تواند در پیشگیری، کند کردن روند بیماری و بهبود کیفیت زندگی فرد مبتلا نقشی کلیدی ایفا کند.

در دنیای امروز، بیماری آلزایمر و اختلالات شناختی مرتبط با افزایش سن، از چالش‌های مهم حوزه سلامت در سراسر جهان به شمار می‌رود، تا آنجا که به منظور افزایش آگاهی مردم درباره این بیماری، ۲۱ سپتامبر برابر با ۳ شهریورماه به عنوان روز آلزایمر نامگذاری شده است. در این مطلب، با شرح علائم این بیماری، بناداریم از تأثیر تغذیه به عنوان ابزار پیشگیری یا کنترل آلزایمر بیشتر بدانیم.

علائم آلزایمر و ارتباط آن با غذا خوردن

چهار اختلال عملکردی مغز می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم فرایند غذا خوردن بیمار را با مشکل مواجه کند:

■ **آمیزی (از دست دادن حافظه):** بیمار ممکن

است فراموش کند که غذا خورده یا حتی زمان وعده‌های غذایی را به یاد نیاورد.

■ **آفازی (اختلال در گفتار و درک زبان):** در این اختلال، فرد مبتلا به آلزایمر نمی‌تواند احساس گرسنگی، تشنگی یا ترجیح غذایی خود را به درستی بیان کند.

■ **آپراکسی (اختلال در انجام حرکات هدفمند):** بیمار به تدریج در استفاده از قاشق و چنگال یا انجام هماهنگ حرکات مربوط به غذا خوردن دچار مشکل می‌شود.

■ **آگنوزی (اختلال در شناسایی اشیاء):** ممکن است فرد مبتلا در تشخیص یا استفاده صحیح از وسایل غذاخوری دچار مشکل شود و کاربرد قاشق، چنگال یا سایر اشیاء را به درستی تشخیص ندهد.

راهکارهای کاربردی برای مراقبان

سفره و بشقاب را خلوت کنید. غذا را در اندازه‌های کوچک و در صورت امکان به صورت لقمه‌های نرم و قابل برداشتن آماده کنید تا بیمار برای غذا خوردن به استفاده از ابزارهای پیچیده نیاز نداشته باشد. این کار می‌تواند به حفظ استقلال و کرامت او کمک کند. محیطی را که فرد مبتلا به آلزایمر در آن غذا می‌خورد، آرام نگه دارید. تلویزیون، صدای بلند و عوامل حواس‌پرتی را کاهش دهید و محیطی آرام و منظم برای صرف غذای او فراهم کنید.

کنجاندن رژیم مدیترانه‌ای در سفره غذایی

پژوهش‌های تغذیه‌ای نشان می‌دهد که سلامت متابولیک بدن، از جمله کنترل قند خون و عوامل خطر قلبی - عروقی، با سلامت مغز ارتباط دارد. بنابراین توجه به کیفیت رژیم غذایی می‌تواند بخشی از رویکرد کلی مراقبت از سلامت شناختی

باشد. درباره کنترل قند خون می‌توان یادآور شد که حفظ قند خون در محدوده طبیعی و پیشگیری از دیابت می‌تواند به سلامت عروق و عملکرد بهتر مغز کمک کند. در نتیجه مصرف زیاد شیرینی‌ها، نوشیدنی‌های قندی و غذاهای بسیار فراوری‌شده، افزایش وزن و اختلالات متابولیک را به دنبال دارد؛ تغذیه‌ای که برای سلامت مغز مطلوب نیست. استفاده از روش‌های پخت سالم هم از راهکارهای حفظ متابولیک بدن است که در این مورد، استفاده بیشتر از روش‌هایی مانند بخارپز کردن، آب‌پز کردن و پخت ملایم، در کنار کاهش مصرف غذاهای سرخ‌شده، انتخاب مناسب‌تری برای یک الگوی غذایی سالم به شمار می‌روند. الگوی غذایی مدیترانه‌ای و مصرف بیشتر مواد غذایی گیاهی و چربی‌های غیراشباع همواره مورد تأکید بوده است. سبزیجات، به‌ویژه سبزیجات برگ‌سبز، انواع نوت، حبوبات، غلات کامل، مغزها و دانه‌ها، ماهی و روغن زیتون، بهترین الگوی تغذیه‌ای محافظ مغز شناخته شده‌اند.

رژیم‌غذایی‌ها و مکمل‌ها

تامین مناسب ویتامین‌ها و مواد معدنی برای سلامت عمومی و عملکرد مغز ضروری است. با این حال، مصرف مکمل‌ها باید بر اساس نیاز فرد و در صورت امکان با نظر پزشک یا متخصص تغذیه انجام شود.

■ **فولات و ویتامین گروه ب:** دریافت فولات (۴۰۰ تا ۱۰۰۰ میکروگرم) و پایش دقیق ویتامین ب۱۲ از تخریب بافت عصبی جلوگیری می‌کند.

■ **ویتامین د:** سطح خونی ویتامین د باید کنترل شده و روزانه حدود ۱۰۰۰ واحد بین‌المللی تامین شود.

■ **امگا۳:** روغن ماهی به خصوص در مراحل اولیه آلزایمر و اختلال شناختی خفیف، تأثیر زیادی بر کاهش التهاب مغز نشان داده است.

■ **معجزه کورکومین (عصاره زردچوبه):** شیوع آلزایمر در مناطقی که زردچوبه مداوم مصرف می‌شود، بسیار کمتر است؛ زیرا فرم‌های تغلیظ شده و استاندارد کورکومین، به پاکسازی پلاک‌های آمیلوئید مغز کمک می‌کند.

■ **آهن و تیروئید:** کم‌خونی، کمبود آهن و اختلالات تیروئیدی می‌توانند بر سطح انرژی، تمرکز و عملکرد شناختی تأثیر بگذارند که در صورت وجود این علائم، باید از سوی پزشک بررسی و درمان شوند.

اقدامات تغذیه‌ای و مراقبتی در خانه

مراقبت از فرد مبتلا به آلزایمر در خانواده، ممکن است چالش‌های مختلفی در زمینه تغذیه به همراه داشته باشد. پس باید در مورد کم‌آبی بدن و فراموش کردن نوشیدن آب از سوی فرد مبتلا، مایعات را در فواصل منظم و در حجم‌های کوچک در اختیار بیمار قرار دهید. سوپ، شیر، میوه‌های آبدار و سایر نوشیدنی‌های مناسب نیز می‌تواند به تأمین مایعات کمک کند. درباره حواس‌پرتی و نخوردن غذا از سوی فرد آلزایمری، بهتر است تلویزیون و صداهای اضافی را خاموش و محیطی آرام برای غذا خوردن او فراهم کنید. ایجاد هماهنگی مناسب بین رنگ غذا و بشقاب نیز ممکن است به دیده شدن غذا کمک

کند. بی‌اشتهایی و کاهش وزن از دیگر چالش‌های فرد مبتلا به زوال عقل است که در این مورد به جای وعده‌های حجیم، می‌توان تعداد وعده‌ها را افزایش داد (۵ تا ۶ وعده کوچک و پرکالری)، ضمن اینکه استفاده از پودر مغزهای مغذی در طول روز نیز توصیه می‌شود. در صورت کاهش وزن، ارزیابی متخصص تغذیه برای افزایش مناسب انرژی و پروتئین اهمیت دارد. اختلال در خواب و بی‌قراری شبانه از دیگر مشکلات فرد مبتلا به آلزایمر است، بنابراین داشتن برنامه منظم خواب، نور و فعالیت مناسب در طول روز و کاهش مصرف نوشیدنی‌های محرک در ساعات پایانی روز می‌تواند برای آنها مفید باشد. همچنین استفاده از دمنوش‌های ملایم، مکمل تیائین و رایحه درمانی با عطر اسطوخودوس در اتاق خواب بیمار توصیه می‌شود. همراه با رعایت تمامی نکات تغذیه‌ای، تأکید می‌کنیم که بیمار باید هنگام غذا خوردن کاملاً نشسته باشد و پس از صرف غذای مدتی در این وضعیت باقی بماند. در صورت سرفه مکرر، خفگی، تغییر صدا پس از بلع یا عفونت‌های مکرر تنفسی، ارزیابی سریع پزشک و متخصص گفتاردرمانی و بلع ضروری است. آنچه در پایان نیاز به تأکید دارد آن است که مراقبت از بیماران مبتلا به آلزایمر نیازمند صبر، درک محدودیت‌های شناختی و حرکتی و توجه به نیازهای تغذیه‌ای اوست، ضمن این که با توجه به الگوی غذایی سالم، کنترل عوامل خطر متابولیک و قلبی - عروقی، تأمین کافی ویتامین‌ها و مواد معدنی، توجه به وضعیت بلع و بهینه‌سازی محیط غذاخوری، می‌توان شرایط مناسب‌تری برای حفظ سلامت و آرامش این افراد و خانواده‌های آنان فراهم کرد.



استفاده از روش‌های پخت سالم هم از راهکارهای حفظ متابولیک بدن است که در این مورد، استفاده بیشتر از روش‌هایی مانند بخارپز کردن، آب‌پز کردن و پخت ملایم، در کنار کاهش مصرف غذاهای سرخ‌شده، انتخاب مناسب‌تری برای یک الگوی غذایی سالم به شمار می‌روند

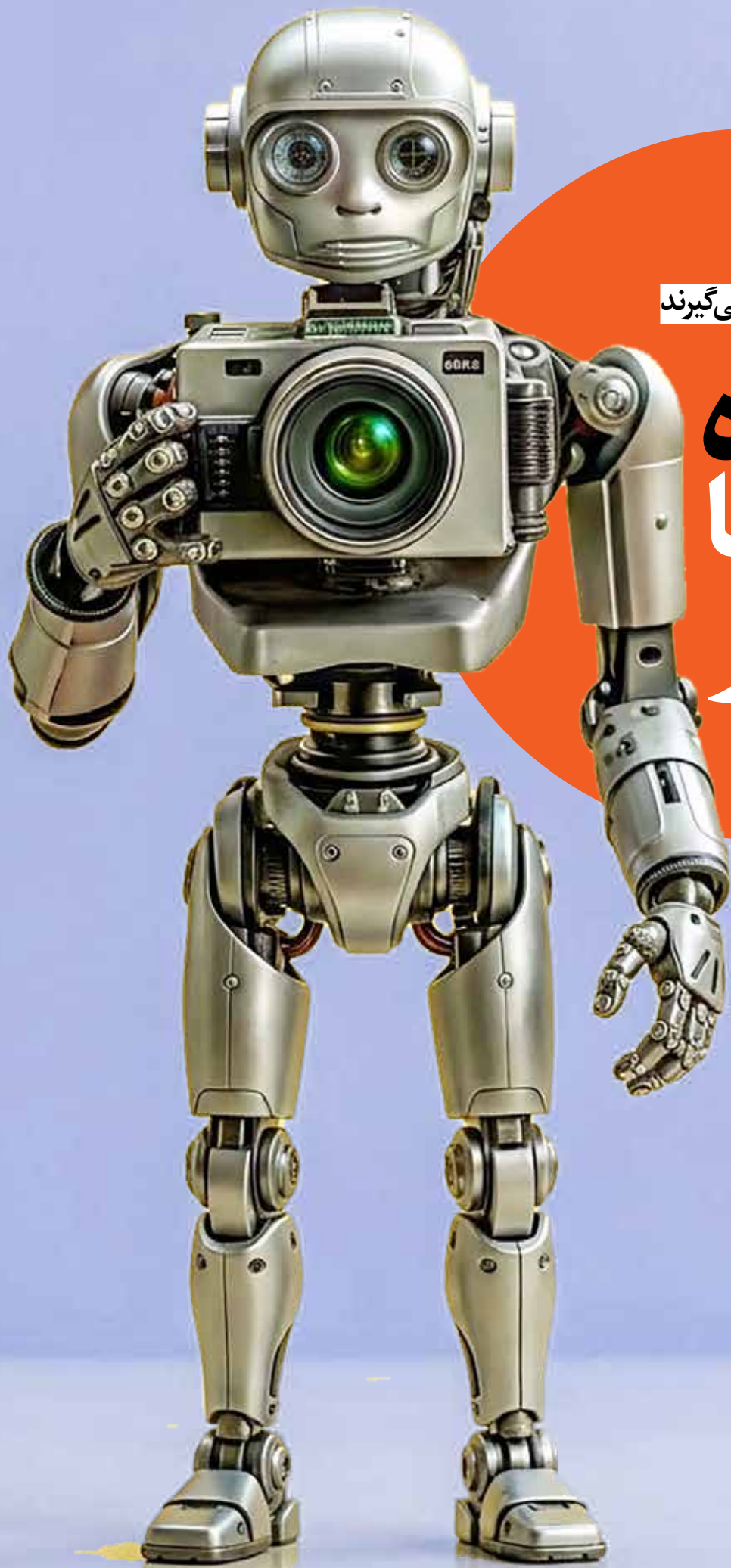




مشعل | تصور کنید برای روایت یک سکوی نفتی در میان آب‌های نیلگون خلیج همبشه فارس یا فعالیت کارگری در یک میدان نفتی یا یک پالایشگاه به تصویری نیاز دارید؛ اما نه دوربینی در کار است، نه گروه تصویربرداری و نه امکانی برای حضور در موقعیت. تنها چند جمله کافی است تا آنچه در ذهن دارید، به یک تصویر تبدیل شود؛ تصویری که گاه چنان به واقعیت نزدیک است که مرز میان ثبت و خلق را محو می‌کند و گاه، جهانی را پیش روی چشم شما قرار می‌دهد؛ چیزی که هنوز وجود خارجی ندارد. هوش مصنوعی، تصویر را از چیزی که فقط دیده می‌شود، به چیزی که می‌توان تصور کرد، نزدیک کرده است؛ اما پشت هر قاب خوب، فقط یک ابزار قدرتمند قرار ندارد؛ بلکه یک ایده روشن و یک دستور دقیق نیز ایستاده است. انتخاب سوژه، نور، زاویه دید، ترکیب‌بندی و حال و هوای تصویر، همان جزئیاتی هستند که چند کلمه ساده را به یک روایت بصری تبدیل می‌کنند. حالا دیگر پرسش فقط این نیست که با کدام ابزار تصویر بسازیم؟ سؤال مهم‌تر این است که چگونه آنچه را در ذهن داریم، درست به زبان هوش مصنوعی بیان کنیم.

تصویرهایی که از کلمه جان می‌گیرند

ایده تصویر



پیش از آنکه به سراغ تکنیک‌های تولید تصویر برویم، بد نیست با ابزارهایی آشنا شویم که امروز امکان استفاده از آنها برای کاربران عمومی فراهم است. برای کاربران ایرانی نیز، بسته به شرایط دسترسی و محدودیت‌های هر پلتفرم، امکان استفاده از برخی سرویس‌های شناخته‌شده تولید تصویر وجود دارد و می‌توان بدون پرداخت هزینه اولیه، تجربه ساخت تصویر با هوش مصنوعی را آغاز کرد؛ البته رایگان بودن این ابزارها به معنای برخورداری از امکانات نامحدود نیست و معمولاً تعداد تولید تصویر، سرعت پردازش یا دسترسی به مدل‌های پیشرفته‌تر با محدودیت‌هایی همراه است.

ابزارهای عمومی در دسترس

یکی از ابزارهایی که امکان تولید و ویرایش تصویر را در اختیار کاربران قرار می‌دهد، چت‌جی‌پی‌تی (ChatGPT) است. کاربر می‌تواند ایده خود را به زبان طبیعی توضیح دهد و از آن بخواهد تصویری متناسب با این توضیحات بسازد؛ از یک تصویر واقع‌گرایانه و مستند گرفته تا طراحی مفهومی، پوستر، تصویر تبلیغاتی یا ترکیبی از چند ایده در یک قاب. یکی از نقاط قوت نسل‌های جدید تصویرساز، توانایی بهتر در اجرای دستورهای جزئی و چند مرحله‌ای و همچنین تولید نوشته درون تصویر است. به همین دلیل، کاربر می‌تواند تنها به توصیف سوژه اکتفا نکند و درباره فضای تصویر، نور، زاویه دید، ترکیب‌بندی، سبک و حتی حال و هوای مورد نظر خود نیز توضیح دهد. همین ویژگی، این ابزار را برای تولید محتوای رسانه‌ای و طراحی ایده‌های بصری نیز کاربردی می‌کند.

ابزارهای پیشرفته‌تر

گوگل نیز در سال‌های اخیر، حضوری پررنگ در حوزه تولید و ویرایش تصویر داشته است. مدل‌های نانو بنانا (Nano Banana) در محیط جیمینای، امکان ساخت تصویر از روی توضیحات متنی و همچنین ویرایش تصاویر موجود را فراهم می‌کنند. نسخه پیشرفته‌تر این خانواده، نانو بنانا پرو (Nano Banana Pro)، قابلیت‌های گسترده‌تری برای اجرای دستورهای چند مرحله‌ای، حفظ ساختار و جزئیات تصویر، تولید نوشته درون تصویر و ارائه خروجی‌های با کیفیت‌تر دارد. البته دسترسی به امکانات و سهمیه تولید تصویر در این سرویس‌ها ثابت نیست و می‌تواند بر اساس نوع حساب کاربری، مدل مورد استفاده و منطقه جغرافیایی متفاوت باشد. بنابراین بهتر است هنگام معرفی ابزارها، به جای تمرکز صرف بر عنوان رایگان، به این نکته توجه کنیم که هر سرویس چه امکاناتی را در اختیار کاربر قرار می‌دهد و محدودیت‌های استفاده از نسخه رایگان آن چیست؟ از این رو انتخاب ابزار، تنها نیمی از مسیر است. حتی پیشرفته‌ترین تصویرسازها نیز زمانی خروجی مطلوب‌تری ارائه می‌کنند که کاربر بتواند خواسته خود را دقیق، روشن و مرحله به مرحله بیان کند.

پرامپت حرفه‌ای برای تولید تصویر

انتخاب ابزار، تنها آغاز مسیر تولید تصویر با هوش مصنوعی است. آنچه در نهایت کیفیت و میزان نزدیک بودن تصویر به ایده ذهنی کاربر را تعیین می‌کند، تا حد زیادی به نحوه بیان خواسته او بازمی‌گردد. در چت‌بات‌ها لازم نیست برای ساخت یک تصویر خوب، دستورهایی بسیار طولانی و پیچیده بنویسیم؛ راهنمای سایت‌های رسمی در زمینه تولید تصویر تأکید می‌کند که در بیشتر موارد، یک تا سه جمله روشن و توصیفی می‌تواند نقطه شروع مناسبی باشد. اصل مهم، شفافیت و مشخص بودن خواسته است، نه پیچیده کردن متن.

یک پرامپت مناسب بهتر است به چند پرسش ساده پاسخ دهد:

- تصویر برای چه منظوری ساخته می‌شود؟
- سوژه اصلی چیست؟
- چه اتفاقی در تصویر رخ می‌دهد؟
- صحنه کجاست؟
- تصویر چه سبک و حال‌وهوایی داشته باشد؟ در صورت اهمیت، می‌توان جزئیات بیشتری مانند زاویه دید، نوع نور، ترکیب‌بندی، جنس و بافت عناصر، نسبت تصویر و محدودیت‌های مورد نظر را نیز اضافه کرد. برای مثال، به جای نوشتن یک تصویر زیبا از پالایشگاه، می‌توان گفت: تصویری واقع‌گرایانه از یک پالایشگاه نفت در ساعات اولیه صبح، با تجهیزات صنعتی و خطوط لوله در پیش‌زمینه، نور طبیعی و ملایم، نمایی سینمایی و حال و هوای مستند صنعتی. چنین توصیفی اطلاعات بسیار بیشتری درباره تصویری که در ذهن داریم، در اختیار مدل قرار می‌دهد.

جزئیات، زمانی ارزشمندند که هدفمند باشند. اگر نور اهمیت دارد، به جای عباراتی مانند نور زیبا، بهتر است نوع و محل نور را مشخص کنیم؛ مثلاً نور طبیعی ملایم از سمت چپ. اگر ترکیب‌بندی اهمیت دارد، جایگاه سوژه را تعیین کنیم؛ مانند کارگر در سمت راست قاب و تجهیزات پالایشگاه در پس‌زمینه. توصیف دقیق جزئیاتی مانند نور، چیدمان، بافت و مواد، معمولاً به نسبت استفاده از عبارت‌های کلی و مبهم، نتیجه قابل اعتمادتری به دنبال دارد. از سوی دیگر، نباید انتظار داشت اولین تصویر، الزاماً همان تصویر نهایی باشد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تولید تصویر در چت‌بات‌هایی مانند چت‌جی‌پی‌تی، امکان اصلاح مرحله به مرحله است. می‌توان تصویر اولیه را دید و سپس فقط همان بخشی را که نیاز به تغییر دارد، اصلاح کرد.

برای مثال گفته شود: همین ترکیب‌بندی را حفظ کن، اما نور را کمی گرم‌تر کن، پس‌زمینه را ساده‌تر کن یا سوژه اصلی را کمی به مرکز قاب نزدیک‌تر کن. راهنمای سایت‌های رسمی نیز پیشنهاد می‌کند به جای تغییر همزمان چند عامل، اصلاحات کوچک و مشخص را مرحله به مرحله انجام دهیم تا کنترل بیشتری روی نتیجه داشته باشیم.

وقتی تصویر نیاز به نوشته دارد

یکی دیگر از قابلیت‌های مهم مدل‌های جدید تصویرساز، تولید نوشته درون تصویر است؛ قابلیتی که برای طراحی پوستر، عنوان، اینفوگرافیک و محتوای رسانه‌ای کاربرد زیادی دارد. در چنین مواردی، بهتر است متن مورد نظر را دقیقاً مشخص کنیم و درباره محل قرارگیری، اندازه، سبک قلم و رنگ آن نیز توضیح بدهیم. برای نمونه عنوان «انرژی برای فردا» را در بالای تصویر، با قلمی ساده و خوانا و به

رنگ سفید قرار بده و هیچ متن دیگری اضافه نکن. توصیه می‌شود متن‌های داخل تصویر کوتاه، بدون اعراب‌گذاری و دستور مربوط به آنها کاملاً مشخص باشد. همچنین گاهی توضیح یک تصویر با کلمات دشوار است. در این شرایط می‌توان از تصویر مرجع استفاده کرد. چت‌بات‌هایی مانند چت‌جی‌پی‌تی امکان بارگذاری تصویر و درخواست ویرایش آن را نیز فراهم می‌کنند. کاربر می‌تواند مشخص کند چه چیزی باید تغییر کند و چه چیزی بدون تغییر باقی بماند؛ برای مثال، فقط پس‌زمینه را تغییر بده و چهره، لباس و حالت سوژه را حفظ کن. همچنین در صورت استفاده از چند تصویر مرجع، بهتر است مشخص شود هر تصویر چه نقشی دارد و رابطه عناصر با یکدیگر چگونه باشد.

با همه این پیشرفت‌ها، هوش مصنوعی قرار نیست جای دوربین و نگاه یک عکاس را بگیرد؛ چرا که هیچ الگوریتمی نمی‌تواند جای لحظه‌ای را بگیرد که یک عکاس ساعت‌ها در انتظار می‌ماند تا نور از میان درختان جنگل عبور کند، انعکاس خورشید بر سطح آب بنشیند یا لحظه‌ای انسانی و تکرارنشده‌ای ثبت کند. عکاسی، ثبت یک لحظه واقعی است؛ لحظه‌ای که دیگر تکرار نمی‌شود و ارزش آن، فقط در تصویر نهایی نیست؛ بلکه در داستانی است که پشت آن قاب وجود دارد. با این حال، هوش مصنوعی دریچه‌ای تازه به روی تصویرسازی گشوده است؛ ابزاری برای ساختن آنچه شاید امکان ثبتش وجود نداشته باشد، برای جان دادن به یک ایده، تصویرکردن یک مفهوم یا روایت جهانی که هنوز شکل نگرفته است. گاهی این تصاویر چنان واقعی هستند که تشخیص ساختگی بودنشان دشوار می‌شود؛ اما شاید ارزش واقعی این فناوری نه در جایگزین شدن با عکاسی، بلکه در گسترش مرزهای تصور و روایت تصویری باشد؛ جایی که دوربین آنچه را وجود دارد، ثبت می‌کند و هوش مصنوعی، آنچه را می‌توان تصور کرد، به تصویر می‌کشد.

برگرفته از سایت OPENAI



مشعل | اگر برگ گیاه زرد و شاخه پی‌رمق شده یا رشد کم گیاهان آپارتمانی، خلق و خوی تو را تنگ کرده است و از هزینه‌های خرید کودشیمیایی و اثرهای منفی آن در محیط خانه واهمه داری، توصیه می‌کنیم این گیاهان را هم سقره خودت کن و هر آنچه میل می‌کنی، به پای آنها هم بریز. شاید تعجب کنی که مگر می‌شود، اما بدان نه مانده سقره با مواد غذایی که به نظرت کم‌ارزش می‌آیند، برای حال گیاهان معجزه می‌کنند و می‌توانند دوباره زندگی را به گوشه سبز خانه هدیه کنند.

گیاهان آپارتمانی بخش کوچکی از طبیعت در چار دیواری خانه هستند که برای داشتن سلامت خاک و تغذیه، چشم به دستان تو و هر آنچه به عنوان مواد غذایی مصرف می‌کنی، دارند و آنجا که کمی از پوست موز را برایشان کنار می‌گذاری یا آب شسته‌شده برنج را با عشق، به پایشان می‌ریزی یا قاشق قاشق تفاله قهوه یا پوست خردشده تخم مرغ را روی خاکشان می‌پاشی، به این می‌ماند که ریشه‌های کوچکشان را نوازش کرده‌ای، زیرا گیاه هم مثل هر موجود زنده‌ای با توجه رشد می‌کند و آرام‌آرام با برگ‌های تازه و جوانه‌های کوچک، پاسخ این مهربانی را می‌دهد.



کودهای خانگی تغذیه‌ای
کم هزینه برای گیاهان آپارتمانی است
جان تازه برای
سبزه‌های خانه

تفاله قهوه



در سال‌های اخیر که دم کردن قهوه و نوشیدن آن بیش از همیشه مرسوم شده، تفاله این نوشیدنی تلخ اما شیرین هم به جمع زباله‌های آشپزخانه اضافه شده است؛ در حالی که به جای دور ریختن، می‌توانی از آن به عنوان کود گیاهی استفاده کنی. برای این کار باید تفاله را روی سطح خاک یا ته گلدان بریزی یا گیاه را با قهوه آبیاری کنی که در این مورد، باید تفاله قهوه را به مدت یک هفته در آب بخیسانی و از آن برای آبیاری استفاده کنی. این کود به دلیل دارا بودن مواد مغذی نیتروژن، پتاس و فسفریک اسید، برای گیاهان دوستدار محیط اسیدی بسیار مناسب است و به آنان جانی تازه می‌دهد؛ نیتروژن در رشد و شادابی برگ‌ها و ساقه‌ها نقش مهمی دارد، پتاسیم مقاومت گیاهان در برابر بیماری‌ها را افزایش می‌دهد و فسفریک اسید به توسعه ریشه و گل دهی کمک می‌کند. همچنین تفاله قهوه دارای آنتی اکسیدان‌ها و ترکیبات فنلی است که خواص ضدباکتری و ضدقارچی ملایمی دارند؛ این ترکیبات به کنترل برخی بیماری‌های گیاهی و دفع آفات به طور طبیعی کمک می‌کنند.

گیاهانی همچون سانسوریا، پتوس، زاموفیلیا، رز، آزالیا و شفلرا مناسب کوددهی با قهوه هستند و گیاهانی همچون لاوندر، رزماری، آویشن، جعفری و نهال‌های جوان از کوددهی با قهوه منع شده‌اند.

پوست تخم مرغ

تخم مرغ از جمله مواد غذایی است که تقریباً به صورت روزانه در وعده غذایی خانواده مصرف و پوست آن دور ریخته می‌شود؛ در حالی که این ماده به ظاهر بی ارزش، مملو از کلسیم، فسفر، منیزیم، سدیم، پتاسیم، روی، منگنز، آهن و مس است که به عنوان کود، به افزایش تقسیم سلولی و رشد قوی‌تر و سالم گیاه کمک می‌کند. پس پوسته‌های تخم مرغ را شسته و خرد یا در مخلوط کن آسیاب کنید، سپس آن را روی خاک باغچه بپاشید. همچنین می‌توانید اسپری کود کلسیم بسازید، یعنی پوست‌های شکسته و خرد شده را در یک ظرف آب ریخته و بگذارید حدود یک هفته خیس بخورد تا کود مایع آماده شود سپس روی برگ‌ها بپاشید.

پوست تخم مرغ علاوه بر تامین عناصر مورد نیاز گیاه، PH خاک را تنظیم و از گیاهان در برابر بیماری‌ها و آفاتی همچون حلزون، کرم خاکی و دیگر جانورهای خرنده محافظت می‌کند.



پوست موز



از آنجا که موز منبع عالی پتاسیم به شمار می‌رود، برای خاک بسیار مناسب است و می‌تواند پتاسیمی را که گیاهان آپارتمانی می‌خواهند، به خوبی تامین کند. برای این کار، می‌توانید پوست موز را خرد کنید و روی خاک گیاهان بریزید

یا پوست موز را خشک کنید، سپس به صورت پودر در آورید و از آن برای گیاهان خود استفاده کنید. همچنین می‌توانید با خرد کردن پوست موزها و ریختن آن‌ها در یک ظرف آب، بعد از یک هفته کود مایع تولید کنید و بر روی خاک گیاهان بپاشید.

اگر گیاهان آپارتمانی شما قابلیت گلدهی دارند هم می‌توانید از پوست موز استفاده کنید، زیرا این گیاهان علاقه زیادی به پوست موز دارند. چه بسا اگر گیاه سانسوریا دارید، می‌توانید با مالش پوست موز به روی برگ‌های آن سبب شفافیت بیشتر گیاه خود شوید.

آب حاصل از پخت و پز

می‌توان گفت تقریباً روزانه، با مواردی از آب میوه‌های شسته‌شده، تخم مرغ باسیب زمینی آب پز شده، آب برنج یا ماکارونی آبکش شده و بسیاری موارد دیگر روبه‌رو هستی و نمی‌دانی این آب می‌تواند کود فوق‌العاده‌ای برای گیاهان آپارتمانی باشد، زیرا مملو از مواد مغذی مانند فسفر، نیتروژن، آهن، کلسیم است؛ بنابراین قبل از عجله برای دور ریختن این آب‌ها، با کمی تامل، اجازه دهید خنک شود، سپس گیاهان خود را از آن سیراب کنید تا شاهد رشد سالم‌تر آنان باشید.

فراموش نکنید اگر در منزل اکواریوم دارید، زمانی که مخزن آن را تمیز می‌کنید، آب را دور نریزید و از آن برای گیاهان آپارتمانی خود استفاده کنید. این آب غنی از باکتری‌های مفید، پتاسیم، فسفر و نیتروژن است که به شادابی و رشد گیاه کمک می‌کند. ضایعات ماهی‌هانی‌زیک کود گیاهی فوق‌العاده محسوب می‌شوند.



زمان مناسب کوددهی

بهترین زمان برای کوددهی بیشتر گیاهان آپارتمانی، فصل رشد آنهاست، یعنی از آغاز بهار تا اواخر تابستان، زمانی که گیاه بیدارتر است و برگ و جوانه‌های تازه می‌سازد. در این روزها، تغذیه ملایم هر چند هفته یک‌بار می‌تواند به شادابی گیاه کمک کند. در فصل‌های سرد، بسیاری از گیاهان به استراحت می‌روند و بهتر است کوددهی کمتر شود تا ریشه‌ها فرصت آرام گرفتن داشته باشند.

در حقیقت، کود دادن به گیاهان تنها ریختن ماده‌ای در خاک نیست؛ لحظه‌ای است برای توجه کردن، برای لمس کردن برگ‌ها و دیدن تغییرات کوچک زندگی. وقتی با دست‌های خود مان چیزی را که از خانه آمده به ریشه‌ای کوچک هدیه می‌دهیم، انگار به طبیعت یادآوری می‌کنیم که هنوز برایش جا و مهربانی در قلب‌های ما وجود دارد؛ سبزی گیاهان، نتیجه همین مراقبت‌های کوچک و عاشقانه است؛ قصه‌ای آرام از همراهی انسان با زندگی.

وقتی رنگ‌ها دیوارها را جابه‌جایی کنند

هنر خلق وسعت در مترای محدود



مشعل | گوشه کنج خانه کوچک و نقلی‌ای که به تازگی خریده‌ای ایستاده‌ای و در این فکر هستی که چطور دوستان و خویشاوندانی را که برای دیدن خانه‌ات لحظه شماری می‌کنند، به این محیط کوچک دعوت کنی. چه کنی که خانه کمی بزرگ‌تر به نظر بیاید که وقتی دوستان وارد شدند به ذوقشان برخورد. غافل از اینکه با استفاده از رنگ‌های خلاقانه در دکوراسیون، می‌بینی که خانه کوچک فقط اندازه‌اش کوچک است، اما عمقی به وسعت اقیانوس دارد و این رنگ‌های ساده، گلدانی که کنار پنجره جان گرفته، یک مبلی ساده با شال رنگی، چند قاب عکس و شمعی روشن چگونه تو را به یک فنجانی چای و کمی آرامش دعوت می‌کند.

و فضا یک‌دست‌تر دیده می‌شود. برای مثال رنگ سفید به دلیل اینکه نور را منعکس می‌کند و باعث می‌شود فضا بزرگ‌تر و بازتر به نظر برسد، به همین دلیل همیشه انتخاب اول برای خانه‌های کوچک بوده است که می‌تواند در دیوارها، سقف و حتی مبلمان به کار گرفته شود. گاه انتخاب رنگ گرم که گرما و صمیمیت بیشتری می‌آورد هم بی‌نقص نیست و برای پذیرایی و اتاق خواب کاربردی به نظر می‌رسد. رنگ طوسی روشن هم به خانه حس مدرن و شیک بودن می‌دهد که در این حالت استفاده از کفپوش‌های طوسی روشن همراه با دیوار سفید، فضایی مینیمال به وجود می‌آورد.

معجزه ترکیب رنگ‌ها

اما قرار نیست خانه کوچکمان را بی‌رنگ و بی‌روح کنیم. گاهی رنگ سبز زیتونی ملایم، آبی خاکستری، صورتی چرک یا چوب طبیعی می‌تواند همان نقطه کوچکی باشد که به خانه شخصیت می‌دهد. برای همین، یکی از ساده‌ترین ترفندها این است که دیوار، کابینت و بخش بزرگی از مبلمان را در یک خانواده یا طیف رنگی نگه داریم. برای مثال دیوار شیری یا کرم خیلی روشن در کنار کابینت کرم یا بژ روشن و مبلمان شنی یا کرم، باعث می‌شود مرز عناصر کمتر به چشم بیاید که نتیجه آن فضایی آرام‌تر و یکپارچه‌تر است.

اگر رنگ سفید را دوست دارید، بهتر است به جای سفید کاملاً سرد، سراغ سفید گرم بروید؛ مخصوصاً در

دکوراسیون خانه‌های کوچک، بیشتر از آنکه دربارہ وسایل و اندازه‌ها باشد، درباره حس زندگی کردن است؛ اینکه یاد بگیریم کمتر داشته باشیم، اما هر چیزی از رنگ، وسایل و چیدمان را که داریم با عشق انتخاب کنیم تا خانه جایی برای نفس کشیدن دل شود. در این گزارش بنا داریم تا با معرفی و انتخاب رنگ پایه، رنگ دوم و رنگ تأکیدی مناسب برای دیوارها و وسایل، پا به خانه‌ای پراز حال خوب بگذاریم که آشپزخانه‌اش بوی سلامت و نشیمن آن حس هیجان بدهد.

رنگ‌هایی که حرکت می‌کنند

هرگز رنگ‌ها را در طراحی و دکوراسیون خانه دست کم نگیرید، زیرا با دید بصری که می‌دهند، گاهی می‌توانند دیوارها را عقب‌تر ببرند، نور را بیشتر کنند و به خانه حس زندگی بدهند. می‌توانند روی مبلی بنشینند، از پرده رد شوند، به چوب کابینت برسند و همگام با نور خورشید، حال اتاق را عوض کنند. برای همین، انتخاب رنگ در خانه‌های کوچک بیشتر شبیه انتخاب موسیقی است؛ قرار نیست هر ساز به تنهایی زیبا باشد، مهم این است که کنار هم چه حسی بسازند.

رنگ‌های روشن و آرام مانند سفید گرم، کرم، شیری، بژ روشن و طوسی خیلی ملایم نور را در فضا پخش می‌کنند و باعث می‌شوند خانه بازتر و دل‌بازتر به نظر برسد. اگر این رنگ‌ها را برای دیوارها و بخش بزرگی از وسایل انتخاب کنیم، چشم کمتر با مرزها درگیر

خانه‌ای که کفپوش چوبی یا نور گرم دارد.

برای ایجاد شخصیت هم لازم نیست همه چیز را رنگی کنیم. یک مبلی تک‌رنگ، کوسن، صندلی یا اثر هنری می‌تواند رنگ تأکیدی را وارد فضا کند؛ به عنوان مثال زمینه کرم و بژ با مقدار کمی سبز زیتونی

یا آبی خاکستری، هم عمق می‌دهد و هم فضا را شلوغ نمی‌کند. اما در نظر داشته باشید اگر آشپزخانه در امتداد نشیمن قرار دارد، کابینت را کاملاً جدا از رنگ فضای پذیرایی انتخاب نکنید، زیرا هرچه رنگ کابینت به دیوار و مبلمان نزدیک‌تر باشد، آشپزخانه کمتر مانند یک حجم مستقل دیده می‌شود و کل فضا بزرگ‌تر و پیوسته‌تر به نظر می‌رسد.

فراموش نکنیم شاید راز دکوراسیون خانه‌های کوچک این باشد که رنگ‌ها را با عجله انتخاب نکنیم؛ بگذاریم نور، دیوارها و وسایل در کنار هم یک قصه بسازند. چون یک خانه کوچک، با انتخاب رنگ درست، می‌تواند آنقدر روشن و آرام باشد که بزرگ‌تر

از مترازش به نظر برسد و آنقدر گرم و دوست‌داشتنی باشد که دلمان نخواهد از آن بیرون برویم.



هرگز رنگ‌ها را در طراحی و دکوراسیون خانه دست کم نگیرید، زیرا با دید بصری که می‌دهند، گاهی می‌توانند دیوارها را عقب‌تر ببرند، نور را بیشتر کنند و به خانه حس زندگی بدهند. می‌توانند روی مبلی بنشینند، از پرده رد شوند، به چوب کابینت برسند و همگام با نور خورشید، حال اتاق را عوض کنند

باشگاه ورزشی کارکنان
از ماندگارترین جلوه های ارتباط با مردم است

نبض نفت در رگ ورزش



مشعل | یکی از نکات مغفول مانده در پژوهش های تاریخ اجتماعی نفت، واکاوی تاریخ ورزش است. شناخت مولفه های تاثیرگذار بر روند رشد ورزش در صنعت نفت می تواند کوششی هرچند اندک در جهت فهم تاریخ ورزش نفت قلمداد شود. یکی از این مولفه های تاثیرگذار، امکانات زیربنایی و اولیه ورزش مانند ساخت ورزشگاه و مجتمع های ورزشی است که به عنوان آغازگر راهی برای مسیر قهرمانی شناخته می شود. مجتمع ورزشی صنعت نفت در تهرانسر که امروزه به عنوان ورزشگاهی فعال در رشته های گوناگون فعالیت دارد و پذیرای تیم های پرطرفدار پایتخت، قهرمانان ملی کشور و کارکنان صنعت نفت است، بیش از نیم قرن پیش توسط منوچهر اقبال، مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران گشایش یافت و از آن روز تاکنون به عنوان یکی از پیوندهای صنعت نفت با مردم شناخته می شود. در این نوشتار قصه افتتاح استادیوم ورزشی تهرانسر را با هم ورق می زنیم تا افزون برشناخت تاریخچه این ورزشگاه، به یکی از مهم ترین اقدام های صنعت نفت در حوزه مسئولیت اجتماعی در ورزش نگاهی داشته باشیم.

سال ۱۳۵۲ خورشیدی سالی ویژه در حوزه ورزش صنعت نفت ایران بود، زیرا این سال با عنوان «سال ورزش» نام گذاری شد. به همین منظور شرکت ملی نفت ایران به تکاپو افتاد تا همسو با سیاست مسئولیت اجتماعی، اقدام هایی در حوزه زیربنایی ورزش انجام دهد. مجتمع ورزشی صنعت نفت در تهران (تهرانسر)، محصول این دوران است که در همین سال، افتتاح و به نام دکترمنوچهر اقبال نام گذاری شد. در بعدازظهر جمعه ۲۵ آبان ۱۳۵۲ طی مراسمی با حضور هزاران نفر از کارکنان صنعت نفت و خانواده های آنان، استادیوم ورزشی دکتر اقبال (در تهرانسر) از سوی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران گشایش یافت.

خاطره بازی در ورزشگاه

درباره تاریخچه ورزشگاه تهرانسر، روایت بسیار اندکی وجود دارد. در منابع تاریخ ورزش و سایت های ورزشی به جز اشاره به حوزه فعالیت این مجتمع در سالیان اخیر، کوچک ترین روایتی از نقش صنعت نفت در افتتاح این ورزشگاه که دست کم مردم غرب تهران با آن خاطره های زیادی را تجربه کرده اند، وجود ندارد.

از همین روی، نشریات حوزه نفت بهترین مرجع برای بازتاب روایت درست از تاریخچه تأسیس ورزشگاه تهرانسر به شمار می آیند. یکی از این

منابع با ارزش، نشریه «یادداشت روز» است که در شماره ۲۷۱۰ مربوط به ۲۷ آبان ۱۳۵۲، گزارشی مفصل به نقل از رئیس دبیرخانه و سرپرست وقت روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران ارائه داده است.

ورزشگاهی برای خانواده نفت

در این گزارش اشاره شده است که برای افتتاح مجموعه ورزشی، دکتر منوچهر اقبال، رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، جمعی از مقام های کشوری و چند هزارنفر از کارکنان صنعت نفت به همراه خانواده هایشان حضور داشتند. این ورزشگاه با گنجایش بیش از ۵ هزار نفر و در محل سکونت گروهی کارکنان صنعت نفت در منطقه تهرانسر، ظرف کمتر از ۱۰ ماه تأسیس و به نام «باشگاه ورزشی دکتر اقبال» نام گذاری شد. در گزارش نشریه یادداشت روز آمده است که دکتر منوچهر اقبال نورافکن های استادیوم را روشن کرد، سپس نمایندگان ورزشکاران صنعت نفت و صنایع وابسته که از نقاط مختلف کشور به تهران آمده بودند، با لباس های رنگارنگ رژه رفتند و در آخر هم مسابقه دوستانه فوتبال بین تیم صنعت نفت آبادان و تهران با پرتاب توپ به وسیله دکتر اقبال برگزار شد. بین دو نیمه بازی عملیات رزمی جودو و کاراته به وسیله افراد گارد صنعت نفت و مسابقه تفریحی و تشویقی از سوی ورزشکاران

انجام گرفت.

از جمله مواردی که به همراه تأسیس این مجتمع ورزشی صورت گرفت، تشکیل تیم های مختلف ورزشی از کارکنان صنعت نفت بود که به مرور اقدام به برگزاری مسابقات با تیم های داخلی و خارجی کردند.

امکانات ورزشگاه

در گزارش نشریه «یادداشت روز» در باره امکانات باشگاه ورزشی دکتر اقبال (باشگاه ورزشی کارکنان صنعت نفت «تهرانسر» امروزی) آمده است که این مجتمع دارای دو زمین فوتبال ۹۰×۱۱۰ متر و براساس ضوابط و استانداردهای بین المللی، برای تمرین و برگزاری مسابقات بزرگ داخلی و خارجی در نظر گرفته شده بود. همچنین این ورزشگاه دارای امکاناتی مانند پیست دو و میدانی، سالن پرورش اندام و وزنه برداری، اتاق شطرنج، پینگ پنگ، کشتی، سالن بدنیتون، استخر، زمین بسکتبال، والیبال و دو زمین تنیس مجهز بود. افزون بر این، یک سالن سینمای تابستانی و زمستانی نیز برای استفاده کارکنان صنعت نفت در نظر گرفته شده بود. با توجه به گزارش اخیر، مشخص می شود این مجتمع ورزشی امکانات کاملی در جهت توسعه ورزش های همگانی و فردی داشته و صنعت نفت با چنین اقدام هایی، نقشی پررنگ در توسعه ورزش کشور ایفا کرده است.

میزبانی مسابقات آسیایی

ورزشگاه تهرانسر که با امکانات مدرن و به روز ساخته شده بود، یک سال بعد در سال ۱۳۵۳ نقشی مهم در یک رویداد بین المللی ایفا کرد. در این سال به درخواست سازمان تربیت بدنی ایران به منظور استفاده تیم های مختلف کشورهای شرکت کننده در مسابقات آسیایی، کلیه تأسیسات ورزشی باشگاه دکتر اقبال از ۲۵ مرداد تا پایان شهریور، در اختیار سازمان تربیت بدنی قرار داده شد، از همین روی این مجتمع ورزشی نقشی مهم در یکی از رویدادهای بزرگ بین المللی دهه ۵۰ شمسی ایفا کرد و میزبان ورزشکاران

کشورهای خارجی شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت ورزشگاه ادامه یافت و همه روزه پذیرای کارکنان صنعت نفت شده است. در سالیان اخیر، این ورزشگاه محل تمرین تیم فوتبال استقلال تهران نیز بوده است. قصه ورزشگاه تهرانسر نشان از چشم انداز روشن در صنعت نفت دارد. صنعتی که تا پای جان برای تولید و صادرات تلاش می کند؛ در عین حال توجهی ویژه نیز به دغدغه های اجتماعی از جمله ورزش دارد.



از سیمین تا زرین



حفاظت از محیط زیست یک فعالیت مقطعی و محدود به زمان ارزیابی‌ها نیست، بلکه فرایندی مستمر و بخش جدایی‌ناپذیر از نظام مدیریت اچ‌اس‌ای شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان است

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان به دلیل گستردگی شبکه انتقال، قرارگیری بخش قابل توجهی از تأسیسات و خطوط لوله در پهنه‌های طبیعی و جنگلی، همچنین مجاورت با عرصه‌های ارزشمند زیست محیطی، همواره حفاظت از محیط زیست را به عنوان یکی از ارکان اساسی فعالیت‌های عملیاتی و مدیریتی مورد توجه قرار داده است.

در این منطقه، صیانت از محیط زیست تنها یک الزام قانونی و سازمانی نیست، بلکه بخشی از مسئولیت حرفه‌ای و اجتماعی در قبال منابع طبیعی و نسل‌های آینده محسوب می‌شود؛ از این رو در سال‌های گذشته مجموعه‌ای از اقدام‌های پیشگیرانه، اصلاحی و توسعه‌ای در حوزه محیط زیست با جدیت دنبال شده است.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رویکرد، کسب مستمر تندیس‌های زیست محیطی و دریافت مجموعه‌ای از تندیس‌های سیمین ارزیابی عملکرد زیست محیطی از سوی سازمان حفاظت محیط زیست بوده است؛ دستاوردی که حاصل تلاش مجموعه کارکنان، مدیران و کارشناسان این منطقه و نشان‌دهنده استمرار برنامه‌های زیست محیطی در سطح تأسیسات و مراکز عملیاتی است.

این موفقیت‌ها تنها یک عنوان یا نشان افتخار نیستند، بلکه معیاری برای سنجش مسیر طی شده و انگیزه‌ای برای ارتقای مستمر عملکرد محیط زیستی منطقه به شمار می‌آیند. هدف این است که با شناسایی نقاط قابل بهبود، اجرای اقدام‌ها اصلاحی و تقویت همکاری با اداره کل حفاظت محیط زیست استان لرستان، مسیر حرکت از دستاوردهای گذشته به سمت کسب تندیس‌های زرین و ارتقای جایگاه منطقه در ارزیابی‌های زیست محیطی با جدیت ادامه یابد.

در همین زمینه اقدام‌هایی از جمله کنترل و پایش آلاینده‌ها،

مدیریت پسماند، توسعه و نگهداری فضای سبز، پیشگیری و کنترل آلودگی خاک، اجرای برنامه‌های پاکسازی و بهسازی محیط تأسیسات، مدیریت شرایط اضطراری زیست محیطی و تقویت آموزش و فرهنگ سازی محیط زیستی در مراکز منطقه دنبال می‌شود.

همچنین با توجه به اهمیت منابع آب، خاک و پوشش گیاهی استان لرستان، تلاش شده است اجرای فعالیت‌های عملیاتی با رعایت الزام‌های محیط زیستی و کمترین اثرگذاری بر محیط پیرامون انجام شود. در این مسیر، همکاری مستمر با اداره کل حفاظت محیط زیست استان لرستان، نقش مؤثری در شناسایی ظرفیت‌های بهبود، رفع چالش‌ها و ارتقای عملکرد منطقه داشته است.

حفاظت از محیط زیست یک فعالیت مقطعی و محدود به زمان ارزیابی‌ها نیست، بلکه فرایندی مستمر و بخش جدایی‌ناپذیر از نظام مدیریت اچ‌اس‌ای شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان است. بر همین اساس، تلاش شده است رویکرد پیشگیرانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رعایت الزام‌های زیست محیطی در همه سطوح، از مدیریت و واحدهای ستادی تا مراکز انتقال نفت و فعالیت‌های پیمانکاری نهادینه شود.

تندیس‌های کسب شده در سال‌های گذشته، حاصل یک تلاش جمعی است، اما این پایان راه نیست. نگاه امروز شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان، حفظ دستاوردهای گذشته، اصلاح نقاط قابل بهبود و حرکت هدمند به سمت دریافت تندیس‌های زرین و تبدیل شدن این منطقه عملیاتی به یکی از مناطق پیشرو در عملکرد زیست محیطی است.

محمد نوری یزدان
رئیس اچ‌اس‌ای شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان





مجله تصویر کارکنان صنعت نفت ایران

با مشعل آنلاین به خانواده بزرگ صنعت نفت پیوندید

t.me/mashalonline



ble.ir/mashalonline



www.aparat.com/Mashalonline



[MashaLonline](https://www.instagram.com/MashaLonline)



